

مکاشفات یوحنا اللاهوتی علیہ السلام



بشارتها و اندزهای حواری محبوب عیسی، یوحنا البربری از وقایع و رخدادهاى آخرالزمان

سید احمدالحسن علیہ السلام : «وَسَيُشْكُوَكُمْ اشعيا وارميا ودانيال وعيسى ويوحنا البربري لأنهم بينوا أمري لأهل الأرض قبل سنين طويلة، وستشكوكم التوراة والإنجيل والقرآن التي ذكرتُ فيها، كل هذا وتخذلونني»؛ (اشعيا و ارميا و دانيال و عيسى و يوحناى بربرى از شما شكایت خواهند کرد، زیرا كه آنها امر مرا از سالهاى طولانى پیش برای مردم زمین روشن ساختند. و تورات و انجيل و قرآن كه در آن ذكر شده‌ام شما را شكایت خواهند كرد؛ با وجود اين همه دلائل باز مرا إنكار مى كنيد و مرا يارى نمى دهيد؟!).

ترجمه: دنیای جدید

گردآوری و تنظیم: صادق شکاری

ذوالحجه ۱۴۳۹ هـ.ق



جهت آشنایی با دعوت سید احمد الحسن علیه السلام به تارنمای زیر مراجعه نمایید:

<https://www.almahdyoon.co>

فهرست

اهداء :	۵
معرفی کتاب	۶
بخش های از کلام سید احمد الحسن علیه السلام در مورد مکاشفات یوحنا اللاهوتی:.....	۱۰
رُؤْيَا يُوْحَنَّا اللَّاهُوتِي : الْأَصْحَاحُ الْأَوَّلُ * ۱:۱-۲۰.....	۱۴
رُؤْيَا يُوْحَنَّا اللَّاهُوتِي : الْأَصْحَاحُ الثَّانِي * ۱:۲-۲۹.....	۱۶
رُؤْيَا يُوْحَنَّا اللَّاهُوتِي : الْأَصْحَاحُ الثَّالِثُ * ۱:۳-۲۲.....	۱۸
رُؤْيَا يُوْحَنَّا اللَّاهُوتِي : الْأَصْحَاحُ الرَّابِعُ * ۱:۴-۱۱.....	۲۱
رُؤْيَا يُوْحَنَّا اللَّاهُوتِي : الْأَصْحَاحُ الْخَامِسُ * ۱:۵-۱۴.....	۲۲
رُؤْيَا يُوْحَنَّا اللَّاهُوتِي : الْأَصْحَاحُ السَّادِسُ * ۱:۶-۱۷.....	۲۳
رُؤْيَا يُوْحَنَّا اللَّاهُوتِي : الْأَصْحَاحُ السَّابِعُ * ۱:۷-۱۷.....	۲۵
رُؤْيَا يُوْحَنَّا اللَّاهُوتِي : الْأَصْحَاحُ الثَّامِنُ * ۱:۸-۱۳.....	۲۷
رُؤْيَا يُوْحَنَّا اللَّاهُوتِي : الْأَصْحَاحُ التَّاسِعُ * ۱:۹-۲۱.....	۲۸
رُؤْيَا يُوْحَنَّا اللَّاهُوتِي : الْأَصْحَاحُ الْعَاشِرُ * ۱:۱۰-۱۱.....	۳۰
رُؤْيَا يُوْحَنَّا اللَّاهُوتِي : الْأَصْحَاحُ الْحَادِي عَشَرَ * ۱:۱۱-۱۹.....	۳۱
رُؤْيَا يُوْحَنَّا اللَّاهُوتِي : الْأَصْحَاحُ الثَّانِي عَشَرَ * ۱:۱۲-۱۷.....	۳۳
رُؤْيَا يُوْحَنَّا اللَّاهُوتِي : الْأَصْحَاحُ الثَّالِثُ عَشَرَ * ۱:۱۳-۱۸.....	۳۵
رُؤْيَا يُوْحَنَّا اللَّاهُوتِي : الْأَصْحَاحُ الرَّابِعُ عَشَرَ * ۱:۱۴-۲۰.....	۳۷
رُؤْيَا يُوْحَنَّا اللَّاهُوتِي : الْأَصْحَاحُ الْخَامِسُ عَشَرَ * ۱:۱۵-۸.....	۳۹
رُؤْيَا يُوْحَنَّا اللَّاهُوتِي : الْأَصْحَاحُ السَّادِسُ عَشَرَ * ۱:۱۶-۲۱.....	۴۰
رُؤْيَا يُوْحَنَّا اللَّاهُوتِي : الْأَصْحَاحُ السَّابِعُ عَشَرَ * ۱:۱۷-۱۸.....	۴۲
رُؤْيَا يُوْحَنَّا اللَّاهُوتِي : الْأَصْحَاحُ الثَّامِنُ عَشَرَ * ۱:۱۸-۲۴.....	۴۶

رُؤْيَا يُوحَنَّا اللَّاهُوتِي : الْأَصْحَاحُ التَّاسِعُ عَشَرَ * ١٩:١-٢١ ٤٨

رُؤْيَا يُوحَنَّا اللَّاهُوتِي : الْأَصْحَاحُ الْعِشْرُونَ * ٢٠:١-١٥ ٥١

رُؤْيَا يُوحَنَّا اللَّاهُوتِي : الْأَصْحَاحُ الْحَادِي وَالْعِشْرُونَ * ٢١:١-٢٧ ٥٢

رُؤْيَا يُوحَنَّا اللَّاهُوتِي : الْأَصْحَاحُ الثَّانِي وَالْعِشْرُونَ * ٢٢:١-٢١ ٥٥

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، الْأُمَّةِ وَ الْمَهْدِيِّينَ وَ سَلِّمْ تَسْلِيماً كَثِيراً

اهداء :

تقديم به یوحناى بربرى ﷺ

حوارى محبوب عيسى بن مريم ﷺ

آنکه به حق و صاحب حق بشارت داد و تفاصيل دعوت او را در آخرالزمان بيان نمود

معرفی کتاب

کتاب مکاشفات یا رویاهای یوحنا بربری عليه السلام آخرین کتاب از کُتب «عهد جدید» مسیحیان می‌باشد. و تنها کتاب عهد جدید است که در رده ادبیات رستاخیزی قرار می‌گیرد؛ و نه تعلیمی یا تاریخی، و تعدادی بسیار از پنداره‌ها، نمادها و تمثیل‌ها را به ویژه در رابطه با وقایع آینده به کار می‌بندد.

یوحنا از حواریون و از دوازده رسول برگزیده عیسی عليه السلام بود.^۱ مسیحیت سنتی، او را نویسنده انجیل یوحنا و نیز نویسنده کتاب مکاشفه یوحنا می‌داند در انجیل، یوحنا حواری محبوب مسیح، با نام یوحنا پسر زبدي خوانده شده است، وی برادر یعقوب اکبر و در آغاز ماهیگیر بود. یوحنا، از شاگردان یحیی تعمیددهنده بود که با آغاز دعوت عیسی، به جمع پیروان وی گروید. بنا به روایت انجیل، پس از برخاستن مسیح از مردگان، یوحنا و پطرس نخستین کسانی بودند که به زیارت مقبره رفتند و برخاستن شبیه عیسی را باور کردند. در مسیحیت سنتی، از وی با نام یوحنا ی محبوب یاد می‌شود. دلیل این نامگذاری به خاطر این بود که یوحنا یار محبوب عیسی مسیح بود و شبیه عیسی بر روی صلیب به مریم مادر عیسی (ع) و یوحنا گفت: (ای مادر، یوحنا اینک پسر توست؛ و ای یوحنا، مریم اینک مادرت). یوحنا دوران کهن سالی طولانی خود را در افسس (یونان) گذرانید و در آنجا انجیل، سه رساله و کتاب مکاشفه خود را به رشته تحریر درآورد، اپیفانوس تاریخنگار وفات وی را در سال سوم سلطنت تروجان یعنی سال ۱۰۰ میلادی می‌داند و اظهار می‌دارد که او در سن ۹۴ سالگی در افسس از دنیا رفته است.

در طی قرون متمادی، چهار شیوه و دیدگاه متداول برای مطالعه و تفسیر مکاشفه یوحنا وجود داشته این دیدگاه‌ها عبارتند از: ۱- آینده‌گرا ۲- گذشته‌گرا، ۳- ایدئالیستی و ۴- تاریخی؛ دیدگاه آینده‌گرا که در قرن بیستم با اقبال فراوان مسیحیان مواجه و دوباره احیا گردیده است، مکاشفه یوحنا را بازنمایی دقیق حوادث روزهای پایانی تاریخ، به ویژه در هفت سال پایانی آن لحاظ می‌کند. مطابق این دیدگاه، تمثیل‌ها و نمادهای مکاشفه یوحنا (چهار سوارکار، حیوانات، شیپورها، جام‌های عذاب، پسر انسان، بره مذبوح، خرابی بابل عظیم، نبرد هارمجدون و ...) حکایت از رخدادهای واقعی و عینی دارند که در هنگام دوره به اصطلاح «محنت کبری» به وقوع می‌پیوندند، زیرا بخش اعظم حوادثی که در رساله مذکور از آن یاد شده هنوز پدیدار نشده و امور مهمی در راه است! بر مبنای این دیدگاه قرن حاضر به نحو خاصی پیشگویی‌های مکاشفه یوحنا را متحول ساخته و در نتیجه، میلیون‌ها نفر از مسیحیان، مبلغان تلویزیونی، سخنرانان و واعظان گرفته تا هنرمندان و چهره‌های سیاسی و اجتماعی به توجیه و تأویل علائم رستاخیز در آخرالزمان و ظهور

^۱ سید احمد الحسن (ع): «یوحنا البربري أو كما هو في الإنجيل يوحنا اللاهوتي». جواب المنير، جلد ۱، سوال: ۱۵.

پسر انسان علاقه نشان می دهند نقطه اوج این تبلیغات رسانه‌ای بر واقعه‌ای موسوم به «نبرد هارمجدون» متمرکز شده است.

کلمه Armageddon یا آنگونه که در اصل آمده است (هر مجدون) واژه‌ای یونانی است که بنا به تعریف واژه نامه‌های آمریکایی همچون فرهنگ (وبستر) به معنی نبرد نهایی حق و باطل در آخرالزمان است. همچنین این واژه نام شهری است در منطقه عمومی شام که بنا به آنچه در باب شانزدهم مکاشفات یوحنا، در عهد جدید آمده است، جنگی عظیم در آنجا رخ می دهد و مرحله حاضر از زندگی بشر در آن زمان پایان می یابد. به عبارتی نبرد مذکور مقدمه تحولی بزرگ است که سرنوشت نهایی آدمی بر روی کره زمین به آن بستگی دارد.

از سوی دیگر از جمله دلایلی که سید احمد الحسن علیه السلام وصی و فرستاده امام مهدی علیه السلام، عیسی، ایلیا و خضر (علیهم السلام)، آنرا سبب اتمام حجت جهت ایمان آوردن به خویش بر می شمارد بشارت‌ها و اندازهای است که در مکاشفات یوحنا موجود است. ایشان علیه السلام می فرمایند:

«ولن أشكوكم إلى الله بل سيشكوكم جدي رسول الله (ص) لأنه وصي بي وذكر اسمي ونسبي وصفتي وسيشكوكم آبائي الأئمة (ع) لأنهم ذكروني باسمي ونسبي وصفتي ومسكني، وستشكوكم دماء الحسين التي سالت في كربلاء لله ولأجل أبي (ع) ولأجلي. وسيشكوكم اشعيا وارميا ودانيال وعيسى ويوحنا البربري لأنهم بينوا أمري لأهل الأرض قبل سنين طويلة، وستشكوكم التوراة والإنجيل والقرآن التي ذكرت فيها، كل هذا وتخذلونني. أريد حياتكم وأريد نجاتكم فأعينوني على أنفسكم»؛ (و از شما نزد خداوند شکایت نمی کنم، بلکه شکایت شما را رسول خدا صلی الله علیه و آله خواهد کرد، زیرا که او به من وصیت نمود و نام و نسب و صفاتم را ذکر کرد. و شکایت شما را پدرانم ائمه علیهم السلام خواهند کرد، زیرا که آنها اسم و نسب و صفات و مسکنم را، ذکر نمودند. و خون حسین که در کربلا برای خدا و به خاطر پدرم علیه السلام و خودم بر زمین جاری شد از شما شکایت خواهد کرد. و اشعيا و ارميا و دانيال و عيسى و يوحناى بربرى از شما شکایت خواهند کرد، زیرا که آنها امر مرا از سال‌های طولانی پیش برای مردم زمین روشن ساختند. و تورات و انجيل و قرآن که در آن ذکر شده‌ام از شما شکایت خواهند کرد؛ با وجود این همه دلایل باز مرا انکار می کنید و مرا یاری نمی دهید؟! زندگی و نجات شما را خواستارم پس در ساختن خودتان مرا یاری دهید).^۲

^۲ خطاب إلى طلبة الحوزة العلمية، ۸ ربيع الثاني ۱۴۲۶ هـ. ق؛ شبهه به همین کلام نیز از حضرت عیسی (ع) نقل شده است: (۳۹) شما کُتِب مقدس را می کاوید، زیرا می پندارید به واسطه آن حیات جاویدان دارید، حال آنکه همین کتابها بر من شهادت می دهند. ۴۰ اما نمی خواهید نزد من آیید تا حیات یابید. ... ۴۵ مپندارید منم که در حضور پدر شما را متهم خواهم کرد؛ متهم کننده شما موسی

از اینرو بر آن شدم تا مکاشفات یوحنا علیه السلام را گردآوری و تنظیم کنم و آن را در اختیار علاقه‌مندان قرار دهم، تا اینکه وحی الهی باری دیگر زنده گردد، و گوشه‌ای از حقانیت سید **احمدالحسن** علیه السلام نمایان شود؛ همچنین بشارت‌ها و اندازهای موجود در این کتاب چراغ راهی خواهند بود برای منتظران از حوادث و اتفاقات پیشرو؛ ولکن پیش از آغاز باب‌ها بیان چند نکته لازم است:

۱- اکثر سخنان و روشنگری‌های سید **احمدالحسن** علیه السلام از کُتب انبیاء پیشین مربوط به انجیل عیسی و مکاشفات یوحنا یبربری، است. و موارد مرتبط با این کتاب در بخش نخست و بعضاً پاورقی هر اصحاب آورده خواهد شد. همچنین برای دریافت سایر کُتب انبیاء پیشین که در کلام سید **احمدالحسن** علیه السلام ذکر شد، می‌توانید به آدرس: sadeghshekari.com مراجعه فرمائید.

۲- این کتاب ترجمه دنیای جدید است، که از وب‌سایت رسمی شاهدان یهوه jw.org گرفته شده است؛ لکن در مواردی اندک گردآورنده اقدام به تصحیح بعضی از واژه‌هایی کرده که بخاطر جهالت‌ها یا پیشداوری‌های معتقدین به این کتاب‌ها بد و یا نابجا ترجمه شده است، این تصحیح نیز با انطباق آن با نسخه عربی بدست آمده است.

۳- متون عربی بجهت استفاده برادران عرب زبان و برای بالا بردن کیفیت مطالب آورده می‌شود این متون اعراب گذاری شده و از سایت‌های: mandaeannetwork.com و st-takla.org تهیه شده‌اند.

۴- تقسیم‌بندی کلی مکاشفات یوحنا در قالب ۲۲ فصل: ۱- مقدمه ۲- رؤیای آغازین ۳- بیست و چهار تخت نشین و بره مذبوح کتابی با هفت مهر ۴- هفت شیپور ۵- اژدها و دو وحش ۶- رؤیاهای گوناگون ۷- هفت جام غضب خدا ۸- نابودی بابل و شکست وحش و نبی دروغین و ابلیس ۹- داوری نهایی ۱۰- آسمان جدید، زمین جدید و اورشلیم جدید ۱۱- بخش پایانی.

۵- برای اطلاعات بیشتر درخصوص کلید واژه‌های: بیست و چهار تخت نشین، بره مذبوح، نامه‌ای با هفت مهر، شاخه‌ای خارج شده از ریشه یسی، قائم برافرازنده پرچم برای جمع کردن پراکندگان امم، زن حامله در رویاء یوحنا، شیری از سبط یهوذا، دجال یا وحش و... به کتاب حواری سیزدهم و نامه هدایت نوشته سید **احمدالحسن** علیه السلام مراجعه نمایید. ما در این کتاب تنها بذکر نصوص مکاشفات یوحنا بصورت کامل همراه با متن عربی و ترجمه فارسی آن بسنده می‌کنیم، امید است

است، همان که به او امید بسته‌اید. ۴۶ زیرا اگر موسی را تصدیق می‌کردید، مرا نیز تصدیق می‌کردید، چرا که او درباره من نوشته است. ۴۷ اما اگر نوشته‌های او را باور ندارید، چگونه سخنان مرا خواهید پذیرفت؟ انجیل یوحنا اصحاب: ۵

که مُحققین با مراجعه به سایت رسمی انصار امام مهدی (عج) بحقائق پنهان این مکاشفه پی ببرند،
ان شاء الله: almahdyoon.co

بخش‌های از کلام سید احمد الحسن علیه السلام در مورد مکاشفات یوحنا اللاهوتی:

۱- «أرشدوهم إلى قراءة رؤيا يوحنا اللاهوتي، فهي تُفضّل هذه الدعوة وتبينها لهم إن كانوا يطلبون الحق ويطلبون نصره عيسى». رسالة الهداية

«آنها را به خواندن رؤيا يوحنا لاهوتی توصیه کنید، آن (رؤيا) تفصیل و آشکار کننده این دعوت است برای آنان که طالب حق و نصرت عيسى هستند.»

۲- «رؤيا يوحنا اللاهوتي تبين الحق وصاحب الحق». رسالة الهداية

«رؤيا يوحنا لاهوتی حق و صاحب حق را آشکار می‌سازد.»

۳- «وإذا أردت المزيد ففي رؤيا يوحنا اللاهوتي الكثير لمن يطلب الحقيقة». جواب المنير، جلد ۱، سوال: ۱۵

«واگر توضیحات بیشتری خواستی در رویای یوحنا لاهوتی مطالب زیادی برای آنان که طالب حقیقت هستند وجود دارد.»

۴- «فمن هو الذي يجمع أنصار أبيه غير أول المؤمنين من ذرية الإمام المهدي؟!!! ومن هم الشيوخ الأربعة والعشرون غير الأئمة الاثني عشر والمهديين الاثني عشر؟!!! ومن هو الأسد الذي من سبط يهوذا أصل داود والذي يفتح السفر، ويفك ختومه غير الأسد الذي كر مع علي في خيبر واحد وحنين وبدر ... ؟!!! وهو من سبط يهوذا؛ لأنّ أمه من بني إسرائيل (نرجس) أم الإمام المهدي. ومن هو الخروف الذي وصف بأنه (خروف قائم كأنه مذبوح) وهو يحمل سبعة قرون وسبعة أعين، هم المعصومون الأربعة عشر محمد وعلي وفاطمة والحسن والحسين والأئمة. غير المهدي الأول واليماني رسول الإمام المهدي ورسول عيسى؟!!!». رسالة الهداية

«چه کسی غیر از اولین مومنان از نسل امام مهدی (ع) انصار پدرش را گردهم می‌آورد؟!!! و آن شیوخ بیست و چهارگانه چه کسانی خواهند بود غیر از دوازده ائمه و دوازده مهدی؟!!! آن شیر از فرزندان یهودا و از اصل داوود کیست که کتاب را باز می‌کند و مهرهای آن را می‌گشاید؟ غیر از آن شیری که با علی (ع) در خیبر و حنین و احد و بدر حمله کرد ... ؟!!! و او از فرزندان یهودا است، چرا که مادرش از بنی اسرائیل (نرجس) مادر امام مهدی (ع) است. آن برّه نر و صف شده به: (برّه نر قائمی که گویا ذبح شده) آنکه حامل هفت شاخ و هفت چشم است کیست؟!!! آنها همان چهارده معصوم محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین و ائمه (ع)، غیر از مهدی اول و یمانی رسول امام مهدی و رسول عيسى (ع) می‌باشند.»

۵- «أخبروهم أنّ (الخروف القائم المذبوح) قد جاء، فمن شاء أن يغسل ثيابه بدمه فليفعل ليظهر ويتقدس، ويكون له نصيب في ملكوت السماوات وليرى في ملكوت السماوات». رسالة الهداية

« به آنها خبر دهید که (برّه نر قائم ذبح شده) آمد است، پس کسی که بخواهد لباس هایش را با خون او بشوید باید که عمل کند تا پاک مقدس شود، در این صورت است که در ملکوت آسمان ها جایگاهی پیدا کرده و دیده می شود ».

۶- (الأسد والخروف في رؤيا يوحنا .. من هو ؟) « الخروف المذبوح والأسد رموز لمن غلب واستحق أخذ السفر وفك ختومه وهو أحد الشيوخ الأربع والعشرين، ففي مقام الغلبة الذي يحتاج للقوة والشجاعة والإخلاص رمز له بالأسد، وفي مقام أخذ الختوم الذي يحتاج إلى التضحية رمز له بخروف قائم كأنه مذبوح، وكلا الجهتين تخص نفس الشخص، ولا منافاة بينهما حيث إن قوة الروح نتيجة للتضحية والإخلاص والصبر على المظلومية،... أما عندنا، فالجالس على العرش هو محمد، وحوله أربع وعشرون شيخا على عروش أيضا، وهم خلفاء الله في أرضه (الأئمة والمهديون) الذين ذكرهم رسول الله في وصيته المقدسة ». الحواري الثالث عشر

(شیر و برّه نر در روای یوحنا چه کسی است؟) « برّه نر ذبح شده و شیر، رمزی هستند برای آن که پیروز شده و استحقاق گرفتن نامه و باز کردن مهرهای آن را دارد، و او یکی از آن بیست و چهار شیخ نشین است. پس در مقام غلبه به شیر مرموز شده چرا که به قدرت و شجاعت و اخلاص نیازمند بوده، و در مقام گرفتن مهرها به برّه نر قائم ذبح شده مرموز شده است چرا که به قربان شدن نیازمند بوده، و هر دو جهت به یک شخص اختصاص دارند، و بین آنها منافاتی نیست، چرا که قدرت روحی او نتیجه آن قربان شدن و اخلاص و صبر بر مظلومیت است،... اما نزد ما، آن که بر عرش نشسته همان محمد (ع) است، و بیست و چهار شیخ نیز که در اطراف او بر عرش نشته اند، همان (ائمه و مهدیین) جانشینان خداوند در زمین اند، که رسول خدا (ص) در وصیت مقدسش آنها را ذکر کرده است ».

۷- « كثيرون من النصارى ينتظرون عيسى هذه الأيام، ويعلمون أنها أيام عودته وأيام القيامة الصغرى، فنبهوهم إن بعث عيسى كان في المشرق وكذلك عودته، والرسول (المعزي) الذي أخبر عنه في الإنجيل، وأن عيسى سيرسله سيكون في الشرق، بل إن الملاحم في آخر الزمان ستكون في الشرق، وفي العراق بالخصوص كما ذكرت رؤيا يوحنا، وسمت العراق (بابل العظيمة). أخبروهم أن الأسد الذي من سبط يهوذا أصل داود قد غلب ليفتح السفر ويفك ختومه ». رسالة الهداية

« در این روزها عده زیادی از مسیحیان منتظر عیسی (ع) هستند و می دانند که این روزهای بازگشت او و ایام قیامت صغری است. پس آنها را بیدار کنید همانگونه که بعثت عیسی (ع) از مشرق بود، بازگشت او نیز از مشرق است، همچنین آن رسول و معزی که در انجیل از او خبر داد و اینکه عیسی او را بزودی از شرق می فرستد، بلکه ملاحم آخر الزمان در مشرق و بخصوص در عراق خواهد بود، همانگونه که در رؤیا

یوحنا یاد شده و عراق را (بابل عظیم) نامید. به آنها خبر دهید آن شیری که از اصل داوود و از فرزندان یهودا است پیروز شده تا کتاب را بگشاید و مهرهای آن را باز کند.^۳

۸- « اشهدوا بما تسمعون وترون في ملكوت السماوات، عرفوا الناس بالحق، وادعوا الناس إلى الحق، وادعوا الجميع إلى المائدة التي نزلت من السماء، فربما لن يحضر إليها من يظهرون أنهم يطيلون الصلاة والدعاء، بل يحضر إليها الزناة وشاربو الخمر والخاطئون فيتوبوا إلى الله، لهذا أنا بُعثت، لإصلاح هؤلاء، طوبى لهم إن تابوا وحضروا إلى مائدة عرس الخروف، طوبى لمن لا يعثر بي ». رسالة الهداية

« به آنچه که در ملکوت آسمان می شنوید و می بینید، شهادت بدهید. به مردم حق را معرفی کنید و مردم را به حق دعوت کنید، و همه را به این سفره ای که از آسمان نازل شده دعوت کنید، پس ممکن است بعضی ها روی این سفره حاضر نشوند، همان ها که به ظاهر نماز و دعای خود را طولانی می کنند. بلکه آنهایی روی این سفره حاضر می شوند که زناکار و شراب خوار و خطاکارند، پس بسوی خدا توبه کنید، برای همین من مبعوث شدم، برای اصلاح این ها [گناهکاران]، خوشا به حال آنهایی که توبه کردند و به سفره عروسی بره نر حاضر شدند، خوشا به حال کسانی که نسبت به من لغزشی ندارند ».

۹- (المرأة المتسرلة بالشمس والقمر) « إن المرأة في رؤيا يوحنا ترمز إلى أم الإمام المهدي في زمن معين، فهي متسرلة ومحاطة بالشمس والقمر والاثني عشر، أي: بمحمد وعلي وفاطمة والأئمة من ولد فاطمة (عليها السلام) إلى الإمام المهدي أي أربعة عشر، والولد الذي تلده في الرؤيا هو المهدي الأول المذكور في وصية رسول الله محمد، فيكون العدد خمسة عشر كما في الرؤيا، وشياطين الأنس والجن يحاربون نسلها؛ لأنهم خلفاء الله في أرضه. أما كون الولد ليس مباشرة منها، فما معنى أنها متمخضة وولدتها؟! فالجواب: أنها ولدت أبيه أو الأصل الذي جاء منه. ولا بد من التنبيه: أنه لا مانع أن يكون هناك مصداق آخر للمرأة في زمن آخر باعتبار أنها ولدت نفس الولد محور الرؤيا، فتكون المرأة فاطمة (عليها السلام) والخمسة عشر هم: أبيها وأمها وعلها، والأئمة الأحد عشر من بنيتها، والسر المستودع فيها أو المولود الثاني عشر من ولدها محور الرؤيا ». الحوار الثالث عشر

(زنی که لباسی با خورشید و ماه پوشیده بود) « آن زن در روای یوحنا در زمانی معین به مادر امام مهدی اشاره می کند، و او لباسی پوشیده و بوسیله خورشید و ماه و دوازده نفر احاطه شده است، یعنی: بوسیله محمد و فاطمه و ائمه از فرزندان فاطمه (علیها السلام) تا امام مهدی یعنی چهارده تا، و فرزندی که در رؤیا به دنیا می آورد، همان مهدی اول است که در وصیت رسول خدا محمد ذکر شده، بنابراین تعداد آنها پانزده نفر است همان طوری که در رؤیا آمده، و شیطان های انس و جن با نسل او می جنگند؛ زیرا آنها جانشینان خداوند در زمین اویند. اما از طرفی آن فرزند بطور مستقیم از او نیست، پس معنی این که او

^۳ نگارنده: محتمل است (بابل العظيمة) چندین وجه داشته باشد و علاوه بر اینکه بیانگر عراق و بغداد است در وجهی دیگر نشانگر شهر و کشوری باشد که در دوران ظهور بره نر قدرت برتر جهان را در اختیار داشته و جایگاه و مسکن دجال اکبر باشد. (الله يعلم)

آبستن است و او را زاییده چیست؟! و جواب این است که: او پدرش را به دنیا آورده یا اصل و نسبی که او از آن منشاء گرفته است. و باید به این توجه کرد که: هیچ مانعی وجود ندارد که برای آن زن در زمانی دیگر مصداقی دیگر وجود داشته باشد به این اعتبار که او همان بچه‌ای را که محور رویاست به دنیا آورده است. پس آن زن فاطمه (علیها السلام) و آن پانزده تن: پدر و مادر و همسرش، و یازده ائمه از فرزندان، و سَرّی که در او قرار داده شده یا همان دوازدهمین مولودی از فرزندان که محور رویاست، می‌باشند».

رُؤْيَا يُوْحَنَّا اللَّاهُوتِي : الْأَصْحَاحُ الْأَوَّلُ * ۱:۱-۲۰

۱ اِغْلَانُ يَسُوعَ الْمَسِيحِ، الَّذِي اَعْطَاهُ اِيَّاهُ اللهُ، لِيُرِيَ عَبِيدَهُ مَا لَا بُدَّ أَنْ يَكُونَ عَنْ قَرِيبٍ، وَبَيَّنَّهُ مُرْسِلًا بِإِدِّ مَلَائِكِهِ لِعَبْدِهِ يُوْحَنَّا، ۲ الَّذِي شَهِدَ بِكَلِمَةِ اللهِ وَبِشَهَادَةِ يَسُوعَ الْمَسِيحِ بِكُلِّ مَا رَأَاهُ. ۳ طُوبَى لِلَّذِي يَقْرَأُ وَلِلَّذِينَ يَسْمَعُونَ أَقْوَالَ النُّبُوَّةِ، وَيَحْفَظُونَ مَا هُوَ مَكْتُوبٌ فِيهَا، لِأَنَّ الْوَقْتَ قَرِيبٌ. ۴ يُوْحَنَّا، إِلَى السَّبْعِ الْكَنَائِسِ الَّتِي فِي أَسْيَا: نِعْمَةٌ لَكُمْ وَسَلَامٌ مِنَ الْكَائِنِ وَالَّذِي كَانَ وَالَّذِي يَأْتِي، وَمِنَ السَّبْعَةِ الْأَرْوَاحِ الَّتِي أَمَامَ عَرْشِهِ، ۵ وَمِنْ يَسُوعَ الْمَسِيحِ الشَّاهِدِ الْأَمِينِ، الْبَكْرِ مِنَ الْأَمْوَاتِ، وَرَئِيسِ مُلُوكِ الْأَرْضِ: الَّذِي أَحَبَّنَا، وَقَدْ غَسَلَنَا مِنْ خَطَايَانَا بِدَمِهِ، ۶ وَجَعَلَنَا مُلُوكًا وَكَهَنَةً لِلَّهِ أَبِيهِ، لَهُ الْمَجْدُ وَالسُّلْطَانُ إِلَى أَبَدِ الْأَبَدِينَ. آمِينَ. ۷ هُوَذَا يَأْتِي مَعَ السَّحَابِ، وَتَسْتَنْظِرُهُ كُلُّ عَيْنٍ، وَالَّذِينَ طَعَنُوهُ، وَيَنْوَحُ عَلَيْهِ جَمِيعُ قَبَائِلِ الْأَرْضِ. نَعَمْ آمِينَ. ۸ «أَنَا هُوَ الْأَلِفُ وَالْيَاءُ، الْبِدَايَةُ وَالنَّهَائَةُ» يَقُولُ الرَّبُّ الْكَائِنُ وَالَّذِي كَانَ وَالَّذِي يَأْتِي، الْقَادِرُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ. ۹ أَنَا يُوْحَنَّا أَخُوكُمْ وَشَرِيكُكُمْ فِي الضِّيقِ وَفِي مَلَكُوتِ يَسُوعَ الْمَسِيحِ وَصَبْرِهِ. كُنْتُ فِي الْجَزِيرَةِ الَّتِي تُدْعَى بَطْمُسَ مِنْ أَجْلِ كَلِمَةِ اللهِ، وَمِنْ أَجْلِ شَهَادَةِ يَسُوعَ الْمَسِيحِ.

۱ این مکاشفه‌ای از عیسی مسیح است که خدا به او داد تا آنچه باید به زودی رخ دهد، بر غلامان خود آشکار سازد. او فرشته خود را فرستاد و این مکاشفه را از طریق آن فرشته، به صورت نشانه‌هایی بر خدمتگزار خود یوحنا نمایان ساخت. ۲ یوحنا بر هر آنچه دید، گواهی داد؛ یعنی بر آن کلامی که خدا بخشید و شهادتی که عیسی مسیح داد. ۳ خوشا به حال کسی که کلام این پیشگویی را با صدای بلند می‌خواند و خوشا به حال کسانی که آن را می‌شنوند و آنچه را که در آن نوشته شده است، به جا می‌آورند؛ زیرا زمان مقرر نزدیک است. ۴ از طرف یوحنا به هفت جماعتی که در ایالت آسیا هستند: لطف و آرامش از جانب «آن که هست، بود و می‌آید» با شما باد و از جانب هفت روح در پیشگاه تخت او ۵ و از جانب عیسی مسیح «آن شاهد امین»، «نخست‌زاده از مردگان» و «فرمانروای پادشاهان زمین». او که ما را دوست می‌دارد و از طریق خون خود ما را از گناهانمان رهایی بخشید ۶ و از ما پادشاهان و کاهنانی ساخت که در خدمت خدا یعنی پدرش باشند؛ آری بر او تا ابد جلال و قدرت باد! آمین. ۷ بنگرید! او با ابرها می‌آید و هر چشمی او را خواهد دید، حتی چشم آنانی که بر او نیزه زدند. همه طایفه‌های زمین به خاطر او از فرط اندوه بر سینه خود خواهند زد. آری، چنین خواهد شد. آمین. ۸ یهوهِ خدا می‌گوید: «من «الف» و «ی» هستم، آن که هست، بود و می‌آید؛ آن قادر مطلق». ۹ من یوحنا، برادر شما که به دلیل پیروی از مسیح، مانند شما رنج می‌کشم و پایداری می‌کنم و در ملکوت با شما شریکم، چون در مورد خدا سخن می‌گفتم و بر عیسی شهادت می‌دادم، به جزیره‌ای به نام پاتموس فرستاده شدم.

۱۰ کُنْتُ فِي الرُّوحِ فِي يَوْمِ الرَّبِّ، وَسَمِعْتُ وَرَائِي صَوْتًا عَظِيمًا كَصَوْتِ بُوقٍ ۱۱ قَائِلًا: «أَنَا هُوَ الْأَلْفُ وَالْيَاءُ. الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ. وَالَّذِي تَرَاهُ، اكْتُبْ فِي كِتَابٍ وَأَرْسِلْ إِلَى السَّبْعِ الْكَنَائِسِ الَّتِي فِي أَسِيَّا: إِلَى أَفْسُسَ، وَإِلَى سِمْيُونَا، وَإِلَى بَرْغَامُسَ، وَإِلَى ثِيَاتِيرَا، وَإِلَى سَارْدِسَ، وَإِلَى فِيلَادَلْفِيَا، وَإِلَى لَاوْدِيكِيَّةَ». ۱۲ فَالْتَفَتُ لِأَنْظُرَ الصَّوْتَ الَّذِي تَكَلَّمَ مَعِيَ. وَلَمَّا الْتَفَتُ رَأَيْتُ سَبْعَ مَنَائِرَ مِنْ ذَهَبٍ، ۱۳ وَفِي وَسْطِ السَّبْعِ الْمَنَائِرِ شِبْهُ ابْنِ إِنْسَانٍ، مُتَسَرِّبًا بِثَوْبٍ إِلَى الرَّجْلَيْنِ، وَمُتَمَنِّطًا عِنْدَ ثَدْيَيْهِ بِمَنْطَقَةٍ مِنْ ذَهَبٍ. ۱۴ وَأَمَّا رَأْسُهُ وَشَعْرُهُ فَأَبْيَضَانِ كَالصُّوفِ الْأَبْيَضِ كَالثَّلْجِ، وَعَيْنَاهُ كَلَهَيْبٍ نَارٍ. ۱۵ وَرِجْلَاهُ شِبْهُ النُّحَاسِ النَّقِيِّ، كَأَنَّهُمَا مَحْمِيَّتَانِ فِي أَتُونٍ. وَصَوْتُهُ كَصَوْتِ مِيَاهٍ كَثِيرَةٍ. ۱۶ وَمَعَهُ فِي يَدِهِ الْيُمْنَى سَبْعَةُ كَوَاكِبَ، وَسَيْفٌ مَاضٍ دُو حَدَّيْنِ يَخْرُجُ مِنْ فَمِهِ، وَوَجْهُهُ كَالشَّمْسِ وَهِيَ تُضِيءُ فِي قُوَّتِهَا. ۱۷ فَلَمَّا رَأَيْتُهُ سَقَطْتُ عِنْدَ رِجْلَيْهِ كَمَيِّتٍ، فَوَضَعَ يَدَهُ الْيُمْنَى عَلَيَّ قَائِلًا لِي: «لَا تَخَفْ، أَنَا هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ، ۱۸ وَالْحَيُّ. وَكُنْتُ مَيِّتًا، وَهَذَا أَنَا حَيٌّ إِلَى أَبَدِ الْأَبَدِينَ! أَمِينَ. وَلِي مَفَاتِيحُ الْهَافِيَةِ وَالْمَوْتِ. ۱۹ فَاكْتُبْ مَا رَأَيْتَ، وَمَا هُوَ كَائِنٌ، وَمَا هُوَ غَتِيْدٌ أَنْ يَكُونَ بَعْدَ هَذَا. ۲۰ سِرَّ السَّبْعَةِ الْكَوَاكِبِ الَّتِي رَأَيْتَ عَلَى يَمِينِي، وَالسَّبْعِ الْمَنَائِرِ الذَّهَبِيَّةِ: السَّبْعَةُ الْكَوَاكِبُ هِيَ مَلَائِكَةُ السَّبْعِ الْكَنَائِسِ، وَالْمَنَائِرُ السَّبْعُ الَّتِي رَأَيْتَهَا هِيَ السَّبْعُ الْكَنَائِسُ».

۱۰ تحت تأثیر روح القدس به روز سرور برده شدم و از پشت سر خود صدایی پر قدرت همچون صدای شیپوری شنیدم ۱۱ که می گفت: «من الف و یاء و اول و آخر هستم آنچه را که می بینی در طوماری بنویس و آن را به هفت جماعت افسس، ازمیر، پرگاموم، تیاتیرا، ساردس، فیلادلفیه و لاوودیکیه بفرست.» ۱۲ آنگاه برگشتم که بینم چه کسی با من سخن می گوید. وقتی برگشتم، هفت چراغدان طلایی دیدم ۱۳ و در میان چراغدان ها شخصی را دیدم که شبیه پسر انسان بود. او جامه ای بلند بر تن داشت و شالی طلایی بر سینه بسته بود. ۱۴ سر و موهایش همچون پشم سفید، به سفیدی برف بود و چشمانش همچون آتش مشتعل. ۱۵ پاهایش درخشانده بود، همچون مس خالصی که در کوره گداخته می شود و صدایش همچون صدای آب های خروشان بود. ۱۶ در دست راست خود هفت ستاره داشت و از دهانش شمشیری تیز، بلند و دودم بیرون می آمد و صورتش همچون خورشیدی بود که به طور کامل در درخشش است. ۱۷ وقتی او را دیدم، همچون مرده پیش پاهایش افتادم. آنگاه دست راست خود را بر من گذاشت و گفت: «مترس. من هستم نخستین و آخرین ۱۸ و آن که زنده است؛ من مُردم، اما حال بنگر! همیشه و تا ابد زنده ام و کلیدهای مرگ و گور را در اختیار دارم. ۱۹ پس آنچه دیدی بنویس، همچنین آنچه اکنون روی می دهد و آنچه پس از این ها روی خواهد داد. ۲۰ راز مقدس آن هفت ستاره ای که در دست راست من دیدی و آن هفت چراغدان طلایی این است: هفت ستاره، مظهر فرشتگان هفت جماعت هستند و هفت چراغدان، مظهر آن هفت جماعت.

رُؤْيَا يُوْحَنَّا اللَّاهُوتِي : الْأَصْحَاحُ الثَّانِي * ۱:۲-۲۹

۱ اُكْتُبْ إِلَى مَلَائِكَةِ كَنِيسَةِ أَفَسُسَ: «هَذَا يَقُولُهُ الْمُؤْمِسُ السَّبْعَةُ الْكَوَاكِبُ فِي يَمِينِهِ، الْمَاشِي فِي وَسْطِ السَّبْعِ الْمَنَائِرِ الذَّهَبِيَّةِ: ۲ اَنَا عَارِفُ أَعْمَالِكَ وَتَعَبِكَ وَصَبْرِكَ، وَأَنَّكَ لَا تَقْدِرُ أَنْ تَحْتَمِلَ الْأَشْرَارَ، وَقَدْ جَرَّبْتَ الْقَائِلِينَ إِنَّهُمْ رُسُلٌ وَلَيْسُوا رُسُلًا، فَوَجَدْتَهُمْ كَاذِبِينَ. ۳ وَقَدْ اخْتَمَلْتَ وَلَكَ صَبْرٌ، وَتَعَبْتَ مِنْ أَجْلِ اسْمِي وَلَمْ تَكِلْ. ۴ لَكِنْ عِنْدِي غَايِكَ: أَنَّكَ تَرَكْتَ مَحَبَّتَكَ الْأُولَى. ۵ فَادْكُرْ مِنْ أَينَ سَقَطْتَ وَتُبْ، وَاعْمَلِ الْأَعْمَالَ الْأُولَى، وَإِلَّا فَإِنِّي آتِيكَ عَنْ قَرِيبٍ وَأُزْخِرُ مَنَارَتَكَ مِنْ مَكَانِهَا، إِنْ لَمْ تَتُبْ. ۶ وَلَكِنْ عِنْدَكَ هَذَا: أَنَّكَ تُبْغِضُ أَعْمَالَ النُّفُولَاوِيِّينَ الَّتِي أُبْغِضُهَا أَنَا أَيْضًا. ۷ مَنْ لَهُ أُذُنٌ فَلْيَسْمَعْ مَا يَقُولُهُ الرُّوحُ لِلْكَنَائِسِ. مَنْ يَغْلِبْ فَسَأُعْطِيهِ أَنْ يَأْكُلَ مِنْ شَجَرَةِ الْحَيَاةِ الَّتِي فِي وَسْطِ فِرْدُوسِ اللَّهِ».

۱ «به فرشته جماعت افسس بنویس، آن که هفت ستاره در دست راست خود دارد و در میان هفت چراغدان طلایی گام برمی دارد، چنین می گوید: ۲ «من از اعمال، زحمات و پایداری تو آگاهم. می دانم که نمی توانی شیران را تحمل کنی. تو کسانی را که خود را رسول می خوانند، اما نیستند آزموده ای و پی برده ای که دروغگو هستند. ۳ تو از خود پایداری نیز نشان می دهی و به خاطر نام من استقامت کرده ای و خسته نشده ای. ۴ با این حال، این عیب را در تو می بینم که محبت نخستین خود را از دست داده ای. ۵ «به یاد آور که از کجا نزول کرده ای. پس توبه کن و اعمال نخستین خود را به جا آور. در غیر این صورت، نزد تو خواهم آمد و چراغدانان را از مکانش برخواهم داشت. ۶ اما این حسن را داری که از اعمال فرقه نیکولائوس متنفری، چنان که من نیز از آنها متنفرم. ۷ آن که گوش شنوا دارد، بشنود که روح به جماعت ها چه می گوید: به کسی که غالب آید، اجازه خواهم داد از درخت حیات که در وسط فردوس خداست، بخورد.»

۸ وَاكْتُبْ إِلَى مَلَائِكَةِ كَنِيسَةِ سَمِيرَنَّا: «هَذَا يَقُولُهُ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ، الَّذِي كَانَ مِثْنًا فَعَاشَ: ۹ اَنَا عَارِفُ أَعْمَالِكَ وَضَيْقَتِكَ وَفَقْرِكَ مَعَ أَنَّكَ غَنِيٌّ. وَتَجْدِيفُ الْقَائِلِينَ: إِنَّهُمْ يَهُودٌ وَلَيْسُوا يَهُودًا، بَلْ هُمْ مَجْمَعُ الشَّيْطَانِ. ۱۰ لَا تَخَفِ الْبَتَّةَ مِمَّا أَنْتَ عَتِيدٌ أَنْ تَتَّالَمَ بِهِ. هُوَذَا إِبْلِيسُ مُزْمِعٌ أَنْ يُلْقِيَ بَعْضًا مِنْكُمْ فِي السَّجْنِ لِكَيْ تُجَرَّبُوا، وَيَكُونَ لَكُمْ ضَيْقٌ عَشْرَةَ أَيَّامٍ. كُنْ أَمِينًا إِلَى الْمَوْتِ فَسَأُعْطِيكَ إِكْلِيلَ الْحَيَاةِ. ۱۱ مَنْ لَهُ أُذُنٌ فَلْيَسْمَعْ مَا يَقُولُهُ الرُّوحُ لِلْكَنَائِسِ. مَنْ يَغْلِبْ فَلَا يُؤْذِيهِ الْمَوْتُ الثَّانِي».

۸ «به فرشته جماعت از میر بنویس، «آن که نخستین و آخرین است»، آن که مُرد و به زندگی بازگشت، چنین می گوید: ۹ «من از سختی ها و فقر تو آگاهم، با این حال ثروتمندی. من از کفر گویی آنانی که خود را یهودی می خوانند باخبرم، اما ایشان در واقع یهودی نیستند، بلکه از کنیسه شیطانند. ۱۰ از رنج هایی که به زودی خواهی کشید، مترس. بنگر! ابلیس همچنان برخی از شما را به زندان خواهد انداخت تا کاملاً

آزموده شوید و برای ده روز سختی خواهید کشید. اما تا پای مرگ وفادار بمان و من تاج حیات را به تو خواهم داد. ۱۱ آن که گوش شنوا دارد، بشنود که روح به جماعت‌ها چه می‌گوید: هر که غالب آید، به هیچ وجه از مرگ دوم آسیبی نخواهد دید.

۱۲ وَاکْتُبْ إِلَى مَلَائِكَةِ الْكَنِيسَةِ الَّتِي فِي بَرْغَامُسَ: «هَذَا يَقُولُهُ الَّذِي لَهُ السَّيْفُ الْمَاضِي ذُو الْحَدَّيْنِ: ۱۳ أَنَا عَارِفٌ أَعْمَالَكَ، وَأَيْنَ تَسْكُنُ حَيْثُ كُرْسِيُّ الشَّيْطَانِ، وَأَنْتَ مُتَمَسِّكٌ بِاسْمِي، وَلَمْ تُنْكِرْ إِيْمَانِي حَتَّى فِي الْأَيَّامِ الَّتِي فِيهَا كَانَ أَنْتِيَّاسُ شَهِيدِي الْأَمِينُ الَّذِي قُتِلَ عِنْدَكُمْ حَيْثُ الشَّيْطَانُ يَسْكُنُ. ۱۴ وَلَكِنْ عِنْدِي عَلَيْكَ قَلِيلٌ: أَنْ عِنْدَكَ هُنَاكَ قَوْمًا مُتَمَسِّكِينَ بِتَعْلِيمِ بَلْعَامَ، الَّذِي كَانَ يُعَلِّمُ بِالْأَقْ أَنْ يُلْقِيَ مَعَثْرَةً أَمَامَ بَنِي إِسْرَائِيلَ: أَنْ يَأْكُلُوا مَا ذُبِحَ لِلْأَوْثَانِ، وَيَزْنُوا. ۱۵ هَكَذَا عِنْدَكَ أَنْتَ أَيْضًا قَوْمٌ مُتَمَسِّكُونَ بِتَعْلِيمِ النُّقُولِ وَالْيَمِينِ الَّذِي أَبْغَضَهُ. ۱۶ فَتُبْ وَإِلَّا فَإِنِّي آتِيكَ سَرِيعًا وَأُحَارِبُهُمْ بِسَيْفٍ فَمَي. ۱۷ مَنْ لَهُ أُذُنٌ فَلْيَسْمَعْ مَا يَقُولُهُ الرُّوحُ لِلْكَنَائِسِ. مَنْ يَغْلِبْ فَسَأُعْطِيهِ أَنْ يَأْكُلَ مِنَ الْمَنِّ الْمُخْفَى، وَأُعْطِيهِ خَصَاةً بَيْضَاءَ، وَعَلَى الْخَصَاةِ اسْمٌ جَدِيدٌ مَكْتُوبٌ لَا يَعْرِفُهُ أَحَدٌ غَيْرُ الَّذِي يَأْخُذُ».

۱۲ «به فرشته جماعت پرگاموم بنویس، آن که شمشیر تیز، بلند و دودم دارد، چنین می‌گوید: ۱۳ «می‌دانم کجا به سر می‌بری؛ جایی که تخت شیطان است. با این حال، به نام من وفادار مانده‌ای. تو حتی در روزگار آنتیپاس، ایمانی را که به من داشتی، انکار نکردی؛ آری آنتیپاس، همان شاهد وفادار من که او را در شهر شما، جایی که شیطان به سر می‌برد، کشتند. ۱۴ «با این حال، چند عیب در تو می‌بینم. در آنجا کسانی را داری که به تعالیم بلعام پای‌بندند؛ یعنی همان کسی که به بالاق آموخت که سبب لغزش بنی اسرائیل شود تا آنان از آنچه برای بت‌ها قربانی می‌شد، بخورند و مرتکب اعمال نامشروع جنسی شوند. ۱۵ به همین شکل، تو نیز کسانی را داری که به تعالیم فرقه نیکولائوس پای‌بندند. ۱۶ پس توبه کن. اگر نکنی، به زودی نزد تو می‌آیم و با شمشیر بلند دهانم با ایشان جنگ خواهم کرد. ۱۷ «آن که گوش شنوا دارد بشنود که روح به جماعت‌ها چه می‌گوید: کسی که غالب آید، به او مقداری مَن مخفی خواهم داد. همچنین به او سنگی سفید خواهم بخشید. بر آن سنگ، نامی جدید نوشته شده است؛ نامی که هیچ کس نمی‌داند، جز کسی که آن را دریافت می‌کند».

۱۸ وَاکْتُبْ إِلَى مَلَائِكَةِ الْكَنِيسَةِ الَّتِي فِي ثِيَاتِيرَا: «هَذَا يَقُولُهُ ابْنُ اللَّهِ، الَّذِي لَهُ عَيْنَانِ كُلَّهَيْبِ نَارٍ، وَرَجُلَاهُ مِثْلُ النُّحَاسِ النَّقِيِّ: ۱۹ أَنَا عَارِفٌ أَعْمَالَكَ وَمَحَبَّتَكَ وَخِدْمَتَكَ وَإِيْمَانَكَ وَصَبْرَكَ، وَأَنَّ أَعْمَالَكَ الْأَخِيرَةَ أَكْثَرُ مِنَ الْأُولَى. ۲۰ لَكِنْ عِنْدِي عَلَيْكَ قَلِيلٌ: أَنَّكَ تُسَيِّبُ الْمَرْأَةَ إيزَابَلَ الَّتِي تَقُولُ إِنَّهَا نَبِيَّةٌ، حَتَّى تَعْلَمَ وَتُعْوِيَ عِبِيدِي أَنْ يَزْنُوا وَيَأْكُلُوا مَا ذُبِحَ لِلْأَوْثَانِ. ۲۱ وَأُعْطِيْتُهَا زَمَانًا لِكَيْ تَتُوبَ عَنْ زَنَاهَا وَلَمْ تَتُبْ. ۲۲ هَا أَنَا أُلْقِيهَا فِي فِرَاشٍ، وَالَّذِينَ يَزْنُونَ مَعَهَا فِي ضَيْقَةٍ عَظِيمَةٍ، إِنْ كَانُوا لَا يَتُوبُونَ عَنْ أَعْمَالِهِمْ. ۲۳ وَأَوْلَادُهَا أَقْتُلُهُمْ بِالْمَوْتِ».

فَسَتَعْرِفُ جَمِيعَ الْكَنَائِسِ أَنِّي أَنَا هُوَ الْفَاحِصُ الْكُلِّي وَالْقُلُوبِ، وَسَأُعْطِي كُلَّ وَاحِدٍ مِنْكُمْ بِحَسَبِ أَعْمَالِهِ. ٢٤
وَلَكِنِّي أَقُولُ لَكُمْ وَلِلْبَاقِينَ فِي تِيَاتِيرَا، كُلَّ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ هَذَا التَّغْلِيمُ، وَالَّذِينَ لَمْ يَعْرِفُوا أَعْمَاقَ الشَّيْطَانِ،
كَمَا يَقُولُونَ: إِنِّي لَا أَلْقِي عَلَيْكُمْ ثِقَلًا آخَرَ، ٢٥ وَإِنَّمَا الَّذِي عِنْدَكُمْ تَمَسَّكُوا بِهِ إِلَى أَنْ أَجِيءَ. ٢٦ وَمَنْ يَغْلِبُ
وَيَحْفَظُ أَعْمَالِي إِلَى النِّهَايَةِ فَسَأُعْطِيهِ سُلْطَانًا عَلَى الْأُمَمِ، ٢٧ فَيَرْعَاهُمْ بِقَضِيبٍ مِنْ حَدِيدٍ، كَمَا تُكْسَرُ أَنْيَّةُ
مَنْ خَزَفٍ، كَمَا أَخَذْتُ أَنَا أَيْضًا مِنْ عِنْدِ أَبِي، ٢٨ وَأُعْطِيهِ كُوكَبَ الصُّبْحِ. ٢٩ مَنْ لَهُ أُذُنٌ فَلْيَسْمَعْ مَا يَقُولُهُ
الرُّوحُ لِلْكَنَائِسِ».

۱۸ «به فرشته جماعت تیاتیرا بنویس، پسر خدا که چشمانی همچون آتش مشتعل دارد و پاهایش مانند مس خالص است، چنین می گوید: ۱۹ «من از اعمال تو، همچنین از محبت، ایمان، خدمت و پایداری تو آگاهم. می دانم که اعمالت اکنون بیش از گذشته است. ۲۰ «با این حال، عیبی در تو می بینم. تو روا می داری که آن زن، یعنی ایزابل که خود را نبیه می خواند، غلامان مرا با تعالیمش گمراه کند تا مرتکب اعمال نامشروع جنسی شوند و از آنچه برای بت ها قربانی شده است، بخورند. ۲۱ من به او مهلت دادم تا توبه کند، اما نمی خواهد از اعمال نامشروع جنسی خود توبه نماید. ۲۲ بنگر! من به زودی او را بر بستر بیماری خواهم انداخت و آنانی را که با او مرتکب زنا می شوند، به مصیبتی عظیم گرفتار خواهم ساخت، مگر این که توبه کنند و اعمال وی را مرتکب نشوند. ۲۳ فرزندان او را با بلای مرگبار خواهم کشت. به این ترتیب، همه جماعت ها خواهند دانست، من آن کسی هستم که عمیق ترین افکار و دل ها را می کاود. من به هر یک از شما مطابق اعمالتان عوض خواهم داد. ۲۴ «با این حال، به باقی شما در تیاتیرا، به تمامی شما که از این تعالیم پیروی نمی کنید و آنچه را که به اصطلاح «چیزهای عمیق شیطان» خوانده می شود نیاموخته اید، این را می گویم: من باری بر بارهای شما نمی افزایم. ۲۵ فقط تا زمانی که بیایم، آنچه را دارید حفظ کنید. ۲۶ به کسی که غالب آید و تا به آخر از اعمال من پیروی کند، اقتدار بر قوم ها را خواهم بخشید. ۲۷ او مردم را با عصای آهنین شبانی خواهد کرد تا همچون ظروف گلی خرد شوند، همان طور که من اقتدار را از پدرم گرفته ام. ۲۸ من به او ستاره صبح را خواهم داد. ۲۹ آن که گوش شنوا دارد، بشنود که روح به جماعت ها چه می گوید.»

رُؤْيَا يُوْحَنَّا اللَّاهُوتِي: الْأَصْحَاحُ الثَّلَاثُ * ١:٣-٢٢

١ وَاکْتُبْ إِلَى مَلَائِكَةِ الْكَنِيسَةِ الَّتِي فِي سَارْدِسَ: «هَذَا يَقُولُهُ الَّذِي لَهُ سَبْعَةُ أَرْوَاحِ اللَّهِ وَالسَّبْعَةُ الْكَوَاكِبُ: أَنَا
عَارِفٌ أَعْمَالَكَ، أَنَّ لَكَ اسْمًا أَنَّكَ حَيٌّ وَأَنْتَ مَيِّتٌ. ٢ كُنْ سَاهِرًا وَشَدِّدْ مَا بَقِيَ، الَّذِي هُوَ عَتِيدٌ أَنْ يَمُوتَ،
لَأَنِّي لَمْ أَجِدْ أَعْمَالَكَ كَامِلَةً أَمَامَ اللَّهِ. ٣ فَادْكُرْ كَيْفَ أَخَذْتَ وَسَمِعْتَ، وَاحْفَظْ وَتُبْ، فَإِنِّي إِن لَمْ تَسْهَرْ، أَقْدِمُ

عَلَيْكَ كَلِصٌ، وَلَا تَعْلَمُ آيَةَ سَاعَةِ أَقْدِمُ عَلَيْكَ. ٤ عِنْدَكَ أَسْمَاءٌ قَلِيلَةٌ فِي سَارْدِسَ لَمْ يُنَجِّسُوا ثِيَابَهُمْ، فَسَيَمْسُونَ مَعِيَ فِي ثِيَابٍ بَيِضٍ لِأَنَّهُمْ مُسْتَحَقُّونَ. ٥ مَنْ يَغْلِبُ فَذَلِكَ سَيَلْبَسُ ثِيَابًا بَيِضًا، وَلَنْ أَمْحُوَ اسْمَهُ مِنْ سِفْرِ الْحَيَاةِ، وَسَأَعْتَرِفُ بِاسْمِهِ أَمَامَ أَبِي وَأَمَامَ مَلَائِكَتِهِ. ٦ مَنْ لَهُ أُذُنٌ فَلْيَسْمَعْ مَا يَقُولُهُ الرُّوحُ لِلْكَنَائِسِ»

۱ «به فرشته جماعت ساردِس بنویس، آن که هفت روح خدا و هفت ستاره دارد، چنین می گوید: «من از اعمال تو آگاهم. می دانم که نزد مردم شهرت داری که زنده ای، اما در واقع مرده ای. ۲ هوشیار شو و آنچه را باقی مانده و در شرف مردن است، تقویت کن؛ زیرا دریافته ام که کارهای خود را آن گونه که مورد پسند خداست، به طور کامل به انجام نرسانده ای. ۳ پس آنچه را دریافت کرده و شنیده ای همواره مد نظر داشته باش؛ آن را نگاه دار و توبه کن. به راستی اگر بیدار نشوی، همچون دزد بر تو خواهم آمد و نخواهی دانست که در چه ساعتی می آیم. ۴ «با این حال، در ساردِس، چند نفر در میان تو هستند که ردای خود را آلوده نساخته اند. آنان با ردهای سفید با من گام برخواهند داشت؛ زیرا شایسته آند. ۵ کسی که غالب آید نیز ردای سفید بر تن خواهد کرد و من هرگز نام او را از دفتر حیات پاک نخواهم نمود، بلکه در حضور پدرم و فرشتگانش نام او را اعلام خواهم کرد و خواهم گفت که او با من است. ۶ آن که گوش شنوا دارد، بشنود که روح به جماعت ها چه می گوید.»

۷ وَاکْتُبْ إِلَى مَلَكَ الْكَنِيسَةِ الَّتِي فِي فِيلَادَلْفِيَا: «هَذَا يَقُولُهُ الْقُدُّوسُ الْحَقُّ، الَّذِي لَهُ مِفْتَاحُ دَاوُدَ، الَّذِي يَفْتَحُ وَلَا أَحَدٌ يُغْلِقُ، وَيُغْلِقُ وَلَا أَحَدٌ يَفْتَحُ: ٨ أَنَا عَارِفٌ أَعْمَالِكَ. هَذَا قَدْ جَعَلْتُ أَمَامَكَ أَبًا مَفْتُوحًا وَلَا يَسْتَطِيعُ أَحَدٌ أَنْ يُغْلِقَهُ، لِأَنَّ لَكَ قُوَّةَ يَسِيرَةٍ، وَقَدْ حَفِظْتَ كَلِمَتِي وَلَمْ تُنْكِرْ اسْمِي. ٩ هَذَا أَجْعَلُ الَّذِينَ مِنْ مَجْمَعِ الشَّيْطَانِ، مِنَ الْقَائِلِينَ إِنَّهُمْ يَهُودٌ وَلَيْسُوا يَهُودًا، بَلْ يَكْذِبُونَ هَذَا أُصِيرُهُمْ يَأْتُونَ وَيَسْجُدُونَ أَمَامَ رَجُلَيْكَ، وَيَعْرِفُونَ أَنِّي أَنَا أَحْبَبْتُكَ. ١٠ لِأَنَّكَ حَفِظْتَ كَلِمَةَ صَبْرِي، أَنَا أَيْضًا سَأَحْفَظُكَ مِنْ سَاعَةِ التَّجَرِبَةِ الْعَتِيدَةِ أَنْ تَأْتِيَ عَلَى الْعَالَمِ كُلِّهِ لِتُجَرِّبَ السَّاكِنِينَ عَلَى الْأَرْضِ. ١١ هَا أَنَا آتِي سَرِيعًا. تَمَسَّكْ بِمَا عِنْدَكَ لِئَلَّا يَأْخُذَ أَحَدٌ إِكْلِيلَكَ. ١٢ مَنْ يَغْلِبُ فَسَأَجْعَلُهُ عَمُودًا فِي هَيْكَلِ إِلَهِي، وَلَا يَعُودُ يَخْرُجُ إِلَى خَارِجٍ، وَاکْتُبْ عَلَيْهِ اسْمَ إِلَهِي، وَاسْمَ مَدِينَةِ إِلَهِي، أُورُشَلِيمَ الْجَدِيدَةِ النَّازِلَةِ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ عِنْدِ إِلَهِي، وَاسْمِي الْجَدِيدِ. ١٣ مَنْ لَهُ أُذُنٌ فَلْيَسْمَعْ مَا يَقُولُهُ الرُّوحُ لِلْكَنَائِسِ».

۷ «به فرشته جماعت فیلادلفیه بنویس، او که مقدّس و حقیقی است، او که کلید داوود را دارد و دری را که باز می کند کسی نخواهد بست و دری را که می بندد کسی باز نخواهد کرد، چنین می گوید: ۸ «من از کارهای تو آگاهم. بنگر! من دری باز را در مقابل تو قرار داده ام که هیچ کس نمی تواند ببندد. می دانم با این که قدرت ناچیز است، کلام مرا نگاه داشتی و نام مرا انکار نکردی. ۹ بنگر! من آنانی را که از کنیسه شیطانند و خود را یهودی می خوانند، اما نیستند و دروغ می گویند، وادار خواهم کرد، آری،

و ادارشان خواهم کرد که بیایند و در مقابل پاهای تو تعظیم کنند و بدانند که من تو را دوست داشته‌ام. ۱۰ حال که مرا در پایداری سرمشق قرار دادی، من نیز تو را از ساعت آزمایشی حفظ خواهم کرد که بر تمام مناطق مسکونی زمین خواهد آمد تا ساکنان زمین آزموده شوند. ۱۱ من به زودی می‌آیم. آنچه را داری، محکم حفظ کن تا کسی تاج تو را نرباید. ۱۲ «کسی که غالب آید، او را در معبد خدایم ستونی خواهم ساخت و دیگر هرگز از آنجا خارج نخواهد شد. بر او نام خدایم، نام شهر خدایم، یعنی اورشلیم جدید که از آسمان از جانب خدای من پایین می‌آید و همچنین نام جدید خود را خواهم نوشت. ۱۳ آن که گوش شنوا دارد، بشنود که روح به جماعت‌ها چه می‌گوید.»

۱۴ وَكُتِبَ إِلَى مَلَكَ كَنِيسَةِ اللاَّوْدِيَّيْنَ: «هَذَا يَقُولُهُ الْأَمِينُ، الشَّاهِدُ الْأَمِينُ الصَّادِقُ، بَدَاءَةُ خَلِيقَةِ اللَّهِ: ۱۵ أَنَا غَارِفُ أَعْمَالِكَ، أَنَّكَ لَسْتَ بَارِدًا وَلَا حَارًّا. لَيْتَكَ كُنْتَ بَارِدًا أَوْ حَارًّا! ۱۶ هَكَذَا لَأَنَّكَ فَاتِرٌ، وَلَسْتَ بَارِدًا وَلَا حَارًّا، أَنَا مُزْمِعٌ أَنْ أَتَقِيَّكَ مِنْ فَمِي. ۱۷ لَأَنَّكَ تَقُولُ: إِنِّي أَنَا غَنِيٌّ وَقَدْ اسْتَعْنَيْتُ، وَلَا حَاجَةَ لِي إِلَى شَيْءٍ، وَلَسْتَ تَعْلَمُ أَنَّكَ أَنْتَ الشَّقِيُّ وَالْبَيْسُ وَفَقِيرٌ وَأَعْمَى وَعُرْيَانٌ. ۱۸ أَشِيرُ عَلَيْكَ أَنْ تَشْتَرِيَ مِنِّي ذَهَبًا مُصَفًّى بِالنَّارِ لِكَيْ تَسْتَعْنِيَ، وَثِيَابًا بَيْضًا لِكَيْ تَلْبَسَ، فَلَا يَظْهَرُ خِزْيُ عُرْيَتِكَ. وَكَحُلِّ عَيْنَيْكَ بِكَحْلٍ لِكَيْ تُبْصِرَ. ۱۹ إِنِّي كُلُّ مَنْ أُجِبَهُ أُوبِّخْهُ وَأُؤَدِّبْهُ. فَكُنْ غَيُورًا وَتُبْ. ۲۰ هَذَا وَقِفْ عَلَى الْبَابِ وَأَقْرَعْ. إِنْ سَمِعَ أَخَذْتُ صَوْتِي وَفَتَحْتُ الْبَابَ، أَدْخُلْ إِلَيْهِ وَاتَّعَشَى مَعَهُ وَهُوَ مَعِي. ۲۱ مَنْ يَغْلِبُ فَسَأُعْطِيهِ أَنْ يَجْلِسَ مَعِي فِي عَرْشِي، كَمَا غَلَبْتُ أَنَا أَيْضًا وَجَلَسْتُ مَعَ أَبِي فِي عَرْشِهِ. ۲۲ مَنْ لَهُ أُذُنٌ فَلْيَسْمَعْ مَا يَقُولُهُ الرُّوحُ لِلْكَنَائِسِ».

۱۴ «به فرشته جماعت لاودیکیه بنویس، آن امین، آن شاهد امین و صادق، آن که آغاز آفرینش خداست، چنین می‌گوید: ۱۵ «از اعمال تو آگاهم. می‌دانم که نه سردی و نه گرم. ای کاش که سرد یا گرم بودی. ۱۶ پس چون ولرمی، یعنی نه سردی و نه گرم، تو را چون تُف از دهانم بیرون خواهم انداخت. ۱۷ تو می‌گویی: «ثروتمندم و مال بسیار اندوخته‌ام و به هیچ چیز نیاز ندارم» اما نمی‌دانی که تو بیچاره، اسف‌انگیز، فقیر، کور و برهنه‌ای. ۱۸ پس به تو توصیه می‌کنم که این‌ها را از من بخری: طلای تصفیه‌شده با آتش را تا ثروتمند شوی، ردای سفید را تا بر تن کنی و برهنگی شرم‌آور تو آشکار نشود و مرهم چشم را تا بر چشمان خود بمالی و بینا شوی. ۱۹ «من تمام کسانی را که دوست می‌دارم، توبیخ و تأدیب می‌کنم. پس غیور باش و توبه کن. ۲۰ بنگر! من پشت در ایستاده‌ام و در را می‌کوبم. اگر کسی صدای مرا بشنود و در را باز کند، به خانه او وارد خواهم شد و با او شام خواهم خورد و او نیز با من همسفره خواهد شد. ۲۱ کسی که غالب آید، به او اجازه خواهم داد که با من بر تخت خودم بنشیند، چنان که من غالب آمدم و با پدرم بر تخت او نشستم. ۲۲ آن که گوش شنوا دارد، بشنود که روح به جماعت‌ها چه می‌گوید.»

رُؤْيَا يُوْحَنَّا اللَّاهُوتِي : الْأَصْحَاحُ الرَّابِعُ * ۱:۴-۱۱

۱ بَعْدَ هَذَا نَظَرْتُ وَإِذَا بَابٌ مَفْتُوحٌ فِي السَّمَاءِ، وَالصَّوْتُ الْأَوَّلُ الَّذِي سَمِعْتُهُ كَبُوقٌ يَتَكَلَّمُ مَعِيَ قَائِلًا: «اصْعَدْ إِلَى هُنَا فَأَرِيكَ مَا لَا بُدَّ أَنْ يَصِيرَ بَعْدَ هَذَا». ۲ وَلِلْوَقْتِ صِرْتُ فِي الرُّوحِ، وَإِذَا عَرْشٌ مَوْضُوعٌ فِي السَّمَاءِ، وَعَلَى الْعَرْشِ جَالِسٌ. ۳ وَكَانَ الْجَالِسُ فِي الْمَنْظَرِ شِبْهَ حَجَرِ الْيَشْبِ وَالْعَقِيقِ، وَقَوْسٌ قُزَحٌ حَوْلَ الْعَرْشِ فِي الْمَنْظَرِ شِبْهَ الزُّمُرُدِ. ۴ وَحَوْلَ الْعَرْشِ أَرْبَعَةٌ وَعِشْرُونَ عَرْشًا. وَرَأَيْتُ عَلَى الْعُرُوشِ أَرْبَعَةً وَعِشْرِينَ شَيْخًا جَالِسِينَ مُتَسَرِّبِينَ بِثِيَابٍ بَيْضٍ، وَعَلَى رُؤُوسِهِمْ أَكَالِيلٌ مِنْ ذَهَبٍ. ۵ وَمِنْ الْعَرْشِ يَخْرُجُ بُرُوقٌ وَرُعُودٌ وَأَصْوَاتٌ. وَأَمَامَ الْعَرْشِ سَبْعَةٌ مَصَابِيحُ نَارٍ مُتَقَدَّةٌ، هِيَ سَبْعَةُ أَرْوَاحِ اللَّهِ. ۶ وَقُدَّامَ الْعَرْشِ بَحْرٌ زُجَاجٍ شِبْهَ الْبُلُورِ. وَفِي وَسْطِ الْعَرْشِ وَحَوْلَ الْعَرْشِ أَرْبَعَةُ حَيَوَانَاتٍ مَمْلُوءَةٌ غُيُونًا مِنْ قُدَّامٍ وَمِنْ وَرَاءِ: ۷ وَالْحَيَوَانُ الْأَوَّلُ شِبْهُ أَسَدٍ، وَالْحَيَوَانُ الثَّانِي شِبْهُ عِجَلٍ، وَالْحَيَوَانُ الثَّلَاثُ لَهُ وَجْهٌ مِثْلُ وَجْهِ إِنْسَانٍ، وَالْحَيَوَانُ الرَّابِعُ شِبْهُ نَسْرٍ طَائِرٍ. ۸ وَالْأَرْبَعَةُ الْحَيَوَانَاتُ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهَا سِتَّةُ أَجْنِحَةٍ حَوْلَهَا، وَمِنْ دَاخِلِ مَمْلُوءَةٌ غُيُونًا، وَلَا تَزَالُ نَهَارًا وَلَيْلًا قَائِلَةً: «قُدُّوسٌ، قُدُّوسٌ، قُدُّوسٌ، الرَّبُّ إِلَهِ الْقَادِرُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ، الَّذِي كَانَ وَالْكَائِنُ وَالَّذِي يَأْتِي». ۹ وَحِينَمَا تُعْطِي الْحَيَوَانَاتُ مَجْدًا وَكَرَامَةً وَشُكْرًا لِلْجَالِسِ عَلَى الْعَرْشِ، الْحَيِّ إِلَى أَبَدِ الْأَبَدِينَ، ۱۰ يَخْرُجُ الْأَرْبَعَةُ وَالْعِشْرُونَ شَيْخًا قُدَّامَ الْجَالِسِ عَلَى الْعَرْشِ، وَيَسْجُدُونَ لِلْحَيِّ إِلَى أَبَدِ الْأَبَدِينَ، وَيَطْرَحُونَ أَكَالِيلَهُمْ أَمَامَ الْعَرْشِ قَائِلِينَ: ۱۱ «أَنْتَ مُسْتَحِقٌّ أَيُّهَا الرَّبُّ أَنْ تَأْخُذَ الْمَجْدَ وَالْكَرَامَةَ وَالْقُدْرَةَ، لَأَنَّكَ أَنْتَ خَلَقْتَ كُلَّ الْأَشْيَاءِ، وَهِيَ بِإِرَادَتِكَ كَانَتْهُ وَخُلِقَتْ».

۱ پس از آن، نگاه کردم و دری باز در آسمان دیدم. آنگاه نخستین صدایی که شنیدم همچون صدای شیپور بود که به من چنین گفت: «به اینجا بالا بیا و آنچه را که باید روی دهد، به تو نشان خواهم داد.» ۲ سپس همان دم، روح مرا فرو گرفت و دیدم که تختی در آسمان قرار داشت و کسی بر آن تخت نشسته بود. ۳ آن تخت‌نشین، ظاهری همچون سنگ یشب و عقیق خرمایی داشت و گرداگرد تخت را رنگین‌کمانی زُمرّدگون فرا گرفته بود. ۴ در اطراف آن تخت بیست و چهار تخت دیگر بود و دیدم که بر آن‌ها بیست و چهار پیر نشسته‌اند که رداهای سفید بر تن و تاج طلایی بر سر دارند. ۵ از آن تخت، برق‌هایی بیرون می‌جهید و صداها و غرّش رعد شنیده می‌شد. در مقابل آن تخت، هفت مشعل افروخته قرار داشت و این‌ها مظهر هفت روح خدا هستند. ۶ در برابر آن تخت، چیزی شبیه به دریایی شیشه‌ای بود، به شفافیت بلور. در میان و در اطراف تخت، چهار موجود زنده بود که بدنشان از جلو و پشت پر از چشم بود. ۷ موجود زنده اول همچون شیر بود و دومی همچون گاو نر جوان. موجود زنده سوم صورتی همچون انسان داشت و چهارمی همچون عقابی بود در پرواز. ۸ هر یک از آن چهار موجود زنده، شش بال داشت و دورتادور و زیر بال‌هایشان پر از چشم بود و روز و شب پیوسته می‌گویند: «قدّوس، قدّوس، قدّوس است الهه پروردگار، آن قادر مطلق، آن که بود و هست و می‌آید.» ۹ هر گاه که آن چهار موجود زنده، جلال

و حرمت و شکرگزاری نثار آن تخت نشین می کنند که همیشه و تا ابد زنده است، ۱۰ آن بیست و چهار پیر در مقابل آن تخت نشین زانو می زنند و او را که همیشه و تا ابد زنده است، پرستش می کنند. و پیش تخت او تاج از سر فرو می گذارند و می گویند: ۱۱ «ای رب، جلال و حرمت و قدرت شایسته توست؛ زیرا تو همه چیز را آفریدی و به خواست تو بود که همه چیز به وجود آمد و آفریده شد.»

رُؤْيَا يُوْحَنَّا اللَّاهُوتِي: الْأَصْحَاحُ الْخَامِسُ * ۱:۵-۱۴

۱ وَرَأَيْتُ عَلَى يَمِينِ الْجَالِسِ عَلَى الْعَرْشِ سِفْرًا مَكْتُوبًا مِنْ دَاخِلٍ وَمِنْ وَرَاءِ، مَخْتُومًا بِسَبْعَةِ خُتُومٍ. ۲ وَرَأَيْتُ مَلَاكًا قَوِيًّا يُنَادِي بِصَوْتٍ عَظِيمٍ: «مَنْ هُوَ مُسْتَحِقُّ أَنْ يَفْتَحَ السِّفْرَ وَيُفَكَّ خُتُومَهُ؟» ۳ فَلَمْ يَسْتَطِعْ أَحَدٌ فِي السَّمَاءِ وَلَا عَلَى الْأَرْضِ وَلَا تَحْتَ الْأَرْضِ أَنْ يَفْتَحَ السِّفْرَ وَلَا أَنْ يَنْظُرَ إِلَيْهِ. ۴ فَصِرْتُ أَنَا أَبْكِي كَثِيرًا، لِأَنَّهُ لَمْ يُوْجَدْ أَحَدٌ مُسْتَحِقًّا أَنْ يَفْتَحَ السِّفْرَ وَيَقْرَأَهُ وَلَا أَنْ يَنْظُرَ إِلَيْهِ. ۵ فَقَالَ لِي وَاحِدٌ مِنَ الشُّيُوخِ: «لَا تَبْك. هُوَذَا قَدْ غَلَبَ الْأَسَدُ الَّذِي مِنْ سِبْطِ يَهُوذَا، أَصْلُ دَاوُدَ، لِيَفْتَحَ السِّفْرَ وَيُفَكَّ خُتُومَهُ السَّبْعَةَ». ۶ وَرَأَيْتُ فَإِذَا فِي وَسْطِ الْعَرْشِ وَالْحَيَوَانَاتِ الْأَرْبَعَةِ وَفِي وَسْطِ الشُّيُوخِ خُرُوفٌ قَائِمٌ كَأَنَّهُ مَذْبُوحٌ، لَهُ سَبْعَةُ قُرُونٍ وَسَبْعُ أَعْيُنٍ، هِيَ سَبْعَةُ أَرْوَاحِ اللَّهِ الْمُرْسَلَةِ إِلَى كُلِّ الْأَرْضِ. ۷ فَاتَى وَأَخَذَ السِّفْرَ مِنْ يَمِينِ الْجَالِسِ عَلَى الْعَرْشِ. ۸ وَلَمَّا أَخَذَ السِّفْرَ خَرَّتِ الْأَرْبَعَةُ الْحَيَوَانَاتُ وَالْأَرْبَعَةُ وَالْعِشْرُونَ شَيْخًا أَمَامَ الْخُرُوفِ، وَلَهُمْ كُلٌّ وَاحِدٍ قِيَنَارَاتٍ وَجَامَاتٍ مِنْ ذَهَبٍ مَمْلُوءَةٍ بِخُورٍ هِيَ صَلَوَاتُ الْقَدِيسِينَ. ۹ وَهُمْ يَتَرَنَّمُونَ تَرْنِيمَةً جَدِيدَةً قَائِلِينَ: «مُسْتَحِقُّ أَنْتَ أَنْ تَأْخُذَ السِّفْرَ وَتَفْتَحَ خُتُومَهُ، لِأَنَّكَ ذُبَحْتَ وَاشْتَرَيْتَنَا لِلَّهِ بِدَمِكَ مِنْ كُلِّ قَبِيلَةٍ وَلِسَانٍ وَشَعْبٍ وَأُمَّةٍ، ۱۰ وَجَعَلْتَنَا لِإِلَهِنَا مُلُوكًا وَكَهَنَةً، فَسَنَمْلِكُ عَلَى الْأَرْضِ». ۱۱ وَنَظَرْتُ وَسَمِعْتُ صَوْتَ مَلَائِكَةٍ كَثِيرِينَ حَوْلَ الْعَرْشِ وَالْحَيَوَانَاتِ وَالشُّيُوخِ، وَكَانَ عَدَدُهُمْ رَبَّوَاتِ رَبَّوَاتٍ وَأُلُوفُ أُلُوفٍ، ۱۲ قَائِلِينَ بِصَوْتٍ عَظِيمٍ: «مُسْتَحِقُّ هُوَ الْخُرُوفُ الْمَذْبُوحُ أَنْ يَأْخُذَ الْقُدْرَةَ وَالْغِنَى وَالْحِكْمَةَ وَالْقُوَّةَ وَالْكَرَامَةَ وَالْمَجْدَ وَالْبَرَكَاتِ». ۱۳ وَكُلُّ خَلِيقَةٍ مِمَّا فِي السَّمَاءِ وَعَلَى الْأَرْضِ وَتَحْتَ الْأَرْضِ، وَمَا عَلَى الْبَحْرِ، كُلُّ مَا فِيهَا، سَمِعْتُهَا قَائِلَةً: «لِلْجَالِسِ عَلَى الْعَرْشِ وَلِلْخُرُوفِ الْبَرَكَاتُ وَالْكَرَامَةُ وَالْمَجْدُ وَالسُّلْطَانُ إِلَى أَبَدِ الْأَبَدِينَ». ۱۴ وَكَانَتِ الْحَيَوَانَاتُ الْأَرْبَعَةُ تَقُولُ: «أَمِينَ». وَالشُّيُوخُ الْأَرْبَعَةُ وَالْعِشْرُونَ خَرُّوا وَسَجَدُوا لِلْحَيِّ إِلَى أَبَدِ الْأَبَدِينَ.

۱ در دست راست آن تخت نشین طوماری دیدم که هر دو طرف آن نوشته هایی داشت و با هفت مهر، محکم مهر و موم شده بود. ۲ فرشته ای قوی را دیدم که با صدای بلند اعلام می کرد: «چه کسی شایسته است مهرهای طومار را شکسته، آن را باز کند؟» ۳ اما هیچ کس در آسمان، بر زمین و زیر زمین نبود که بتواند طومار را باز کند یا داخل آن را ببیند. ۴ پس به شدت به گریه افتادم؛ زیرا هیچ کس یافت نشد که شایسته باشد طومار را باز کند یا داخل آن را ببیند. ۵ اما یکی از پیران به من گفت: «دیگر گریه مکن.

بنگر! آن شیر طایفه یهودا، آری آن ریشه داوود، غالب آمده است تا طومار و هفت مهر آن را باز کند.» ۶ آنگاه در میان آن تخت و در میان آن چهار موجود زنده و پیران، برّه‌ای ایستاده دیدم که ظاهراً ذبح شده بود و هفت شاخ و هفت چشم داشت. این چشمان مظهر هفت روح خداست که به تمام زمین فرستاده شده است. ۷ همان لحظه برّه پیش آمد و طومار را از دست راست آن تخت‌نشین گرفت. ۸ وقتی طومار را گرفت، آن چهار موجود زنده و بیست و چهار پیر در مقابل برّه زانو زدند. هر یک از پیران، یک چنگ و جامی زرّین آکنده از بخوری که همان دعا‌های مقدسین است داشت. ۹ آنان سرودی تازه می‌خواندند و می‌گفتند: «تو شایسته‌ای که طومار را برداری و مهرهای آن را باز کنی؛ زیرا ذبح شدی و با خون خود افرادی را از هر طایفه، زبان، قوم و ملت برای خدا خریدی ۱۰ و از آنان پادشاهان و کاهنانی ساختی که در خدمت خدایمان باشند. ایشان بزودی بر زمین سلطنت خواهند کرد.» ۱۱ آنگاه نظر کردم و صدای فرشتگان بسیاری را شنیدم که گرداگرد تخت و آن موجودات زنده و پیران بودند. شمار آنان ده‌ها هزار در ده‌ها هزار و هزاران هزار بود ۱۲ و با صدای بلند می‌گفتند: «آن برّه که ذبح شد، شایسته این است که قدرت، ثروت، حکمت، قوّت، حرمت، جلال و برکت را بیابد.» ۱۳ آنگاه شنیدم که هر مخلوقی که در آسمان، بر زمین، زیر زمین و بر دریاست، آری هر چه در آن‌هاست می‌گویند: «برکت، حرمت، جلال و قوّت، همیشه و تا ابد از آن تخت‌نشین و برّه باد!» ۱۴ آن چهار موجود زنده می‌گفتند: «آمین!» و پیران بیست و چهار گانه به زانو افتاده، آن که تا ابد زنده است را سجده می‌کردند.

رُؤْيَا يُوْحَنَّا الْاَلْهَوْتِي: الْأَصْحَاحُ السَّادِسُ * ۱:۶-۱۷

۱ وَنَظَرْتُ لَمَّا فَتَحَ الْخُرُوفُ وَاحِدًا مِنَ الْخُتُومِ السَّبْعَةِ، وَسَمِعْتُ وَاحِدًا مِنَ الْأَرْبَعَةِ الْحَيَوَانَاتِ قَائِلًا كَصَوْتِ رَعْدٍ: «هَلُمَّ وَانْظُرْ!» ۲ فَنَظَرْتُ، وَإِذَا فَرَسٌ أَبْيَضٌ، وَالْجَالِسُ عَلَيْهِ مَعَهُ قَوْسٌ، وَقَدْ أُعْطِيَ إِكْلِيلًا، وَخَرَجَ غَالِبًا وَلَكِي يَغْلِبُ. ۳ وَلَمَّا فَتَحَ الْخَتَمَ الثَّانِي، سَمِعْتُ الْحَيَوَانَ الثَّانِي قَائِلًا: «هَلُمَّ وَانْظُرْ!» ۴ فَخَرَجَ فَرَسٌ آخَرُ أَحْمَرٌ، وَالْجَالِسُ عَلَيْهِ أُعْطِيَ أَنْ يَنْزِعَ السَّلَامَ مِنَ الْأَرْضِ، وَأَنْ يَقْتُلَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا، وَأُعْطِيَ سَيْفًا عَظِيمًا. ۵ وَلَمَّا فَتَحَ الْخَتَمَ الثَّلَاثِ، سَمِعْتُ الْحَيَوَانَ الثَّلَاثِ قَائِلًا: «هَلُمَّ وَانْظُرْ!» فَنَظَرْتُ وَإِذَا فَرَسٌ أَسْوَدٌ، وَالْجَالِسُ عَلَيْهِ مَعَهُ مِيزَانٌ فِي يَدِهِ. ۶ وَسَمِعْتُ صَوْتًا فِي وَسْطِ الْأَرْبَعَةِ الْحَيَوَانَاتِ قَائِلًا: «ثُمَّنِيَّةٌ قَمْحٍ بَدِينَارٍ، وَثَلَاثُ ثَمَانِي شَعِيرٍ بَدِينَارٍ. وَأَمَّا الزَّيْتُ وَالْخَمْرُ فَلَا تَضُرُّهُمَا». ۷ وَلَمَّا فَتَحَ الْخَتَمَ الرَّابِعَ، سَمِعْتُ صَوْتَ الْحَيَوَانَ الرَّابِعِ قَائِلًا: «هَلُمَّ وَانْظُرْ!» ۸ فَنَظَرْتُ وَإِذَا فَرَسٌ أَخْضَرٌ، وَالْجَالِسُ عَلَيْهِ اسْمُهُ الْمَوْتُ، وَالْهَآوِيَّةُ تَتَّبَعُهُ، وَأُعْطِيَ سُلْطَانًا عَلَى رُبْعِ الْأَرْضِ أَنْ يَقْتُلَ بِالسَّيْفِ وَالْجُوعِ وَالْمَوْتِ وَبِوُحُوشِ الْأَرْضِ.

۱ آنگاه دیدم که برّه یکی از آن هفت مُهر را باز کرد و شنیدم که یکی از آن چهار موجود زنده با صدایی همچون رعد گفت: «بیا!» ۲ پس نگاه کردم و اسبی سفید دیدم. کسی که بر آن نشسته بود کمانی داشت. تاجی به او داده شد و او همچنان پیش می‌رفت و بر دشمنانش غالب می‌آمد تا پیروزی خود را کامل کند. ۳ هنگامی که مُهر دوم را باز کرد، شنیدم که موجود زنده دوم گفت: «بیا!» ۴ پس اسب دیگری بیرون آمد که رنگش سرخ آتشین بود. به سوار آن اختیار داده شد که صلح را از زمین بردارد تا مردم به کشتار یکدیگر پردازند. شمشیری بزرگ نیز به او داده شد. ۵ هنگامی که مُهر سوم را باز کرد، شنیدم که موجود زنده سوم گفت: «بیا!» پس نگاه کردم و اسبی سیاه دیدم و سوار آن ترازویی در دست داشت. ۶ آنگاه از میان آن چهار موجود زنده چیزی شبیه صدایی شنیدم که گفت: «یک پیمانۀ گندم، به یک دینار و سه پیمانۀ جو، به یک دینار. همچنین به روغن زیتون و شراب آسیبی مرسان.» ۷ هنگامی که مُهر چهارم را باز کرد، شنیدم که موجود زنده چهارم گفت: «بیا!» ۸ پس نگاه کردم و اسبی رنگ‌پریده دیدم که سوارش مرگ نام داشت و جهانِ مردگان (الْهَلَوِيَّةُ) از پی او می‌آمد. اختیار یک چهارم زمین به آنان داده شد تا مردم را با شمشیر، با قحطی، با بیماری مرگبار و با حیوانات وحشی زمین بکشند.

۹ وَلَمَّا فَتَحَ الْخَتَمَ الْخَامِسَ، رَأَيْتُ تَحْتَ الْمَذْبَحِ نَفُوسَ الَّذِينَ قُتِلُوا مِنْ أَجْلِ كَلِمَةِ اللَّهِ، وَمِنْ أَجْلِ الشَّهَادَةِ الَّتِي كَانَتْ عِنْدَهُمْ، ۱۰ وَصَرَخُوا بِصَوْتٍ عَظِيمٍ قَائِلِينَ: «حَتَّى مَتَى أَيُّهَا السَّيِّدُ الْقُدُّوسُ وَالْحَقُّ، لَا تَقْضِي وَتَنْتَقِمَ لِدِمَائِنَا مِنَ السَّاكِنِينَ عَلَى الْأَرْضِ؟» ۱۱ فَأَعْطُوا كُلُّ وَاحِدٍ ثِيَابًا بَيْضًا، وَقِيلَ لَهُمْ أَنْ يَسْتَرِيحُوا زَمَانًا يَسِيرًا أَيْضًا حَتَّى يَكْمَلَ الْعَبِيدُ رَفَقَاؤَهُمْ، وَإِخْوَتُهُمْ أَيْضًا، الْعَتِيدُونَ أَنْ يُقْتَلُوا مِثْلَهُمْ. ۱۲ وَنَظَرْتُ لَمَّا فَتَحَ الْخَتَمَ السَّادِسَ، وَإِذَا زَلْزَلَةٌ عَظِيمَةٌ حَدَثَتْ، وَالشَّمْسُ صَارَتْ سُودَاءَ كَمَسْحٍ مِنْ شَعْرِ، وَالْقَمَرُ صَارَ كَالْدَمِ، ۱۳ وَتَجُومُ السَّمَاءُ سَقَطَتْ إِلَى الْأَرْضِ كَمَا تَطْرَحُ شَجَرَةُ التِّينِ سَقَاطَهَا إِذَا هَزَّتْهَا رِيحٌ عَظِيمَةٌ. ۱۴ وَالسَّمَاءُ انْفَلَقَتْ كَذَرْجٍ مُثْنَفٍ، وَكُلُّ جَبَلٍ وَجَزِيرَةٍ تَزَخَّرَا مِنْ مَوَاضِعِهِمَا. ۱۵ وَمُلُوكُ الْأَرْضِ وَالْعُظَمَاءُ وَالْأَغْنِيَاءُ وَالْأَمْرَاءُ وَالْأَقْوِيَاءُ وَكُلُّ عَبْدٍ وَكُلُّ حُرٍّ، أَخْفَوْا أَنْفُسَهُمْ فِي الْمَعَابِرِ وَفِي صُخُورِ الْجِبَالِ، ۱۶ وَهُمْ يَقُولُونَ لِلْجِبَالِ وَالصُّخُورِ: «اسْقُطِي عَلَيْنَا وَأَخْفِينَا عَنْ وَجْهِ الْجَالِسِ عَلَى الْعَرْشِ وَعَنْ غَضَبِ الْخُرُوفِ، ۱۷ لَأَنَّهُ قَدْ جَاءَ يَوْمُ غَضَبِهِ الْعَظِيمِ. وَمَنْ يَسْتَطِيعُ الْوُقُوفُ؟».

۹ هنگامی که مُهر پنجم را باز کرد، در زیر مذبح، خون کسانی را دیدم که به خاطر کلام خدا و شهادتی که داده بودند، کشته شده بودند. ۱۰ خون آنان با صدای بلند فریاد زد: «ای سرور مقتدر، ای قدّوس، ای برحق، تا به کی ساکنان زمین را داوری نمی‌کنی و انتقام خون ما را از ایشان نمی‌گیری؟» ۱۱ آنگاه به هر یک از آنان ردایی سفید داده شد و به ایشان گفته شد که اندکی بیشتر بیارامند تا شمار همردیفان و برادرانشان که باید به زودی همچون آنان کشته شوند، کامل گردد. ۱۲ هنگامی که مُهر ششم را باز کرد،

دیدم که زمین لرزه ای عظیم رخ داد و خورشید سیاه شد، همچون پلاسی سیاه و کل ماه به رنگ خون درآمد. ۱۳ ستارگان آسمان بر زمین فرو ریختند، همچون درخت انجیری که در اثر بادی شدید، میوه های نارس خود را فرو ریزد. ۱۴ آسمان مانند طوماری که پیچیده شود، برچیده شد و هر کوه و هر جزیره ای از جای خود برداشته شد. ۱۵ آنگاه پادشاهان زمین، افراد عالی رتبه و فرماندهان نظامی، ثروتمندان و قدرتمندان، هر انسان چه غلام و چه آزاد، خود را در غارها و در میان صخره های کوه ها پنهان کردند. ۱۶ آنان به کوه ها و صخره ها همواره می گویند: «بر ما بیفتد و ما را از چشمان آن تخت نشین و از خشم بره پنهان کنید؛ ۱۷ زیرا روز بزرگ خشم او فرا رسیده (يَوْمُ غَضَبِهِ الْعَظِيمِ) و که را توان ایستادگی است؟»

رُؤْيَا يُوْحَنَّا الْاَلْهَوِيّ: الْأَصْحَاحُ السَّابِعُ * ۱۷-۱:۷

۱ وَبَعْدَ هَذَا رَأَيْتُ أَرْبَعَةَ مَلَائِكَةٍ وَاقِفِينَ عَلَى أَرْبَعِ زَوَايَا الْأَرْضِ، مُمَسِّكِينَ أَرْبَعَ رِيَّاحِ الْأَرْضِ لِكَيْ لَا تَهْبَأَ رِيحٌ عَلَى الْأَرْضِ، وَلَا عَلَى الْبَحْرِ، وَلَا عَلَى شَجَرَةٍ مَا. ۲ وَرَأَيْتُ مَلَاكًا آخَرَ طَالِعًا مِنْ مَشْرِقِ الشَّمْسِ مَعَهُ خَتَمُ اللَّهِ الْحَيِّ، فَنَادَى بِصَوْتٍ عَظِيمٍ إِلَى الْمَلَائِكَةِ الْأَرْبَعَةِ، الَّذِينَ أُعْطُوا أَنْ يَضْرَبُوا الْأَرْضَ وَالْبَحْرَ، ۳ قَائِلًا: «لَا تَضْرَبُوا الْأَرْضَ وَلَا الْبَحْرَ وَلَا الْأَشْجَارَ، حَتَّى نَخْتِمَ عِبِيدَ إِلَهِنَا عَلَى جِبَاهِهِمْ». ۴ وَسَمِعْتُ عِدَّةَ الْمَخْتُومِينَ مِئَةً وَأَرْبَعَةً وَأَرْبَعِينَ أَلْفًا، مَخْتُومِينَ مِنْ كُلِّ سِبْطٍ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ: ۵ مِنْ سِبْطِ يَهُوذَا اثْنَا عَشَرَ أَلْفَ مَخْتُومٍ. مِنْ سِبْطِ رَأُوْبِيْنَ اثْنَا عَشَرَ أَلْفَ مَخْتُومٍ. مِنْ سِبْطِ جَادَ اثْنَا عَشَرَ أَلْفَ مَخْتُومٍ. ۶ مِنْ سِبْطِ أَشِيرَ اثْنَا عَشَرَ أَلْفَ مَخْتُومٍ. مِنْ سِبْطِ نَفْتَالِي اثْنَا عَشَرَ أَلْفَ مَخْتُومٍ. مِنْ سِبْطِ مَنَسَّى اثْنَا عَشَرَ أَلْفَ مَخْتُومٍ. ۷ مِنْ سِبْطِ شَمْعُونَ اثْنَا عَشَرَ أَلْفَ مَخْتُومٍ. مِنْ سِبْطِ لَأَوِي اثْنَا عَشَرَ أَلْفَ مَخْتُومٍ. مِنْ سِبْطِ يَسَّاكَرَ اثْنَا عَشَرَ أَلْفَ مَخْتُومٍ. ۸ مِنْ سِبْطِ زَبُولُونَ اثْنَا عَشَرَ أَلْفَ مَخْتُومٍ. مِنْ سِبْطِ يُوسُفَ اثْنَا عَشَرَ أَلْفَ مَخْتُومٍ. مِنْ سِبْطِ بَنِيَامِينَ اثْنَا عَشَرَ أَلْفَ مَخْتُومٍ.

۱ پس از این دیدم که چهار فرشته در چهار گوشه زمین ایستاده، چهار باد زمین را محکم نگاه داشته اند تا هیچ بادی نتواند بر زمین، بر دریا یا بر هیچ درختی بوزد. ۲ سپس فرشته ای دیگر را دیدم که از مکان طلوع آفتاب برمی خاست و مهر خدای زنده را داشت. او با صدای بلند به آن چهار فرشته که به ایشان اجازه داده شده بود به زمین و دریا آسیب رسانند، ۳ گفت: «تا زمانی که بر پیشانی غلامان خدایمان مهر نزده ایم، به زمین، دریا یا درختان آسیب مرسانید.» ۴ آنگاه شنیدم که شمار کسانی که مهر شدند، ۱۴۴،۰۰۰ نفر است. آن مهرشدگان از هر طایفه بنی اسرائیل بودند: ۵ از طایفه یهودا ۱۲،۰۰۰ نفر مهر شدند؛ از طایفه رثوبین ۱۲،۰۰۰ نفر؛ از طایفه جاد ۱۲،۰۰۰ نفر؛ ۶ از طایفه آشیر ۱۲،۰۰۰ نفر؛ از طایفه نفتالی ۱۲،۰۰۰ نفر؛ از طایفه منسی ۱۲،۰۰۰ نفر؛ ۷ از طایفه شمعون ۱۲،۰۰۰ نفر؛ از طایفه لای ۱۲،۰۰۰ نفر؛ از طایفه یساکار

۱۲،۰۰۰ نفر؛ ۸ از طایفه زبولون ۱۲،۰۰۰ نفر؛ از طایفه یوسف ۱۲،۰۰۰ نفر؛ از طایفه بنیامین ۱۲،۰۰۰ نفر
مهر شدند.

۹ بَعْدَ هَذَا نَظَرْتُ وَإِذَا جَمْعٌ كَثِيرٌ لَمْ يَسْتَطِعْ أَحَدٌ أَنْ يَعُدَّهُ، مِنْ كُلِّ الْأُمَمِ وَالْقَبَائِلِ وَالشُّعُوبِ وَالْأَلْسِنَةِ، وَاقِفُونَ أَمَامَ الْعَرْشِ وَأَمَامَ الْخُرُوفِ، مُتَسَرِّبِلِينَ بِثِيَابٍ بَيْضٍ وَفِي أَيْدِيهِمْ سَعَفُ النَّخْلِ ۱۰ وَهُمْ يَصْرُخُونَ بِصَوْتٍ عَظِيمٍ قَائِلِينَ: «الْخَلَاصُ لِهَيْئَتِنَا الْجَالِسِ عَلَى الْعَرْشِ وَلِلْخُرُوفِ». ۱۱ وَجَمِيعُ الْمَلَائِكَةِ كَانُوا وَاقِفِينَ حَوْلَ الْعَرْشِ، وَالشُّيُوخِ وَالْحَيَوَانَاتِ الْأَرْبَعَةِ، وَخَرُّوا أَمَامَ الْعَرْشِ عَلَى وُجُوهِهِمْ وَسَجَدُوا لِلَّهِ ۱۲ قَائِلِينَ: «أَمِينَ! الْبَرَكَةُ وَالْمَجْدُ وَالْحِكْمَةُ وَالشُّكْرُ وَالْكَرَامَةُ وَالْقُدْرَةُ وَالْقُوَّةُ لِهَيْئَتِنَا إِلَى أَبَدِ الْأَبَدِينَ. أَمِينَ!» ۱۳ وَأَجَابَ وَاحِدٌ مِنَ الشُّيُوخِ قَائِلًا لِي: «هَؤُلَاءِ الْمُتَسَرِّبِلُونَ بِالثِّيَابِ الْبَيْضِ، مَنْ هُمْ؟ وَمِنْ أَيْنَ أَتَوْا؟» ۱۴ فَقُلْتُ لَهُ: «يَا سَيِّدُ، أَنْتَ تَعْلَمُ». فَقَالَ لِي: «هَؤُلَاءِ هُمُ الَّذِينَ أَتَوْا مِنَ الضِّيْقَةِ الْعَظِيمَةِ، وَقَدْ غَسَلُوا ثِيَابَهُمْ وَبَيَّضُوا ثِيَابَهُمْ فِي دَمِ الْخُرُوفِ ۱۵ مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ هُمْ أَمَامَ عَرْشِ اللَّهِ، وَيَخْدُمُونَهُ نَهَارًا وَلَيْلًا فِي هَيْكَلِهِ، وَالْجَالِسُ عَلَى الْعَرْشِ يَجِلُّ فَوْقَهُمْ. ۱۶ لَنْ يَجُوعُوا بَعْدَ، وَلَنْ يَعْطَشُوا بَعْدَ، وَلَا تَقَعُ عَلَيْهِمُ الشَّمْسُ وَلَا شَيْءٌ مِنَ الْخَرِّ، ۱۷ لِأَنَّ الْخُرُوفَ الَّذِي فِي وَسْطِ الْعَرْشِ يَرْغَاهُمْ، وَيَقْتَادُهُمْ إِلَى يَنَابِيعِ مَاءٍ حَيَّةٍ، وَيَمَسَحُ اللَّهُ كُلَّ دَمْعَةٍ مِنْ عَيْنِهِمْ».

۹ پس از آن نگاه کردم و گروهی عظیم را دیدم که از هر ملت، طایفه، قوم و زبان بودند و هیچ کس قادر به شمارش آنان نبود. آنان همگی در پیشگاه تخت و در حضور برّه ایستاده بودند و رداهای سفید بر تن داشتند و شاخه‌های نخل در دستشان بود. ۱۰ این گروه عظیم همواره با صدای بلند می‌گویند: «نجات را مدیون خدایمان که بر تخت نشسته است و مدیون برّه هستیم.» ۱۱ همه فرشتگان در اطراف تخت و گرداگرد پیران و آن چهار موجود زنده ایستاده بودند. آنان در مقابل تخت روی به زمین نهادند و خدا را پرستش کرده، ۱۲ گفتند: «آمین! سپاس، جلال، حکمت، شکرگزاری، حرمت، قدرت و توانایی همیشه و تا ابد از آن خدایمان باد! آمین.» ۱۳ آنگاه یکی از پیران از من پرسید: «اینان که رداهای سفید بر تن دارند، کیستند و از کجا آمده‌اند؟» ۱۴ من بی‌درنگ به او گفتم: «سرورم، تویی که می‌دانی.» آنگاه به من گفت: «اینان کسانی هستند که از مصیبت عظیم بیرون آمده‌اند و رداهای خود را در خون برّه شسته و سفید کرده‌اند. ۱۵ به همین دلیل است که در مقابل تخت خدا ایستاده‌اند و شبانه‌روز در معبدش او را خدمت می‌کنند و آن تخت‌نشین نیز خیمه خود را بر آنان خواهد گستراند. ۱۶ ایشان دیگر گرسنه و تشنه نخواهند شد و از گزند خورشید و هر گونه گرمای سوزان در امان خواهند بود؛ ۱۷ زیرا برّه که در میان تخت است، آنان را شبانی خواهد کرد و به چشمه‌های آب حیات هدایت خواهد نمود و خدا هر اشکی را از چشمانشان پاک خواهد ساخت.»

رُؤْيَا يُوْحَنَّا اللَّاهُوتِي : الْأَصْحَاحُ الثَّامِنُ * ۱:۸-۱۳

۱ وَلَمَّا فَتَحَ الْخَتَمَ السَّابِعَ حَدَثَ سُكُوتٌ فِي السَّمَاءِ نَحْوَ نِصْفِ سَاعَةٍ. ۲ وَرَأَيْتُ السَّبْعَةَ الْمَلَائِكَةَ الَّذِينَ يَقْفُونَ أَمَامَ اللَّهِ، وَقَدْ أَغْطُوا سَبْعَةَ أَبْوَاقٍ. ۳ وَجَاءَ مَلَكٌ آخَرُ وَوَقَفَ عِنْدَ الْمَذْبُحِ، وَمَعَهُ مِخْرَعةٌ مِنْ ذَهَبٍ، وَأُغْطِيَ بِخُورًا كَثِيرًا لِكَيْ يُقَدِّمَهُ مَعَ صَلَوَاتِ الْقَدِّيسِينَ جَمِيعِهِمْ عَلَى مَذْبُحِ الذَّهَبِ الَّذِي أَمَامَ الْعَرْشِ. ۴ فَصَعِدَ دُخَانُ الْبُخُورِ مَعَ صَلَوَاتِ الْقَدِّيسِينَ مِنْ يَدِ الْمَلَكِ أَمَامَ اللَّهِ. ۵ ثُمَّ أَخَذَ الْمَلَكُ الْمِخْرَعةَ وَمَلَأَهَا مِنْ نَارِ الْمَذْبُحِ وَأَلْقَاهَا إِلَى الْأَرْضِ، فَحَدَّثَتْ أَصْوَاتٌ وَرُعُودٌ وَبُرُوقٌ وَزَلْزَلَةٌ. ۶ ثُمَّ إِنَّ السَّبْعَةَ الْمَلَائِكَةَ الَّذِينَ مَعَهُمُ السَّبْعَةُ الْأَبْوَاقُ تَهَيَّأُوا لِكَيْ يُبَوِّقُوا.

۱ هنگامی که بره مهر هفتم را باز کرد، حدود نیم ساعت در آسمان سکوت برقرار شد. ۲ آنگاه دیدم که به آن هفت فرشته که در حضور خدا می ایستند، هفت شیپور داده شد. ۳ سپس فرشته ای دیگر که بخورسوزی از طلا در دست داشت، آمد و کنار مذبح ایستاد. آنگاه مقدار فراوانی بخور به او داده شد تا آن را با دعاهاى تمام مقدّسان بر مذبح طلایی که در مقابل تخت بود، تقدیم کند. ۴ از دست آن فرشته، دود بخور همراه با دعاهاى مقدّسان به حضور خدا بالا رفت. ۵ اما آن فرشته بی درنگ بخورسوز را برداشت و آن را با آتش مذبح پر کرد و به سوى زمین انداخت. آنگاه، غرّش رعداها و صداها برخاست و صاعقه هاى نورانی پدید آمد و زمین لرزه ای روی داد. ۶ سپس آن هفت فرشته که هفت شیپور داشتند، آماده دمیدن در آنها شدند.

۷ فَبَوَّقَ الْمَلَكُ الْأَوَّلُ، فَحَدَّثَ بَرْدٌ وَنَارٌ مَخْلُوطَانِ بَدَمٍ، وَأَلْقِيَا إِلَى الْأَرْضِ، فَاخْتَرَقَ ثُلُثُ الْأَشْجَارِ، وَاخْتَرَقَ كُلُّ غَشْبٍ أَخْضَرَ. ۸ ثُمَّ بَوَّقَ الْمَلَكُ الثَّانِي، فَكَانَ جَبَلًا عَظِيمًا مُتَقِدًا بِالنَّارِ أَلْقِيَ إِلَى الْبَحْرِ، فَصَارَ ثُلُثُ الْبَحْرِ دَمًا. ۹ وَمَاتَ ثُلُثُ الْخَلَائِقِ الَّتِي فِي الْبَحْرِ الَّتِي لَهَا حَيَاةٌ، وَأَهْلِكَ ثُلُثُ السُّفُنِ. ۱۰ ثُمَّ بَوَّقَ الْمَلَكُ الثَّالِثُ، فَسَقَطَ مِنَ السَّمَاءِ كَوَكَبٌ عَظِيمٌ مُتَقِدٌ كَمُصْبَاحٍ، وَوَقَعَ عَلَى ثُلُثِ الْأَنْهَارِ وَعَلَى يَنَابِيعِ الْمِيَاهِ. ۱۱ وَاسْمُ الْكَوَكَبِ يُدْعَى «الْأَفْسَنْتِينَ». فَصَارَ ثُلُثُ الْمِيَاهِ أَفْسَنْتِينَ، وَمَاتَ كَثِيرُونَ مِنَ النَّاسِ مِنَ الْمِيَاهِ لِأَنَّهَا صَارَتْ مَرَّةً. ۱۲ ثُمَّ بَوَّقَ الْمَلَكُ الرَّابِعُ، فَضُرِبَ ثُلُثُ الشَّمْسِ وَثُلُثُ الْقَمَرِ وَثُلُثُ النُّجُومِ، حَتَّى يُظْلِمَ ثُلُثُهُنَّ، وَالنَّهَارُ لَا يُضِيءُ ثُلُثَهُ، وَاللَّيْلُ كَذَلِكَ. ۱۳ ثُمَّ نَظَرْتُ وَسَمِعْتُ مَلَكَ طَائِرًا فِي وَسْطِ السَّمَاءِ قَائِلًا بِصَوْتٍ عَظِيمٍ: «وَيْلٌ! وََيْلٌ! وََيْلٌ لِّلْسَاكِنِينَ عَلَى الْأَرْضِ مِنْ أَجْلِ بَقِيَّةِ أَصْوَاتِ أَبْوَاقِ الثَّلَاثَةِ الْمَلَائِكَةِ الْمُزْمِعِينَ أَنْ يُبَوِّقُوا!».

۷ فرشته اول در شیپور خود دمید. آنگاه تگرگ و آتشی که به خون آمیخته بود به زمین فرو ریخته شد و یک سوم زمین سوخت و یک سوم درختان سوختند و تمام گیاهان سبز نیز سوختند. ۸ فرشته دوم در شیپور خود دمید. آنگاه چیزی شبیه به کوهی بزرگ و مشتعل به دریا پرتاب شد. پس یک سوم دریا به خون مبدل گردید ۹ و یک سوم موجودات جاندار دریا مردند و یک سوم کشتی ها درهم شکستند. ۱۰

فرشته سوم در شیپور خود دمید. آنگاه ستاره‌ای بزرگ که همچون مشعلی می‌سوخت از آسمان سقوط کرد و بر یک‌سوم رودخانه‌ها و چشمه‌های آب فرو افتاد. ۱۱ نام آن ستاره افسنتین است. یک‌سوم آب‌ها به افسنتین مبدل شد و بسیاری از انسان‌ها از آن آب‌ها مردند؛ زیرا آب‌ها تلخ شده بود. ۱۲ فرشته چهارم در شیپور خود دمید. آنگاه به یک‌سوم خورشید و به یک‌سوم ماه و به یک‌سوم ستارگان ضربه‌ای وارد شد تا بدین گونه یک‌سوم آن‌ها تاریک گردد و یک‌سوم روز، بی‌نور باشد و یک‌سوم شب نیز. ۱۳ و همچنان که به نظاره ایستاده بودم، شنیدم فرشته‌ای پروازکنان در دل آسمان به بانگ بلند فریاد زد: «وای، وای، وای بر ساکنان زمین، چون به‌زودی صدای شیپورهای دیگر که آن سه فرشته در آن‌ها می‌دمند، برخواید خاست!»

رُؤْيَا يُوْحَنَّا اللَّاهُوتِي : الْأَصْحَاحُ التَّاسِعُ * ۱:۹-۲۱

۱ ثُمَّ بَوَّقَ الْمَلَاكُ الْخَامِسُ، فَرَأَيْتُ كَوْكَبًا قَدْ سَقَطَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ، وَأُعْطِيَ مِفْتَاحَ بَيْتِ الْهَافُوتَةِ. ۲ فَفَتَحَ بَيْتَ الْهَافُوتَةِ، فَصَعِدَ دُخَانٌ مِنَ الْبَيْتِ كَدُخَانِ أَتُونٍ عَظِيمٍ، فَأَظْلَمَتِ الشَّمْسُ وَالْجَوُّ مِنْ دُخَانِ الْبَيْتِ. ۳ وَمِنْ الدُّخَانِ خَرَجَ جَرَادٌ عَلَى الْأَرْضِ، فَأُعْطِيَ سُلْطَانًا كَمَا لِعَقَارِبِ الْأَرْضِ سُلْطَانٌ. ۴ وَقِيلَ لَهُ أَنْ لَا يَضُرَّ عُشْبَ الْأَرْضِ، وَلَا شَيْئًا أَخْضَرَ وَلَا شَجَرَةً مَا، إِلَّا النَّاسَ فَقَطِ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ خَتَمٌ اللَّهِ عَلَى جَبَاهِهِمْ. ۵ وَأُعْطِيَ أَنْ لَا يَقْتُلَهُمْ بَلْ أَنْ يَتَعَذَّبُوا خَمْسَةَ أَشْهُرٍ. وَعَذَابُهُ كَعَذَابِ عَقْرَبٍ إِذَا لَدَغَ إِنْسَانًا. ۶ وَفِي تِلْكَ الْأَيَّامِ سَيَطْلُبُ النَّاسُ الْمَوْتَ وَلَا يَجِدُونَهُ، وَيَرْغَبُونَ أَنْ يَمُوتُوا فَيَهْرُبُ الْمَوْتُ مِنْهُمْ. ۷ وَشَكَلَ الْجَرَادُ شِبْهَ خَيْلٍ مُهَيَّأَةٍ لِلْحَرْبِ، وَعَلَى رُؤُوسِهَا كَأَكَالِيلَ شِبْهِ الذَّهَبِ، وَوُجُوهُهَا كَوُجُوهِ النَّاسِ. ۸ وَكَانَ لَهَا شَعْرٌ كَشَعْرِ النِّسَاءِ، وَكَانَتْ أَسْنَانُهَا كَأَسْنَانِ الْأُسُودِ، ۹ وَكَانَ لَهَا دُرُوعٌ كَدُرُوعٍ مِنْ حَدِيدٍ، وَصَوْتُ أَجْنَحَتِهَا كَصَوْتِ مَرَكَبَاتِ خَيْلٍ كَثِيرَةٍ تَجْرِي إِلَى قِتَالٍ. ۱۰ وَلَهَا أَذْنَابٌ شِبْهُ الْعَقَارِبِ، وَكَانَتْ فِي أَذْنَابِهَا خُمَاتٌ، وَسُلْطَانُهَا أَنْ تُؤْذِيَ النَّاسَ خَمْسَةَ أَشْهُرٍ. ۱۱ وَلَهَا مَلَاكُ الْهَافُوتَةِ مَلَكًا عَلَيْهَا، اسْمُهُ بِالْعِبْرَانِيَّةِ «أَبْدُون»، وَلَهُ بِالْيُونَانِيَّةِ اسْمٌ «أَبُولْيُون». ۱۲ الْوَيْلُ لِلْوَاحِدِ مَضَى هُوَذَا يَأْتِي وَيَلَانْ أَيْضًا بَعْدَ هَذَا.

۱ فرشته پنجم در شیپور خود دمید. آنگاه ستاره‌ای را دیدم که از آسمان به زمین افتاده بود. به او کلید چاه بی‌انتهای داده شد. ۲ وقتی چاه بی‌انتهای را گشود، دودی همچون دود کوره‌ای بزرگ از آن برخاست، به طوری که خورشید و هوا از دود آن چاه تاریک شد. ۳ از میان آن دود، ملخ‌هایی به روی زمین آمدند و به آن‌ها اقتدار داده شد؛ همان اقتداری که عقرب‌های زمین دارند. ۴ به آن‌ها گفته شد که نه به سبزه‌های زمین آسیب رسانند و نه به هیچ گیاه یا درختی، بلکه فقط به مردمانی آسیب رسانند که مهر خدا را بر پیشانی خود ندارند. ۵ ملخ‌ها اجازه کشتن این مردمان را نداشتند، بلکه به آن‌ها اجازه داده شد که ایشان

را به مدت پنج ماه عذاب دهند. عذاب آنان مانند عذاب نیش عقربی بود که انسان را می‌زند. ۶ در آن روزها مردمان جویای مرگ خواهند بود، اما آن را نخواهند یافت؛ آرزوی مردن خواهند کرد، اما مرگ از آنان خواهد گریخت. ۷ ظاهر ملخ‌ها همچون اسب‌هایی بود که برای نبرد آماده شده‌اند؛ بر سرهایشان چیزی شبیه تاج طلایی بود و صورتشان به چهره انسان‌ها شباهت داشت، ۸ اما موهایشان همچون موی زنان بود و دندان‌هایشان همچون دندان‌های شیر. ۹ آن‌ها سینه‌پوش‌هایی همچون زره آهنین داشتند. صدای بال‌هایشان مانند صدای ارابه‌هایی بود که با اسب‌های بسیار به میدان جنگ می‌تازند. ۱۰ دُم‌ها و نیش‌هایی دارند، همچون دُم و نیش عقرب. اقتدار آن‌ها در دُم‌هایشان است که مردمان را پنج ماه آسیب رسانند. ۱۱ آن‌ها پادشاهی بر خود دارند که همان فرشته چاه بی‌انتهاست. نام او به عبری «آبدون» است، اما به یونانی «آپولیون» نام دارد. ۱۲ یک وای گذشت. بنگر! پس از این‌ها دو وای دیگر در راه است.

۱۳ ثُمَّ بَوَّقَ الْمَلَائِكَةُ السَّادِسُ، فَسَمِعْتُ صَوْتًا وَاحِدًا مِنْ أَرْبَعَةِ قُرُونٍ مَذْبَحِ الذَّهَبِ الَّذِي أَمَامَ اللَّهِ، ۱۴ قَائِلًا لِلْمَلَائِكَةِ السَّادِسِ الَّذِي مَعَهُ الْبُوقُ: «فَكِ الْأَرْبَعَةَ الْمَلَائِكَةَ الْمُقَيَّدِينَ عِنْدَ النَّهْرِ الْعَظِيمِ الْفُرَاتِ». ۱۵ فَأَنفَكَّ الْأَرْبَعَةُ الْمَلَائِكَةُ الْمُعَذُّونَ لِلسَّاعَةِ وَالْيَوْمِ وَالشَّهْرِ وَالسَّنَةِ، لِكَيْ يَقْتُلُوا ثُلُثَ النَّاسِ. ۱۶ وَعَدَدُ جُيُوشِ الْفُرْسَانِ مِثْلًا أَلْفٍ أَلْفٍ وَأَنَا سَمِعْتُ عَدَدَهُمْ. ۱۷ وَهَكَذَا رَأَيْتُ الْخَيْلَ فِي الرُّؤْيَا وَالْجَالِسِينَ عَلَيْهَا، لَهُمْ ذُرُوعٌ نَارِيَّةٌ وَأَسْمَانُجُونِيَّةٌ وَكِبَرِيَّتِيَّةٌ، وَرُؤُوسُ الْخَيْلِ كَرُؤُوسِ الْأُسُودِ، وَمِنْ أَفْوَاهِهَا يَخْرُجُ نَارٌ وَدُخَانٌ وَكِبَرِيَّتٌ. ۱۸ مِنْ هَذِهِ الثَّلَاثَةِ قُتِلَ ثُلُثُ النَّاسِ، مِنَ النَّارِ وَالدُّخَانِ وَالْكَبَرِيَّتِ الْخَارِجَةِ مِنْ أَفْوَاهِهَا، ۱۹ فَإِنَّ سُلْطَانَهَا هُوَ فِي أَفْوَاهِهَا وَفِي أَدْنَابِهَا، لِأَنَّ أَدْنَابَهَا شِبْهُ الْحَيَّاتِ، وَلَهَا رُؤُوسٌ وَبِهَا تَضُرُّ. ۲۰ وَأَمَّا بَقِيَّةُ النَّاسِ الَّذِينَ لَمْ يَقْتُلُوا بِهَذِهِ الضَّرَبَاتِ، فَلَمْ يَتُوبُوا عَنْ أَعْمَالِ أَيْدِيهِمْ، حَتَّى لَا يَسْجُدُوا لِلشَّيَاطِينِ وَأَصْنَامِ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالنَّحَاسِ وَالْخَجَرِ وَالْخَشَبِ الَّتِي لَا تَسْتَطِيعُ أَنْ تُبْصِرَ وَلَا تَسْمَعَ وَلَا تَمْشِيَ، ۲۱ وَلَا تَأْبُوا عَنْ قَتْلِهِمْ وَلَا عَنْ سِحْرِهِمْ وَلَا عَنْ زِنَاهُمْ وَلَا عَنْ سَرْقَتِهِمْ.

۱۳ فرشته ششم در شیپور خود دمید. آنگاه صدایی از چهار شاخ مذبح طلایی که در پیشگاه خداست، شنیدم ۱۴ که به آن فرشته ششم که شیپور داشت، گفت: «آن چهار فرشته را که در کنار رودخانه بزرگ فرات در بندند، رها کن.» ۱۵ پس آن چهار فرشته که برای آن ساعت و روز و برای آن ماه و سال آماده شده بودند، رها شدند تا یک‌سوم مردم را بکشند. ۱۶ شنیدم که شمار سپاهیانِ سواره‌نظام دویست هزار هزار (۴۰۰ هزار نفر) بود. ۱۷ ظاهر اسب‌ها و سواران آن‌ها که در رؤیا دیدم، چنین بود: آن‌ها سینه‌پوش‌هایی به سرخی آتش، به رنگ آبی سنگ زَرگون و به زردی گوگرد، بر تن داشتند. سر اسبان همچون سر شیر بود و از دهانشان آتش و دود و گوگرد بیرون می‌آمد. ۱۸ از این سه بلا، یعنی آتش و دود و گوگرد که از دهان آن‌ها بیرون آمد، یک‌سوم مردم کشته شدند. ۱۹ اقتدار اسبان در دهان و در

دُشمان است؛ زیرا دُشمان همچون ماری است که سر دارد و با آن‌ها آسیب می‌رسانند. ۲۰ باقی مردمان که از این بلایا کشته نشدند، از کارهای دست خود توبه نکردند؛ آنان نه از پرستش دیوها دست کشیدند و نه از پرستش بت‌های طلایی، نقره‌ای، مسی، سنگی و چوبی که نه می‌بینند، نه می‌شنوند و نه راه می‌روند. ۲۱ آنان نه از قتل‌هایشان توبه کردند، نه از توسل به نیروهای غیبی، نه از اعمال نامشروع جنسی و نه از دزدی‌هایشان.

رُویَا یوحنا اللاهوتی : الأصحاح العاشر * ۱۰:۱-۱۱

۱ ثُمَّ رَأَيْتُ مَلَاكًا آخَرَ قَوِيًّا نَازِلًا مِنَ السَّمَاءِ، مُتَسَرِّبًا بِسَحَابَةٍ، وَعَلَى رَأْسِهِ قَوْسٌ قَزَحٌ، وَوَجْهُهُ كَالشَّمْسِ، وَرِجْلَاهُ كَعَمُودَي نَارٍ، ۲ وَمَعَهُ فِي يَدِهِ سِيفٌ صَغِيرٌ مَفْتُوحٌ. فَوَضَعَ رِجْلَهُ الْيُمْنَى عَلَى الْبَحْرِ وَالْيُسْرَى عَلَى الْأَرْضِ، ۳ وَصَرَخَ بِصَوْتٍ عَظِيمٍ كَمَا يُزْمَجِرُ الْأَسَدُ. وَبَعْدَ مَا صَرَخَ تَكَلَّمَتِ الرُّعُودُ السَّبْعَةُ بِأَصْوَاتِهَا. ۴ وَبَعْدَ مَا تَكَلَّمَتِ الرُّعُودُ السَّبْعَةُ بِأَصْوَاتِهَا، كُنْتُ مُزْمِعًا أَنْ أَكْتُبَ، فَسَمِعْتُ صَوْتًا مِنَ السَّمَاءِ قَائِلًا لِي: «اخْتِمِ عَلَى مَا تَكَلَّمَتْ بِهِ الرُّعُودُ السَّبْعَةُ وَلَا تَكْتُبْهُ». ۵ وَالْمَلَاكُ الَّذِي رَأَيْتُهُ وَقَفًا عَلَى الْبَحْرِ وَعَلَى الْأَرْضِ، رَفَعَ يَدَهُ إِلَى السَّمَاءِ، ۶ وَأَقْسَمَ بِالْحَيِّ إِلَى أَبَدِ الْأَبَدِينَ، الَّذِي خَلَقَ السَّمَاءَ وَمَا فِيهَا وَالْأَرْضَ وَمَا فِيهَا وَالْبَحْرَ وَمَا فِيهِ: أَنْ لَا يَكُونَ زَمَانٌ بَعْدُ! ۷ بَلْ فِي أَيَّامِ صَوْتِ الْمَلَاكِ السَّابِعِ مَتَى أَرْمَعَ أَنْ يُبَوِّقَ، يَتِمُّ أَيْضًا سِرُّ اللَّهِ، كَمَا بَشَّرَ عَبِيدَهُ الْأَنْبِيَاءُ. ۸ وَالصَّوْتُ الَّذِي كُنْتُ قَدْ سَمِعْتُهُ مِنَ السَّمَاءِ كَلَّمَنِي أَيْضًا وَقَالَ: «اذهَبْ خُذِ السَّفَرَ الصَّغِيرَ الْمَفْتُوحَ فِي يَدِ الْمَلَاكِ الْوَاقِفِ عَلَى الْبَحْرِ وَعَلَى الْأَرْضِ». ۹ فَذَهَبْتُ إِلَى الْمَلَاكِ قَائِلًا لَهُ: «أَعْطِنِي السَّفَرَ الصَّغِيرَ». فَقَالَ لِي: «خُذْهُ وَكُلْهُ، فَسَيَجْعَلُ جَوْفَكَ مُرًّا، وَلَكِنَّهُ فِي فَمِكَ يَكُونُ حُلُوءًا كَالْعَسَلِ». ۱۰ فَأَخَذْتُ السَّفَرَ الصَّغِيرَ مِنْ يَدِ الْمَلَاكِ وَأَكَلْتُهُ، فَكَانَ فِي فَمِي حُلُوءًا كَالْعَسَلِ. وَبَعْدَ مَا أَكَلْتُهُ صَارَ جَوْفِي مُرًّا. ۱۱ فَقَالَ لِي: «يَجِبُ أَنْكَ تَنْبَأَ أَيْضًا عَلَى شُعُوبٍ وَأُمَمٍ وَالسِّنَةِ وَمُلُوكٍ كَثِيرِينَ».

۱ آنگاه فرشته نیرومند دیگری را دیدم که از آسمان پایین می‌آمد. جامه‌ای از ابر در بر داشت و رنگین‌کمانی بر سرش بود. صورتش همچون خورشید و پاهایش مانند ستون‌هایی از آتش بود. ۲ در دست خود طوماری کوچک داشت که باز شده بود و پای راستش را بر دریا گذاشت و پای چپش را بر زمین. ۳ سپس با صدایی بلند، مانند شیری که می‌غرد، فریادی زد. هنگام فریاد او آن هفت رعد به صدا درآمد، سخن گفتند. ۴ وقتی آن هفت رعد سخن گفتند، می‌خواستم آن را بنویسم که ناگاه صدایی از آسمان شنیدم که گفت: «آنچه هفت رعد گفتند، مخفی نگاه دار و آن‌ها را ننویس.» ۵ در آن هنگام، آن فرشته‌ای که دیدم و بر دریا و زمین ایستاده بود، دست راست خود را به سوی آسمان بلند کرد. ۶ آنگاه به او که همیشه و تا ابد زنده است و آسمان، زمین و دریا و آنچه را که در آن‌هاست آفرید، چنین سوگند خورد:

«دیگر بیش از این تأخیری نخواهد بود، ۷ بلکه در آن روزهایی که فرشته هفتم در شیپور خود بدمد، آن راز مقدس که خدا خبر خوش آن را به غلامان خود انبیا اعلام کرد، قطعاً تحقق خواهد یافت.» ۸ آنگاه بار دیگر، آن صدا از آسمان به گوشم رسید و به من گفت: «برو و طومار باز شده‌ای را که در دست فرشته‌ای است که بر دریا و زمین ایستاده، بگیر.» ۹ پس نزد آن فرشته رفتم و گفتم که طومار کوچک را به من بدهد. او به من گفت: «بگیر و آن را بخور. هنگامی که خوردی شکمت را تلخ خواهد کرد، اما در دهانت به شیرینی عسل خواهد بود.» ۱۰ وقتی طومار کوچک را از دست فرشته گرفتم و خوردم، در دهانم همچون عسل، شیرین بود؛ اما پس از خوردن آن، شکم تلخ شد. ۱۱ آنگاه به من گفتند: «تو باید بار دیگر در مورد قوم‌ها، ملت‌ها، زبان‌ها و پادشاهان بسیار، نبوت کنی.»

رُؤْيَا يُوْحَنَّا اللَّاهُوتِي: الْأَصْحَاحُ الْحَادِي عَشَرَ * ۱۱:۱-۱۹

۱ ثُمَّ أُعْطِيتُ قَصَبَةً شَبِيهَ عَصَا، وَوَقَفَ الْمَلَكُ قَائِلًا لِي: «قُمْ وَقِسْ هَيْكَلَ اللَّهِ وَالْمَذْبَحَ وَالسَّاجِدِينَ فِيهِ. ۲ وَأَمَّا الدَّارُ الَّتِي هِيَ خَارِجُ الْهَيْكَلِ، فَاطْرَحْهَا خَارِجًا وَلَا تَقْسُهَا، لِأَنَّهَا قَدْ أُعْطِيتُ لِلْأَمَمِ، وَسَيَدُوسُونَ الْمَدِينَةَ الْمُقَدَّسَةَ اثْنَيْنِ وَأَرْبَعِينَ شَهْرًا. ۳ وَسَأُعْطِي لِشَاهِدَيَّ، فَيَتَّبَعَانِ أَلْفًا وَمِئَتَيْنِ وَسِتِّينَ يَوْمًا، لَا يَسِينُ مُسُوْحًا». ۴ هَذَانِ هُمَا الزَّيْتُونَتَانِ وَالْمَنَارَتَانِ الْقَائِمَتَانِ أَمَامَ رَبِّ الْأَرْضِ. ۵ وَإِنْ كَانَ أَحَدٌ يُرِيدُ أَنْ يُؤْذِيَهُمَا، تَخْرُجُ نَارٌ مِنْ فَمِهِمَا وَتَأْكُلُ أَغْدَاءَهُمَا. وَإِنْ كَانَ أَحَدٌ يُرِيدُ أَنْ يُؤْذِيَهُمَا، فَهَكَذَا لَا بُدَّ أَنَّهُ يُقْتَلُ. ۶ هَذَانِ لَهُمَا السُّلْطَانُ أَنْ يُغْلِقَا السَّمَاءَ حَتَّى لَا تُمْطَرَ مَطَرًا فِي أَيَّامِ نُبُوَّتِهِمَا، وَلَهُمَا سُلْطَانٌ عَلَى الْمِيَاهِ أَنْ يُحَوِّلَاهَا إِلَى دَمٍ، وَأَنْ يَضْرِبَا الْأَرْضَ بِكُلِّ ضَرْبَةٍ كُلَّمَا أَرَادَا. ۷ وَمَتَى تَمَّ شَهَادَتُهُمَا، فَالْوَحْشُ الصَّاعِدُ مِنَ الْهَوَايَةِ سَيَصْنَعُ مَعَهُمَا حَرْبًا وَيَغْلِبُهُمَا وَيَقْتُلُهُمَا. ۸ وَتَكُونُ جُثَّتَاهُمَا عَلَى شَارِعِ الْمَدِينَةِ الْعَظِيمَةِ الَّتِي تُدْعَى رُوحِيًّا سَدُومَ وَمِصْرَ، حَيْثُ صُلبَ رَبُّنَا أَيْضًا. ۹ وَيَنْظُرُ أَنْاسٌ مِنَ الشُّعُوبِ وَالْقَبَائِلِ وَاللِّسَنَةِ وَالْأَمَمِ جُثَّتَيْهِمَا ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ وَنِصْفًا، وَلَا يَدْعُونَ جُثَّتَيْهِمَا تَوْضَعَانَ فِي قُبُورٍ. ۱۰ وَيَسْمَتُ بِهِمَا السَّاكِنُونَ عَلَى الْأَرْضِ وَيَتَهَلَّلُونَ، وَيُرْسِلُونَ هَدَايَا بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ لِأَنَّ هَذَيْنِ النَّبِيِّينِ كَانَا قَدْ غَذَّيَا السَّاكِنِينَ عَلَى الْأَرْضِ. ۱۱ ثُمَّ بَعْدَ الثَّلَاثَةِ أَيَّامٍ وَالنِّصْفِ، دَخَلَ فِيهِمَا رُوحٌ حَيَاةٍ مِنَ اللَّهِ، فَوَقَفَا عَلَى أَرْجُلَيْهِمَا. وَوَقَعَ خَوْفٌ عَظِيمٌ عَلَى الَّذِينَ كَانُوا يَنْظُرُونَهُمَا. ۱۲ وَسَمِعُوا صَوْتًا عَظِيمًا مِنَ السَّمَاءِ قَائِلًا لَهُمَا: «اصْعَدَا إِلَى هَهُنَا». فَصَعِدَا إِلَى السَّمَاءِ فِي السَّحَابَةِ، وَنَظَرَهُمَا أَغْدَاؤُهُمَا. ۱۳ وَفِي تِلْكَ السَّاعَةِ حَدَثَتْ زَلَزَلَةٌ عَظِيمَةٌ، فَسَقَطَ عَشْرُ الْمَدِينَةِ، وَقُتِلَ بِالزَّلْزَلَةِ أَسْمَاءٌ مِنَ النَّاسِ: سَبْعَةُ آلَافٍ. وَصَارَ الْبَاقُونَ فِي رَعْبَةٍ، وَأَعْطُوا مَجْدًا لِلَّهِ السَّمَاءِ. ۱۴ الْوَيْلُ الثَّانِي مَضَى وَهُوَذَا الْوَيْلُ الثَّلَاثُ يَأْتِي سَرِيعًا.

۱ آنگاه ساقه‌ای از نی که همچون چوب اندازه‌گیری بود به من داده شد، و فرشته‌ای به من گفت: «برخیز و معبد خدا و مذبح را اندازه بگیر و کسانی را که در آنجا پرستش می‌کنند، بشمار. ۲ ولی تو را با

صحن بیرونی معبد کاری نباشد و آن را اندازه مگیر؛ زیرا به قوم‌ها داده شده است. آنان شهر مقدس را چهل و دو ماه لگدمال خواهند کرد. ۳ و من دو شاهد خود را مأمور خواهم ساخت که پلاس در بر، هزار و دویست و شصت روز نبوت کنند. ۴ این دو، همان دو درخت زیتونند و همان دو چراغدان که در حضور خداوند زمین می‌ایستند. ۵ اگر کسی بخواهد آسیبی به آنها برساند، آتش از دهانشان زبانه می‌کشد و دشمنانشان را فرو می‌بلعد. این است طریق مردن هر کس که قصد آزار آنان کند. ۶ آنان قادرند آسمان را ببندند تا در ایام نبوتشان باران نیارد و قادرند آبها را به خون بدل کنند و زمین را هر چند بار که بخواهند به هر بلا مبتلا سازند. ۷ باری، همین که آن دو شهادت خود را یکسره به انجام رسانند، آن وحش که از هاویه بیرون می‌آید، با آنان خواهد جنگید و بر آنان غالب شده، آنان را خواهد کشت. ۸ و اجسادشان در میدان آن شهر بزرگ که به کنایه سدوم و مصر خوانده می‌شود بر زمین خواهد ماند؛ همان شهر که سرورشان نیز در آنجا بر صلیب شد. ۹ تا سه روز و نیم، مردمانی از همه قوم‌ها، طایفه‌ها، زبان‌ها و ملت‌ها بر اجساد آنان خواهند نگریست و اجازه نخواهند داد که اجسادشان دفن شود. ۱۰ ساکنان زمین از بابت مرگ آنان شاد شده، جشن خواهند گرفت و برای یکدیگر هدایا خواهند فرستاد؛ زیرا که آن دو نبی ساکنان زمین را معذب ساخته بودند. ۱۱ بعد از آن سه روز و نیم، روح حیات از جانب خدا بدیشان داخل شد و ایشان بر پا ایستادند و کسانی که آنان را دیدند، بسیار وحشت کردند. ۱۲ آنگاه صدایی بلند از آسمان شنیدند که به آنان گفت: «به اینجا بالا بیایید.» پس در برابر چشمان دشمنانشان در ابری به آسمان بالا رفتند. ۱۳ در آن ساعت، زلزله‌ای عظیم به وقوع پیوست و یک‌دهم شهر فرو ریخت. در آن زلزله هفت هزار نفر کشته شدند و باقی مردم را ترس فرا گرفت و خدای آسمان را جلال دادند. ۱۴ وای دوم گذشت. بنگر! وای سوم به زودی می‌آید.

۱۵ ثُمَّ بَوَّقَ الْمَلَائِكَةُ السَّابِغُ، فَحَدَّثَتْ أَصْوَاتُ عَظِيمَةً فِي السَّمَاءِ قَائِلَةً: «قَدْ صَارَتْ مَمَالِكُ الْعَالَمِ لِرَبَّنَا وَمَسِيحِهِ، فَسَيَمْلِكُ إِلَى أَبَدِ الْأَبَدِينَ». ۱۶ وَالْأَرْبَعَةُ وَالْعِشْرُونَ شَيْخًا الْجَالِسُونَ أَمَامَ اللَّهِ عَلَى عُرُوشِهِمْ، خَرُّوا عَلَى وُجُوهِهِمْ وَسَجَدُوا لِلَّهِ ۱۷ قَائِلِينَ: «نَشْكُرُكَ أَيُّهَا الرَّبُّ إِلَهُ الْقَادِرُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ، الْكَائِنُ وَالَّذِي كَانَ وَالَّذِي يَأْتِي، لَأَنَّكَ أَخَذْتَ قُدْرَتَكَ الْعَظِيمَةَ وَمَلَكَتَ. ۱۸ وَغَضَبْتَ الْأُمَمَ، فَأَتَى غَضَبُكَ وَزَمَانُ الْأُمُوتِ لِيُدْأَنُوا، وَلِنُعْطَى الْأَجْرَةَ لِعَبِيدِكَ الْأَنْبِيَاءِ وَالْقَدِيسِينَ وَالْخَائِفِينَ اسْمَكَ، الصَّغَارِ وَالْكِبَارِ، وَلِيُهْلِكَ الَّذِينَ كَانُوا يُهْلِكُونَ الْأَرْضَ». ۱۹ وَأُنْفَتَحَ هَيْكَلُ اللَّهِ فِي السَّمَاءِ، وَظَهَرَ تَابُوتُ عَهْدِهِ فِي هَيْكَلِهِ، وَحَدَّثَتْ بُرُوقُ وَأَصْوَاتُ وَرَعُودُ وَزَلْزَلَةٌ وَبَرْدٌ عَظِيمٌ.

۱۵ فرشته هفتم در شیپور خود دمید. آنگاه صداهایی بلند در آسمان پیچید که می‌گفت: «پادشاهی دنیا متعلق به خداوند ما و مسیح او شده است و او همیشه و تا ابد در مقام پادشاه سلطنت خواهد کرد.» ۱۶

آنگاه آن بیست و چهار پیر که در پیشگاه خدا بر تخت‌های خود نشسته بودند، روی بر زمین نهادند و خدا را پرستش کردند ۱۷ و گفتند: «ای یهوه خدا، ای قادر مطلق، ای آن که هستی و بودی، از تو سپاسگزاریم؛ زیرا قدرت عظیم خود را به دست گرفته‌ای و در مقام پادشاه سلطنت را آغاز کرده‌ای. ۱۸ قوم‌ها خشمناک شدند و خشم تو نیز برآمد. آنگاه زمان مقرر فرارسید تا مردگان داوری شوند و غلامان انبیا و مقدسان و کسانی که از نام تو می‌ترسند چه کوچک و چه بزرگ پاداش یابند و کسانی که زمین را به نابودی می‌کشند، نابود شوند.» ۱۹ آنگاه معبد خدا در آسمان گشوده شد؛ و صندوق عهد او در درون معبد نمایان گشت؛ ناگهان صاعقه‌های نورانی پدید آمد و صداها و رعداها برخاست و زلزله‌ای و تگرگی عظیم رخ داد.

رُؤْيَا يُوْحَنَّا الْاَلَاهُوتِي : الْأَصْحَاحُ الثَّانِي عَشَرَ * ۱۲:۱-۱۷

۱ وَظَهَرَتْ آيَةُ عَظِيمَةٍ فِي السَّمَاءِ: امْرَأَةٌ مُتَسَرِّبِلَةٌ بِالسَّمْسِ، وَالْقَمَرُ تَحْتَ رِجْلَيْهَا، وَعَلَى رَأْسِهَا إِكْلِيلٌ مِنْ اثْنَيْ عَشَرَ كَوْكَبًا، ۲ وَهِيَ حُبْلَى تَصْرُخُ مُتَمَخِّضَةً وَمُتَوَجِّعَةً لِتِلْدٍ. ۳ وَظَهَرَتْ آيَةُ أُخْرَى فِي السَّمَاءِ: هُوَذَا ثَنَيْنٌ عَظِيمٌ أَحْمَرٌ، لَهُ سَبْعَةُ رُؤُوسٍ وَعَشْرَةُ قُرُونٍ، وَعَلَى رُؤُوسِهِ سَبْعَةُ تِيْجَانٍ. ۴ وَذَنْبُهُ يَجْرُ ثُلُثُ نَجُومِ السَّمَاءِ فَطَرَحَهَا إِلَى الْأَرْضِ. وَالثَّنَيْنُ وَقَفَ أَمَامَ الْمَرْأَةِ الْعَتِيدَةِ أَنْ تِلِدَ، حَتَّى يَبْتَلَعَ وَلَدَهَا مَتَى وَلَدَتْ. ۵ فَوَلَدَتْ ابْنًا ذَكَرًا عَتِيدًا أَنْ يَرْعَى جَمِيعَ الْأُمَمِ بَعْصًا مِنْ حَدِيدٍ. وَاخْتُطِفَ وَلَدُهَا إِلَى اللَّهِ وَإِلَى عَرْشِهِ، ۶ وَالْمَرْأَةُ هَرَبَتْ إِلَى الْبَرِّيَّةِ، حَيْثُ لَهَا مَوْضِعٌ مُعَدٌّ مِنَ اللَّهِ لِكَيْ يَعْوُلُوهَا هُنَاكَ أَلْفًا وَمِئَتَيْنِ وَسِتِّينَ يَوْمًا. ۷ وَحَدَّثَتْ حَرْبٌ فِي السَّمَاءِ: مِيخَائِيلُ وَمَلَائِكَتُهُ حَارَبُوا الثَّنَيْنِ، وَحَارَبَ الثَّنَيْنُ وَمَلَائِكَتُهُ ۸ وَلَمْ يَقْوُوا، فَلَمْ يُوجَدْ مَكَانُهُمْ بَعْدَ ذَلِكَ فِي السَّمَاءِ. ۹ فَطَرَحَ الثَّنَيْنُ الْعَظِيمُ، الْحَيَّةُ الْقَدِيمَةُ الْمَدْعُوُّ إِبْلِيسَ وَالشَّيْطَانُ، الَّذِي يُضِلُّ الْعَالَمَ كُلَّهُ، طَرِحَ إِلَى الْأَرْضِ، وَطَرِحَتْ مَعَهُ مَلَائِكَتُهُ. ۱۰ وَسَمِعْتُ صَوْتًا عَظِيمًا قَائِلًا فِي السَّمَاءِ: «الآن صَارَ خَلَاصُ الْهِنَا وَقُدْرَتُهُ وَمُلْكُهُ وَسُلْطَانُ مَسِيحِهِ، لِأَنَّهُ قَدْ طَرِحَ الْمُشْتَكِي عَلَى إِخْوَتِنَا، الَّذِي كَانَ يَشْتَكِي عَلَيْهِمْ أَمَامَ الْهِنَا نَهَارًا وَلَيْلًا. ۱۱ وَهُمْ غَلَبُوهُ بِدَمِ الْخُرُوفِ وَبِكَلِمَةِ شَهَادَتِهِمْ، وَلَمْ يُجِبُوا حَيَاتَهُمْ حَتَّى الْمَوْتِ. ۱۲ مِنْ أَجْلِ هَذَا، أَفْرَجِي أَيْتُهَا السَّمَاوَاتُ وَالسَّائِكُونَ فِيهَا. وَئِلْ لِسَاكِنِي الْأَرْضِ وَالْبَحْرِ، لِأَنَّ إِبْلِيسَ نَزَلَ إِلَيْكُمْ وَبِهِ غَضَبٌ عَظِيمٌ! عَالِمًا أَنْ لَهُ زَمَانًا قَلِيلًا».

۱ آنگاه نشانه‌ای بزرگ در آسمان دیده شد: زنی که خورشید را بر تن داشت، ماه زیر پاهایش بود و تاجی از ۱۲ ستاره بر سر داشت. ۲ آن زن آبستن بود و از درد و عذاب زایمان فریاد می‌کشید. ۳ نشانه‌ای دیگر در آسمان دیده شد. بنگر! ازدهایی بزرگ به رنگ سرخ آتشین ظاهر شد که هفت سر، ده شاخ و هفت تاج بر سرهایش داشت. ۴ دمش یک‌سوم ستارگان آسمان را کشید و به زمین افکند. ازدها در برابر زنی که به‌زودی می‌زاید ایستاده بود، تا وقتی که زاید فرزندش را ببلعد. ۵ آن زن فرزندی مذکر، آری

پسری به دنیا آورد؛ کسی که همه قوم‌ها را با عصای آهنین شبانی خواهد کرد. همان دم فرزندش نزد خدا و تخت او برده شد ۶ و زن به بیابان فرار کرد، به جایی که خدا برای او آماده کرده بود. در آنجا ۱۲۶۰ روز او را خوراک می‌دادند. ۷ در آسمان جنگی در گرفت: میکائیل و فرشتگانش با اژدها جنگیدند و اژدها و فرشتگانش با آنان به نبرد پرداختند، ۸ اما شکست خوردند و دیگر در آسمان جایی برای او و فرشتگانش نبود. ۹ پس آن اژدهای بزرگ به پایین افکنده شد؛ یعنی همان مار کهن که ابلیس و شیطان خوانده می‌شود و تمام ساکنان زمین را گمراه می‌کند. او به همراه فرشتگانش به زمین افکنده شد. ۱۰ آنگاه صدایی بلند از آسمان شنیدم که گفت: «حال، زمان نجات از سوی خدای ما و قدرت و پادشاهی او و زمان اقتدار مسیح او فرارسیده است؛ زیرا متهم کننده برادرانمان، یعنی کسی که روز و شب آنان را در پیشگاه خدایمان متهم می‌کند، به پایین افکنده شده است! ۱۱ آنان با خون آن برّه و کلام شهادتشان، بر او غالب آمدند و از این که جانشان را از دست دهند، ترسی نداشتند. ۱۲ پس ای آسمان‌ها و ساکنان آن‌ها شاد باشید! اما وای بر زمین و دریا؛ زیرا ابلیس نزد شما پایین آمده و بسیار خشمگین است، چون می‌داند که زمانی اندک دارد.»

۱۳ وَلَمَّا رَأَى التَّنِّينُ أَنَّهُ طُرِحَ إِلَى الْأَرْضِ، اضْطَهَدَ الْمَرْأَةُ الَّتِي وَلَدَتْ الْابْنَ الذَّكَرَ، ۱۴ فَأُعْطِيَتْ الْمَرْأَةُ جَنَاحِي النَّسْرِ الْعَظِيمِ لِكَيْ تَطِيرَ إِلَى الْبَرِّيَّةِ إِلَى مَوْضِعِهَا، حَيْثُ تُعَالُ زَمَانًا وَزَمَانَيْنِ وَتَصِفَ زَمَانٍ، مِنْ وَجْهِ الْحَيَّةِ. ۱۵ فَأَلْقَتِ الْحَيَّةُ مِنْ فَمِهَا وَرَاءَ الْمَرْأَةِ مَاءَ كَنْهَرٍ لِيَجْعَلَهَا تُحْمَلُ بِالنَّهْرِ. ۱۶ فَأَعَانَتِ الْأَرْضُ الْمَرْأَةَ، وَفَتَحَتِ الْأَرْضُ فَمَهَا وَابْتَلَعَتِ النَّهْرَ الَّذِي أَلْقَاهُ التَّنِّينُ مِنْ فَمِهِ. ۱۷ فَغَضِبَ التَّنِّينُ عَلَى الْمَرْأَةِ، وَذَهَبَ لِيَصْنَعَ حَرْبًا مَعَ بَاقِي نَسْلِهَا الَّذِينَ يَحْفَظُونَ وَصَايَا اللَّهِ، وَعِنْدَهُمْ شَهَادَةُ يَسُوعَ الْمَسِيحِ.

۱۳ هنگامی که اژدها دید به زمین افکنده شده است، آن زن را که فرزند مذکر به دنیا آورده بود، مورد آزار قرار داد. ۱۴ اما به آن زن دو بال عقاب بزرگ داده شد تا بتواند به بیابان به مکان خود پرواز کند. در آنجا، دور از آن مار، برای یک زمان و زمان‌ها و نصف زمان به او خوراک داده خواهد شد. ۱۵ مار از دهان خود آبی همچون رودخانه بیرون ریخت تا در پی آن زن روان شده، در سیلاب غرقش کند. ۱۶ اما زمین به یاری آن زن آمد و دهان خود را گشود و آن رودخانه را که اژدها از دهان خود بیرون ریخته بود، بلعید. ۱۷ آنگاه اژدها بر زن غضب نمود و رفت تا با باقی ماندگان نسل او که وصایای خدا را به جا می‌آورند و کار شهادت در مورد عیسی را بر عهده دارند، بجنگد.

رُؤْيَا يُوْحَنَّا اللَّاهُوتِي : الْأَصْحَاحُ الثَّلَاثُ عَشَرَ * ۱۳:۱-۱۸

۱ ثُمَّ وَقَفْتُ عَلَى رَمْلِ الْبَحْرِ، فَرَأَيْتُ وَخْشًا طَالِعًا مِنَ الْبَحْرِ لَهُ سَبْعَةُ رُؤُوسٍ وَعَشْرَةُ قُرُونٍ، وَعَلَى قُرُونِهِ عَشْرَةُ تَيْجَانٍ، وَعَلَى رُؤُوسِهِ اسْمٌ تَجْدِيفٍ. ۲ وَالْوَخْشُ الَّذِي رَأَيْتُهُ كَانَ شِبْهَ نَمِرٍ، وَقَوَائِمُهُ كَقَوَائِمِ دُبٍّ، وَفَمُهُ كَفَمِ أَسَدٍ. وَأَعْطَاهُ التَّنِينَ قُدْرَتَهُ وَعَرْشَهُ وَسُلْطَانًا عَظِيمًا. ۳ وَرَأَيْتُ وَاحِدًا مِنَ رُؤُوسِهِ كَأَنَّهُ مَذْبُوحٌ لِلْمَوْتِ، وَجُرْحُهُ الْمُمِيتُ قَدْ شَفِيَ. وَتَعَجَّبْتُ كُلُّ الْأَرْضِ وَرَاءَ الْوَخْشِ، ۴ وَسَجَدُوا لِلتَّنِينَ الَّذِي أُعْطِيَ السُّلْطَانَ لِلْوَخْشِ، وَسَجَدُوا لِلْوَخْشِ قَائِلِينَ: «مَنْ هُوَ مِثْلُ الْوَخْشِ؟ مَنْ يَسْتَطِيعُ أَنْ يُحَارِبَهُ؟» ۵ وَأُعْطِيَ فَمًا يَتَكَلَّمُ بِعَظَائِمِ وَتَجْدِيفٍ، وَأُعْطِيَ سُلْطَانًا أَنْ يَفْعَلَ أَثْنَيْنِ وَأَرْبَعِينَ شَهْرًا. ۶ فَفَتَحَ فَمَهُ بِالتَّجْدِيفِ عَلَى اللَّهِ، لِيُجَدِّفَ عَلَى اسْمِهِ، وَعَلَى مَسْكَنِهِ، وَعَلَى السَّاكِنِينَ فِي السَّمَاءِ. ۷ وَأُعْطِيَ أَنْ يَصْنَعَ حَرْبًا مَعَ الْقِدِّيْسِينَ وَيَغْلِبَهُمْ، وَأُعْطِيَ سُلْطَانًا عَلَى كُلِّ قَبِيلَةٍ وَلِسَانٍ وَأُمَّةٍ. ۸ فَسَيَسْجُدُ لَهُ جَمِيعُ السَّاكِنِينَ عَلَى الْأَرْضِ، الَّذِينَ لَيْسَتْ أَسْمَاؤُهُمْ مَكْتُوبَةٌ مِنْذُ تَأْسِيسِ الْعَالَمِ فِي سِفْرِ حَيَاةِ الْخُرُوفِ الَّذِي ذُبِحَ. ۹ مَنْ لَهُ أُذُنٌ فَلْيَسْمَعْ! ۱۰ إِنْ كَانَ أَحَدٌ يَجْمَعُ سَبْيًا، فَإِلَى السَّبْيِ يَذْهَبُ. وَإِنْ كَانَ أَحَدٌ يَقْتُلُ بِالسَّيْفِ، فَيَنْجِي أَنْ يُقْتَلَ بِالسَّيْفِ. هُنَا صَبْرُ الْقِدِّيْسِينَ وَإِيمَانُهُمْ.

۱ سپس بر شن‌های دریا بی حرکت ایستادم، آنگاه دیدم وحشی از دریا بالا آمد که ده شاخ و هفت سر داشت و بر شاخ‌هایش ده تاج بود، اما بر سرهایش نام‌های کفرآمیز نوشته شده بود. ۲ وحشی که دیدم همچون پلنگ بود، اما پاهایی مانند پاهای خرس و دهانی همچون دهان شیر داشت. ازدها قدرت خود و تخت خود را به وحش داد و اقتداری عظیم به آن بخشید. ۳ دیدم که به یکی از سرهای آن وحش، ظاهراً ضربه‌ای کشنده وارد شده بود، اما از آن زخم کشنده، شفا یافته بود. تمام مردم زمین آن وحش را تمجیدکنان پیروی می‌کردند. ۴ آنان ازدها را پرستش نمودند؛ زیرا به وحش اقتدار بخشید. همچنین مردم، وحش را با این سخنان پرستش کردند: «چه کسی همچون وحش است و کیست که می‌تواند با آن نبرد کند؟» ۵ به آن وحش دهانی داده شد تا سخنان متکبرانه و کفرآمیز بگوید و اقتدار داده شد تا برای ۴۲ ماه، اعمال قدرت کند. ۶ وحش دهان خود را با سخنان کفرآمیز علیه خدا گشود و به نام او، به مسکن او و حتی به ساکنان آسمان کفر گفت. ۷ آن وحش اجازه یافت تا با مقدسان بجنگد و بر آنان غلبه کند. همچنین اقتدار بر هر طایفه، قوم، زبان و ملت به آن داده شد. ۸ همه ساکنان زمین آن را پرستش خواهند کرد؛ یعنی تمام کسانی که نامشان از آغاز دنیا در دفتر حیات آن بره که ذبح شده بود، نوشته نشده است. ۹ آن که گوش شنوا دارد، بشنود. ۱۰ اگر قرار است کسی به اسارت رود، به اسارت خواهد رفت. اگر کسی با شمشیر بکشد، باید با شمشیر کشته شود. این برای مقدسان مستلزم پایداری و ایمان است.

۱۱ ثُمَّ رَأَيْتُ وَخْشًا آخَرَ طَالِعًا مِنَ الْأَرْضِ، وَكَانَ لَهُ قَرْنَانِ شِبْهَ خُرُوفٍ، وَكَانَ يَتَكَلَّمُ كَتَنِينَ، ۱۲ وَيَعْمَلُ بِكُلِّ سُلْطَانَ الْوَخْشِ الْأَوَّلِ أَمَامَهُ، وَيَجْعَلُ الْأَرْضَ وَالسَّاكِنِينَ فِيهَا يَسْجُدُونَ لِلْوَخْشِ الْأَوَّلِ الَّذِي شَفِيَ جُرْحُهُ

الْمُمِيتُ، ١٣ وَيَصْنَعُ آيَاتٍ عَظِيمَةً، حَتَّى إِنَّهُ يَجْعَلُ نَارًا تَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ عَلَى الْأَرْضِ قُدَّامَ النَّاسِ، ١٤ وَيُضِلُّ السَّاكِنِينَ عَلَى الْأَرْضِ بِالْآيَاتِ الَّتِي أُعْطِيَ أَنْ يَصْنَعَهَا أَمَامَ الْوَحْشِ، فَإِنَّهَا لِلْسَّاكِنِينَ عَلَى الْأَرْضِ أَنْ يَصْنَعُوا صُورَةً لِلْوَحْشِ الَّذِي كَانَ بِهِ جُرْحُ السَّيْفِ وَعَاشَ، ١٥ وَأُعْطِيَ أَنْ يُعْطِيَ رُوحًا لِصُورَةِ الْوَحْشِ، حَتَّى تَتَكَلَّمَ صُورَةُ الْوَحْشِ، وَيَجْعَلَ جَمِيعَ الَّذِينَ لَا يَسْجُدُونَ لِصُورَةِ الْوَحْشِ يُقْتَلُونَ. ١٦ وَيَجْعَلَ الْجَمِيعَ: الصَّغَارَ وَالْكِبَارَ، وَالْأَغْنِيَاءَ وَالْفُقَرَاءَ، وَالْأَخْرَارَ وَالْعَبِيدَ، تُصْنَعُ لَهُمْ سِمَةٌ عَلَى يَدِهِمِ الْيُمْنَى أَوْ عَلَى جَبْهَتِهِمْ، ١٧ وَأَنْ لَا يَقْدِرَ أَحَدٌ أَنْ يَشْتَرِيَ أَوْ يَبِيعَ، إِلَّا مَنْ لَهُ السَّمَةُ أَوْ اسْمُ الْوَحْشِ أَوْ عَدَدُ اسْمِهِ. ١٨ هُنَا الْحِكْمَةُ! مَنْ لَهُ فَهْمٌ فَلْيَحْسُبْ عَدَدَ الْوَحْشِ، فَإِنَّهُ عَدَدُ إِنْسَانٍ، وَعَدَدُهُ: سِتُّمِئَةٍ وَسِتَّةٌ وَسِتُّونَ.

۱۱ آنگاه وحشی دیگر دیدم که از زمین سر برآورد و دو شاخ همچون شاخ‌های بره داشت، اما مانند ازدها شروع به سخن گفتن کرد. ۱۲ این وحش تحت نظارت وحش اول و با تمام اقتداری که از طرف او دارد، اعمال قدرت می‌کند. همچنین زمین و ساکنان آن را به پرستش وحش اول که از زخم کشنده‌اش شفا یافته بود، وامی‌دارد. ۱۳ علاوه بر آن، نشانه‌هایی عظیم به ظهور می‌رساند و حتی در مقابل چشمان انسان‌ها آتش از آسمان بر زمین فرود می‌آورد. ۱۴ آن وحش ساکنان زمین را گمراه می‌کند؛ زیرا اجازه یافته بود که نشانه‌هایی تحت نظارت وحش اول به ظهور برساند. در همین حال به ساکنان زمین می‌گوید که مجسمه‌ای از آن وحش اول بسازند که زخم شمشیر خورده، اما احیا شده بود، ۱۵ به وحش دوم اجازه داده شد که در مجسمه وحش اول حیات بدمد تا آن مجسمه هم سخن بگوید و هم باعث کشته شدن کسانی شود که از پرستش مجسمه وحش سر باز می‌زنند. ۱۶ همچنین همه کس را از کوچک و بزرگ، ثروتمند و فقیر، غلام و آزاد مجبور می‌کند که بر دست راست یا پیشانی‌شان علامت گذاشته شود ۱۷ تا هیچ کس نتواند خرید و فروش کند، مگر کسی که آن علامت، یعنی نام یا عدد نام آن وحش را داشته باشد. ۱۸ این مستلزم حکمت است. بگذار کسی که بینش دارد عدد وحش را محاسبه کند؛ زیرا عدد انسان است و عدد آن ۶۶۶ است.^۴

^۴ سید احمد الحسن (ع) در کتاب حواری سیزدهم می‌فرماید: «أَنَّ الْعِدَدَ مُخْتَلَفٌ فِيهِ؛ لِأَنَّ هُنَاكَ نَسَخَتَيْنِ أَحَدَهُمَا فِيهِمَا الْعِدَدُ "٦٦٦"، وَالْأُخْرَى الْعِدَدُ فِيهِمَا "٦١٦"». علاء السالم از انصار امام مهدی در تعلیق این عبارت می‌نویسد: استادان دانشگاه آکسفورد توانسته‌اند به کمک تصاویر پیشرفته برخی از نوشته‌های خطی کتاب رویای یوحنا را بخوانند، و آن همان پاپیروس شماره ۱۱۵ (P115) است که در اوکسیرینخوس یا (بهنسا) کشف شد، و این قطعه به نیمه‌ی قرن سوم می‌رسد و در آن عدد وحش (٦١٦) (XLC) با استعمال (L) به جای (٦) همچون بسیاری از نوشته‌های خطی دیگر آمده است. ودیوید پارکر استاد کتاب‌شناسی و نقد متون عهد جدید در دانشگاه پیرمنگهام اعتقاد دارد علی‌رقم اینکه عدد (٦٦٦) برای یادآوری آسان‌تر است اما عدد ٦١٦ همان عدد اصلی است، او می‌گوید: «با این که دانشمندان این موضوع را بسیار مورد کنکاش قرار دادند، ولی اختلاف در آن دیده می‌شود، و اکنون پیداست که عدد ٦١٦، همان عدد اصلی برای وحش است، و آن ارجح‌تر است چرا که نوشته‌ی خطی تقریباً قبل از صد سال از نسخ خطی دیگر بوده است.»

رُؤْيَا يُوْحَنَّا اللَّاهُوتِي : الْأَصْحَاحُ الرَّابِعُ عَشَرَ * ۱۴:۱-۲۰

۱ ثُمَّ نَظَرْتُ وَإِذَا خُرُوفٌ وَقِفُ عَلَى جَبَلٍ صِهْيُونَ، وَمَعَهُ مِئَةٌ وَأَرْبَعَةٌ وَأَرْبَعُونَ أَلْفًا، لَهُمْ اسْمُ أَبِيهِ مَكْتُوبًا عَلَى جِبَاهِهِمْ. ۲ وَسَمِعْتُ صَوْتًا مِنَ السَّمَاءِ كَصَوْتِ مِيَاهٍ كَثِيرَةٍ وَكَصَوْتِ رَعْدٍ عَظِيمٍ. وَسَمِعْتُ صَوْتًا كَصَوْتِ ضَارِبِينَ بِالْقِيثَارَةِ يَضْرِبُونَ بِقِيثَارَاتِهِمْ، ۳ وَهُمْ يَتَرَنَّمُونَ كَتَرْنِيمَةً جَدِيدَةً أَمَامَ الْعَرْشِ وَأَمَامَ الْأَرْبَعَةِ الْحَيَوَانَاتِ وَالشُّيُوخِ. وَلَمْ يَسْتَطِعْ أَحَدٌ أَنْ يَتَعَلَّمَ التَّرْنِيمَةَ إِلَّا الْمِئَةُ وَالْأَرْبَعَةُ وَالْأَرْبَعُونَ أَلْفًا الَّذِينَ اشْتَرَوْا مِنَ الْأَرْضِ. ۴ هَؤُلَاءِ هُمُ الَّذِينَ لَمْ يَتَنَجَّسُوا مَعَ النِّسَاءِ لِأَنَّهُمْ أَطْهَارُ. هَؤُلَاءِ هُمُ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الْخُرُوفَ حَيْثُمَا ذَهَبَ. هَؤُلَاءِ اشْتَرَوْا مِنْ بَيْنِ النَّاسِ بَاكُورَةً لِلَّهِ وَلِلْخُرُوفِ. ۵ وَفِي أَفْوَاهِهِمْ لَمْ يُوجَدْ غِشٌّ، لِأَنَّهُمْ بَلَ غَيْبٍ قُدَّامَ عَرْشِ اللَّهِ. ۶ ثُمَّ رَأَيْتُ مَلَكَ آخَرَ طَائِرًا فِي وَسْطِ السَّمَاءِ مَعَهُ بَشَارَةٌ أَبَدِيَّةٌ، لِيُبَشِّرَ السَّاكِنِينَ عَلَى الْأَرْضِ وَكُلَّ أُمَّةٍ وَقَبِيلَةٍ وَلِسَانٍ وَشَعْبٍ، ۷ قَائِلًا بِصَوْتٍ عَظِيمٍ: «خَافُوا اللَّهَ وَأَعْطُوهُ مَجْدًا، لِأَنَّهُ قَدْ جَاءَتْ سَاعَةٌ دَيْئُونَتِهِ، وَاسْجُدُوا لِصَانِعِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَالْبَحْرِ وَتَيَابِيعِ الْمِيَاهِ».

۱ آنگاه نظر کردم و بره را دیدم که بر کوه صهیون ایستاده است و ۱۴۴،۰۰۰ نفر همراه او هستند که نام او و نام پدر او بر پیشانی‌شان نوشته شده است. ۲ و صدایی از آسمان شنیدم پرخروش چون آبهای پرشتاب؛ و غران چون رعد؛ آن صدا که شنیدم به صدای چنگ‌نوازان می‌مانست آنگاه که چنگ بنوازند. ۳ و سرودی تازه سر دادند در پیشگاه آن تخت و در حضور آن چهار موجود زنده و آن پیران. و آن سرود را هیچ کس نتوانست بیاموزد، مگر آن یکصد و چهل و چهار هزار تن که از میان زمینیان خریده شده بودند. ۴ اینان همان کسانی که خود را آلوده زنان نساختند، زیرا که باکره‌اند. اینان راه بره را دنبال می‌کنند هر کجا که برود. اینان از میان آدمیان خریده شدند و به عنوان نوبر بر خدا و بره عرضه شدند. ۵ هیچ دروغی در دهانشان یافت نشد. چرا که در برابر عرش الهی بری از هر عینند. ۶ فرشته‌ای دیگر دیدم که در دل آسمان پرواز می‌کرد و بشارتی جاودان داشت تا آن را به ساکنان زمین، از هر ملت و طایفه و زبان و قوم اعلام کند. ۷ او با صدای بلند می‌گفت: «از خدا بترسید و او را جلال دهید؛ زیرا ساعت داوری او فرا رسیده است. پس او را پرستید؛ او را که آسمان، زمین، دریا و چشمه‌های آب را آفرید.»

۸ ثُمَّ تَبِعَهُ مَلَكَ آخَرُ قَائِلًا: «سَقَطَتْ! سَقَطَتْ بَابِلُ الْمَدِينَةِ الْعَظِيمَةُ، لِأَنَّهَا سَقَتْ جَمِيعَ الْأُمَمِ مِنْ خَمْرِ غَضَبِ زَنَاهَا!». ۹ ثُمَّ تَبِعَهُمَا مَلَكَ ثَالِثٌ قَائِلًا بِصَوْتٍ عَظِيمٍ: «إِنْ كَانَ أَحَدٌ يَسْجُدُ لِلْوَحْشِ وَلِصُورَتِهِ، وَيَقْبَلُ سِمَتَهُ عَلَى جَبْهَتِهِ أَوْ عَلَى يَدِهِ، ۱۰ فَهُوَ أَيْضًا سَيَشْرَبُ مِنْ خَمْرِ غَضَبِ اللَّهِ، الْمَصْبُوبِ صِرْفًا فِي كَأْسِ غَضَبِهِ، وَيُعَذَّبُ بِنَارٍ وَكِبْرِيتِ أَمَامِ الْمَلَائِكَةِ الْقَدِيسِينَ وَأَمَامَ الْخُرُوفِ. ۱۱ وَيَصْعَدُ دُخَانُ عَذَابِهِمْ إِلَى أَبَدِ الْأَبَدِينَ. وَلَا تَكُونُ رَاحَةٌ نَهَارًا وَلَيْلًا لِلَّذِينَ يَسْجُدُونَ لِلْوَحْشِ وَلِصُورَتِهِ وَلِكُلِّ مَنْ يَقْبَلُ سِمَةَ اسْمِهِ». ۱۲ هُنَا صَبْرُ

الْقِدَّيْسِينَ. هُنَا الَّذِينَ يَحْفَظُونَ وَصَايَا اللَّهِ وَإِيمَانَ يَسُوعَ. ١٣ وَسَمِعْتُ صَوْتًا مِنَ السَّمَاءِ قَائِلًا لِي: «اُكْتُبْ: طُوبَى لِلْأَمْوَاتِ الَّذِينَ يَمُوتُونَ فِي الرَّبِّ مُنْذُ الْآنَ». «نَعَمْ» يَقُولُ الرُّوحُ: «لِكَيْ يَسْتَرِيحُوا مِنْ أَتْعَابِهِمْ، وَأَعْمَالِهِمْ تَتَّبِعُهُمْ». ١٤ ثُمَّ نَظَرْتُ وَإِذَا سَحَابَةٌ بَيَضاءُ، وَعَلَى السَّحَابَةِ جَالِسٌ شَبَهُ ابْنِ إِنْسَانٍ، لَهُ عَلَى رَأْسِهِ إِكْلِيلٌ مِنْ ذَهَبٍ، وَفِي يَدِهِ مِئْجَلٌ خَاضٌ. ١٥ وَخَرَجَ مَلَكٌ آخَرُ مِنَ الْهَيْكَلِ، يَصْرُخُ بِصَوْتٍ عَظِيمٍ إِلَى الْجَالِسِ عَلَى السَّحَابَةِ: «أَرْسِلْ مِئْجَلَكَ وَأُخْصِدْ، لِأَنَّهُ قَدْ جَاءَتِ السَّاعَةُ لِلْخَصَادِ، إِذْ قَدْ يَبِسَ حَصِيدُ الْأَرْضِ». ١٦ فَالْقَى الْجَالِسُ عَلَى السَّحَابَةِ مِئْجَلَهُ عَلَى الْأَرْضِ، فَخَصِدَتِ الْأَرْضُ. ١٧ ثُمَّ خَرَجَ مَلَكٌ آخَرُ مِنَ الْهَيْكَلِ الَّذِي فِي السَّمَاءِ، مَعَهُ أَيْضًا مِئْجَلٌ خَاضٌ.

۸ فرشته دومی به دنبال او آمد و گفت: «سقوط کرده است! بابل بزرگ سقوط کرده است، آن که تمام ملت‌ها را واداشت تا از شراب شهوت و از شراب زناکاری او بنوشند!» ۹ فرشته سومی به دنبال آن دو آمد و با صدای بلند گفت: «اگر کسی وحش و مجسمه آن را پرستد و بر پیشانی یا دست او علامتی گذاشته شود، ۱۰ او نیز از شراب خشم خدا خواهد نوشید؛ یعنی شراب رقیق‌نشده که در جام غضب خدا ریخته شده است. او در برابر چشمان فرشتگان مقدس و بره با آتش و گوگرد عذاب داده خواهد شد ۱۱ و از آتشی که آنان را عذاب می‌دهد، همیشه و تا ابد دود برمی‌خیزد. کسی که وحش و مجسمه‌اش را می‌پرستد و کسی که علامت نام آن بر او گذاشته می‌شود، روز و شب آرامی نخواهد داشت. ۱۲ در اینجاست که مقدسان باید پایداری کنند؛ کسانی که وصایای خدا را حفظ می‌کنند و در ایمان به عیسی استوارند.» ۱۳ سپس صدایی از آسمان شنیدم که گفت: «بنویس: خوشا به حال مردگانی که از این پس در اتحاد با سرور می‌میرند.» و روح گفت: «آری آنان از رنج خود خواهند رست، زیرا که اعمالشان از پی آنها خواهد آمد!» ۱۴ آنگاه نگاه کردم و ابری سفید دیدم که کسی شبیه به پسر انسان بر آن نشسته بود و تاجی طلایی بر سر و داسی تیز در دست داشت. ۱۵ فرشته‌ای دیگر از مکان مقدس معبد بیرون آمد و با صدای بلند خطاب به آن کس که بر ابر نشسته بود، گفت: «داس خود را به کار گیر و محصول را درو کن؛ زیرا ساعت آن رسیده است که محصول درو شود و محصول زمین کاملاً رسیده است.» ۱۶ آنگاه او که بر ابر نشسته بود داسش را در زمین فرو برد و محصول زمین درو شد. ۱۷ همچنین فرشته‌ای دیگر از مکان مقدس معبد که در آسمان است، بیرون آمد. او نیز داسی تیز در دست داشت.

١٨ وَخَرَجَ مَلَكٌ آخَرُ مِنَ الْمَذْبَحِ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى النَّارِ، وَصَرَخَ صُرَاخًا عَظِيمًا إِلَى الَّذِي مَعَهُ الْمِئْجَلُ الْخَاضُ، قَائِلًا: «أَرْسِلْ مِئْجَلَكَ الْخَاضَ وَاقْطِفْ عَنَاقِيدَ كَرَمِ الْأَرْضِ، لِأَنَّ عِنَبَهَا قَدْ نَضِجَ». ١٩ فَالْقَى الْمَلَكُ مِئْجَلَهُ إِلَى الْأَرْضِ وَقَطَفَ كَرَمَ الْأَرْضِ، فَالْقَاهُ إِلَى مَعْصَرَةٍ غَضَبِ اللَّهِ الْعَظِيمَةِ. ٢٠ وَدَيْسَتِ الْمَعْصَرَةُ خَارِجَ الْمَدِينَةِ، فَخَرَجَ دَمٌ مِنَ الْمَعْصَرَةِ حَتَّى إِلَى لُجْمِ الْخَيْلِ، مَسَافَةً أَلْفٍ وَسِتِّمِئَةٍ غَلْوَةٍ.

۱۸ فرشته‌ای دیگر نیز از مذبح بیرون آمد که بر آتش اقتدار داشت. او با صدای بلند به آن فرشته‌ای که داسی تیز در دست داشت، گفت: «داس تیز خود را بردار و خوشه‌های انگور را از تاک زمین جمع کن؛ زیرا انگورهایش رسیده است.» ۱۹ آنگاه آن فرشته، داس خود را در زمین فرو برد و تاک زمین و انگورهای آن را جمع کرد و آن‌ها را در چَرخُشتِ بزرگ خشم خدا ریخت. ۲۰ انگورها را بیرون شهر در چَرخُشتِ لگدکوب کردند و از آن چَرخُشت، رودی از خون بیرون آمد که طولش حدود ۳۰۰ کیلومتر بود و ارتفاع آن تا به افسار اسب‌ها می‌رسید.

رُؤْيَا يُوْحَنَّا الْاَلْهُوتِي : الْأَصْحَاحُ الْخَامِسُ عَشَرَ * ۱۵:۱-۸

۱ ثُمَّ رَأَيْتُ آيَةً أُخْرَى فِي السَّمَاءِ عَظِيمَةً وَعَجِيبَةً: سَبْعَةُ مَلَائِكَةٍ مَعَهُمُ السَّبْعُ الضَّرْبَاتُ الْآخِرَةُ، لِأَنَّ بِهِمَا اكْمَلَ غَضَبُ اللَّهِ. ۲ وَرَأَيْتُ كَبْخَرٍ مِنْ زُجَاجٍ مُخْتَلِطٍ بِنَارٍ، وَالْعَالِيَيْنَ عَلَى الْوَحْشِ وَصُورَتِهِ وَعَلَى سِمَتِهِ وَعَدَدِ اسْمِهِ، وَاقِفِينَ عَلَى الْبَحْرِ الزُّجَاجِيِّ، مَعَهُمْ قِيَارَاتُ اللَّهِ، ۳ وَهُمْ يَرْتَلُونَ تَرْنِيمَةَ مُوسَى عَبْدِ اللَّهِ، وَتَرْنِيمَةَ الْخُرُوفِ قَائِلِينَ: «عَظِيمَةٌ وَعَجِيبَةٌ هِيَ أَعْمَالُكَ أَيُّهَا الرَّبُّ الْإِلَهُ الْقَادِرُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ! عَادِلَةٌ وَحَقٌّ هِيَ طَرْفُكَ يَا مَلِكَ الْقَدِيسِينَ! ۴ مَنْ لَا يَخَافُكَ يَا رَبُّ وَيَمَجِّدُ اسْمَكَ؟ لِأَنَّكَ وَخَذَكَ قُدُّوسٌ، لِأَنَّ جَمِيعَ الْأُمَمِ سَيَاتُونُ وَيَسْجُدُونَ أَمَامَكَ، لِأَنَّ أَحْكَامَكَ قَدْ أَظْهَرْتَ». ۵ ثُمَّ بَعْدَ هَذَا نَظَرْتُ وَإِذَا قَدْ انْفَتَحَ هَيْكَلُ خِيَمَةِ الشَّهَادَةِ فِي السَّمَاءِ، ۶ وَخَرَجَتِ السَّبْعَةُ الْمَلَائِكَةُ وَمَعَهُمُ السَّبْعُ الضَّرْبَاتُ مِنَ الْهَيْكَلِ، وَهُمْ مُتَسَرِّبُونَ بِكَنَانٍ نَقِيٍّ وَبَهِيٍّ، وَمَتَمَنِّطُونَ عِنْدَ صُدُورِهِمْ بِمَنَاطِقَ مِنْ ذَهَبٍ. ۷ وَوَاحِدٌ مِنَ الْأَرْبَعَةِ الْحَيَوَانَاتِ أَعْطَى السَّبْعَةَ الْمَلَائِكَةَ سَبْعَةَ جَامَاتٍ مِنْ ذَهَبٍ، مَمْلُوءَةٍ مِنْ غَضَبِ اللَّهِ الْحَيِّ إِلَى أَبَدِ الْأَبَدِينَ. ۸ وَامْتَلَأَ الْهَيْكَلُ دُخَانًا مِنْ مَجْدِ اللَّهِ وَمِنْ قُدْرَتِهِ، وَلَمْ يَكُنْ أَحَدٌ يَقْدِرُ أَنْ يَدْخُلَ الْهَيْكَلَ حَتَّى كَمَلَتْ سَبْعُ ضَرْبَاتِ السَّبْعَةِ الْمَلَائِكَةِ.

۱ آنگاه در آسمان نشانه‌ای دیگر دیدم؛ نشانه‌ای عظیم و شگفت‌انگیز. هفت فرشته را دیدم که حامل هفت بلا بودند. آن بلاها آخرین بلاها هستند؛ زیرا با آن‌ها خشم خدا پایان می‌یابد. ۲ سپس چیزی دیدم که شبیه به دریایی شیشه‌ای و آمیخته به آتش بود. همچنین کسانی را دیدم که بر وحش، مجسمه آن و عدد نام آن پیروز شده بودند. آنان کنار آن دریای شیشه‌ای ایستاده بودند و چنگ‌هایی که متعلق به خدا بود، در دست داشتند ۳ و سرود خادم خدا، موسی، و سرود برّه را می‌خواندند و می‌گفتند: «عظیم و شگفت‌انگیز است اعمال تو، ای رب، ای اله قادر مطلق. راه‌های تو عدل و راست است، ای پادشاه همه اعصار. ۴ ای رب به‌راستی کیست که از تو نترسد و نام تو را جلال ندهد؟ زیرا تنها تو وفاداری. تمامی قوم‌ها خواهند آمد و در پیشگاهت تو را پرستش خواهند کرد؛ زیرا داوری‌های عادلانه تو آشکار شده است.» ۵ بعد از آن دیدم که مکان مقدس خیمه عبادت در آسمان گشوده شد. ۶ آنگاه آن هفت فرشته که حامل هفت

بلا بودند، از آن مکان مقدس بیرون آمدند. آنان کتانی درخشان و تمیز به تن داشتند و شالی طلائی دور سینه‌شان پیچیده شده بود. ۷ سپس یکی از آن چهار موجود زنده به آن هفت فرشته، هفت کاسه طلائی داد. کاسه‌ها از خشم خدا پر بود؛ خدایی که همیشه و تا ابد زنده است. ۸ به سبب جلال خدا و قدرت او، آن مکان مقدس از دود پر شد، طوری که تا پایان هفت بلای آن هفت فرشته، هیچ کس قادر نبود به آن مکان مقدس داخل شود.

رُؤْيَا يُوْحَنَّا اللَّاهُوتِي : الْأَصْحَاحُ السَّادِسُ عَشَرَ * ۱۶:۱-۲۱

۱ وَ سَمِعْتُ صَوْتًا عَظِيمًا مِنَ الْهَيْكَلِ قَائِلًا لِلْسَّبْعَةِ الْمَلَائِكَةِ: «امْضُوا وَاسْكُبُوا جَامَاتِ اللَّهِ عَلَى الْأَرْضِ». ۲ فَمَضَى الْأَوَّلُ وَ سَكَبَ جَامَهُ عَلَى الْأَرْضِ، فَحَدَّثَتْ دُمَامِلُ خَبِيثَةٍ وَرَدِيَّةٌ عَلَى النَّاسِ الَّذِينَ بِهِمْ سِمَةُ الْوَحْشِ وَالَّذِينَ يَسْجُدُونَ لِصُورَتِهِ. ۳ ثُمَّ سَكَبَ الْمَلَكُ الثَّانِي جَامَهُ عَلَى الْبَحْرِ، فَصَارَ دَمًا كَدَمِ مَيِّتٍ. وَكُلُّ نَفْسٍ حَيَّةٍ مَاتَتْ فِي الْبَحْرِ. ۴ ثُمَّ سَكَبَ الْمَلَكُ الثَّلَاثُ جَامَهُ عَلَى الْأَنْهَارِ وَعَلَى يَنَابِيعِ الْمِيَاهِ، فَصَارَتْ دَمًا. ۵ وَ سَمِعْتُ مَلَكَ الْمِيَاهِ يَقُولُ: «عَادِلٌ أَنْتَ أَيُّهَا الْكَائِنُ وَالَّذِي كَانَ وَالَّذِي يَكُونُ، لِأَنَّكَ حَكَمْتَ هكَذَا. ۶ لِأَنَّهُمْ سَفَكُوا دَمَ قَدِيسِينَ وَأَنْبِيَاءَ، فَأَعْطَيْتَهُمْ دَمًا لِيَشْرَبُوا. لِأَنَّهُمْ مُسْتَحِقُّونَ!» ۷ وَ سَمِعْتُ آخَرَ مِنَ الْمَذْبُحِ قَائِلًا: «نَعَمْ أَيُّهَا الرَّبُّ الْإِلَهَ الْقَادِرُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ! حَقٌّ وَعَادِلَةٌ هِيَ أَحْكَامُكَ».

۱ سپس صدایی بلند از مکان مقدس شنیدم که به آن هفت فرشته گفت: «بروید و هفت کاسه خشم خدا را بر زمین خالی کنید.» ۲ فرشته اول رفت و کاسه خود را بر زمین خالی کرد. آنگاه مردمی که علامت وحش را بر خود داشتند و مجسمه آن را پرستش می کردند، به زخم‌هایی بدخیم و دردناک مبتلا شدند. ۳ فرشته دوم کاسه خود را در دریا خالی کرد. آنگاه دریا به خونی که همچون خون انسان مرده بود، مبدل شد و همه جانداران آن مردند؛ یعنی هر چه در دریا بود، مُرد. ۴ فرشته سوم کاسه خود را در رودخانه‌ها و چشمه‌های آب خالی کرد و آن‌ها نیز به خون مبدل شدند. ۵ آنگاه شنیدم فرشته‌ای که بر آب‌ها بود، گفت: «ای تو که بودی و هستی و خواهی بود، تو عادلای که اینچنین داوری کردی؛ ۶ زیرا آنان خون مقدسان و پیامبران را ریختند و تو به ایشان خون دادی تا بنوشند؛ آنان سزاوار این هستند.» ۷ سپس شنیدم از مذبح پاسخ آمد که: «آری، ای الهه پروردگار، ای قادر مطلق، حق است و عدل، کیفری که تو می دهی.»

۸ ثُمَّ سَكَبَ الْمَلَكُ الرَّابِعُ جَامَهُ عَلَى الشَّمْسِ، فَأَعْطِيَتْ أَنْ تُحْرِقَ النَّاسَ بِنَارٍ، ۹ فَاحْتَرَقَ النَّاسُ اخْتِرَاقًا عَظِيمًا، وَجَدُّوا عَلَى اسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى هَذِهِ الصَّرَبَاتِ، وَلَمْ يَتُوبُوا لِيُعْطَوْهُ مَجْدًا. ۱۰ ثُمَّ سَكَبَ الْمَلَكُ الْخَامِسُ جَامَهُ عَلَى عَرْشِ الْوَحْشِ، فَصَارَتْ مَمْلَكَتُهُ مُظْلِمَةً. وَكَانُوا يَعْضُونَ عَلَى أَلْسِنَتِهِمْ مِنَ الْوَجَعِ.

۱۱ وَجَدُّوْا عَلَىٰ إِلَهِ السَّمَاءِ مِنْ أَوْجَاعِهِمْ وَمِنْ فُرُوجِهِمْ، وَلَمْ يَتَوْبُوا عَنْ أَعْمَالِهِمْ. ۱۲ ثُمَّ سَكَبَ الْمَلَأُ السَّادِسُ جَامَهُ عَلَى النَّهْرِ الْكَبِيرِ الْفُرَاتِ، فَشَفَّ مَأْوُهُ لِكَيْ يُعَدَّ طَرِيقُ الْمُلُوكِ الَّذِينَ مِنْ مَشْرِقِ الشَّمْسِ. ۱۳ وَرَأَيْتُ مِنْ فَمِ التَّنِينِ، وَمِنْ فَمِ الْوَحْشِ، وَمِنْ فَمِ النَّبِيِّ الْكَذَّابِ، ثَلَاثَةَ أَرْوَاحٍ نَجِسَةٍ شَبَّهَ ضَفَادِعَ، ۱۴ فَإِنَّهُمْ أَرْوَاحُ شَيَاطِينٍ صَانِعَةُ آيَاتٍ، تَخْرُجُ عَلَىٰ مُلُوكِ الْعَالَمِ وَكُلِّ الْمَسْكُونَةِ، لِتَجْمَعَهُمْ لِقِتَالِ ذَلِكَ الْيَوْمِ الْعَظِيمِ، يَوْمَ اللَّهِ الْقَادِرِ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ. ۱۵ «هَا أَنَا آتِي كَلِصًّا! طُوبَىٰ لِمَنْ يَسْهَرُ وَيَحْفَظُ ثِيَابَهُ لِئَلَّا يَمْشِيَ عُرْيَانًا فَيَرَوْا عُرْيَتَهُ». ۱۶ فَجَمَعَهُمْ إِلَى الْمَوْضِعِ الَّذِي يُدْعَى بِالْعِبْرَانِيَّةِ «هَرْمَجْدُون».

۸ فرشته چهارم کاسه خود را بر خورشید خالی کرد. آنگاه به خورشید اجازه داده شد مردم را با آتش بسوزاند. ۹ با این که مردم از شدت حرارت آن می سوختند، به نام خدا که اختیار این بلایا در دست اوست، کفر گفتند و توبه نکردند و او را جلال ندادند. ۱۰ فرشته پنجم کاسه خود را بر تخت وحش خالی کرد. آنگاه سلطنت آن وحش در تاریکی فرو رفت و مردم از درد، زبان‌های خود را گاز می گرفتند. ۱۱ اما آنان به سبب درد و زخم‌هایشان به خدای آسمان کفر گفتند و از اعمال خود توبه نکردند. ۱۲ فرشته ششم کاسه خود را در رودخانه بزرگ فرات خالی کرد. آنگاه آب رودخانه خشک شد تا راه برای پادشاهان مشرق زمین آماده شود. ۱۳ آنگاه دیدم سه روح خبیث در هیئت وزغ از دهان اژدها و از دهان آن وحش و از دهان نبی کذاب (عالم بی عمل) بیرون آمدند. ۱۴ اینان ارواح دیوهایند که آیات به ظهور می آورند و نزد شاهان سرتاسر جهان می روند تا آنان را برای نبرد روز عظیم خدای قادر مطلق گرد هم آورند. ۱۵ «بنگر! من همچون دزد می آیم! خوشا به حال هر که بیدار می ماند و لباس خود را نگاه می دارد، مبادا برهنه راه رود و مردم رسوایی او را ببینند.» ۱۶ آنگاه آن‌ها پادشاهان را در محلی که به عبری «حارمگدون» نام دارد، گرد هم آوردند.^۵

۱۷ ثُمَّ سَكَبَ الْمَلَأُ السَّابِعُ جَامَهُ عَلَى الْهَوَاءِ، فَخَرَجَ صَوْتُ عَظِيمٍ مِنْ هَيْكَلِ السَّمَاءِ مِنَ الْعَرْشِ قَائِلًا: «قَدْ تَمَّ!» ۱۸ فَحَدَّثَتْ أَصْوَاتُ وَرَعُودٌ وَبُرُوقٌ. وَحَدَّثَتْ زَلْزَلَةٌ عَظِيمَةٌ، لَمْ يَحْدُثْ مِثْلُهَا مُنْذُ صَارَ النَّاسُ عَلَى الْأَرْضِ، زَلْزَلَةٌ بِمِقْدَارِهَا عَظِيمَةٌ هَكَذَا. ۱۹ وَصَارَتِ الْمَدِينَةُ الْعَظِيمَةُ ثَلَاثَةَ أَقْسَامٍ، وَمُدُنُ الْأُمَمِ سَقَطَتْ، وَبَابِلُ الْعَظِيمَةِ ذُكِرَتْ أَمَامَ اللَّهِ لِيُعْطِيَهَا كَأْسَ خَمْرٍ سَخَطِ غَضَبِهِ. ۲۰ وَكُلُّ جَزِيرَةٍ هَرَبَتْ، وَجِبَالٌ لَمْ تَوْجَدْ. ۲۱ وَبَرَدٌ عَظِيمٌ، نَحْوُ ثَقَلٍ وَزَنَةِ، نَزَلَ مِنَ السَّمَاءِ عَلَى النَّاسِ. فَجَدَّفَ النَّاسُ عَلَى اللَّهِ مِنْ ضَرْبَةِ الْبَرَدِ، لِأَنَّ ضَرْبَتَهُ عَظِيمَةٌ جِدًّا.

^۵ برخی از مسیحیان معتقدند که پیش از بازگشت مسیح (ع) آخرین نبرد تاریخ، جنگ آخرالزمان، یا هارمجدون، اتفاق خواهد افتاد. مکان این جنگ، غرب رودخانه اردن است، در دشت جزرال، میان جلیله و سامریه. گفته می شود ناپلئون وقتی به این جایگاه رسید گفت: این، میدان بزرگ ترین نبرد جهان است.

۱۷ سپس فرشته هفتم کاسه (عذاب) خود را در هوا خالی کرد. آنگاه صدائی عظیم از جانب هیکل آسمان در عرش (الهی) بلند شد که می گفت: «قَدْ تَمَّ؛ دیگر تمام شد!» ۱۸ آنگاه صاعقه های نورانی و صداها و غرّش رعدها بود که برمی خاست، و زمین لرزه ای عظیم روی داد، چنان عظیم و گسترده که از زمان به وجود آمدن انسان بر زمین، روی نداده بود. ۱۹ آنگاه شهر بزرگ سه پاره شد و شهرهای قومها فرو پاشیدند. و خدا بابل بزرگ را به یاد آورد و جام سرشار از شرابِ خشمِ خروشانِ خود را به او نوشاند. ۲۰ جزیره ها گریختند و کوهها محو و نابود شدند. ۲۱ و از آسمان تگرگی سخت سنگین بر آدمیان فرو بارید که هر دانه، انگاری پنجاه کیلو وزن داشت؛ و آدمیان خداوند را از بابت این بلا ناسزا گفتند، زیرا که بلایی سخت سنگین بود.^۶

رُؤْيَا يُوْحَنَّا اللَّاهُوتِي: الْأَصْحَاحُ السَّابِعُ عَشَرَ * ۱۷:۱-۱۸

۱ ثُمَّ جَاءَ وَاحِدٌ مِنَ السَّبْعَةِ الْمَلَائِكَةِ الَّذِينَ مَعَهُمُ السَّبْعَةُ الْجَامَاتُ وَتَكَلَّمَ مَعِيَ قَائِلًا لِي: «هَلُمَّ فَأَرِيكَ دَيُّونَةَ الزَّانِيَةِ الْعَظِيمَةِ الْجَالِسَةِ عَلَى الْمِيَاهِ الْكَثِيرَةِ، ۲ الَّتِي زَنَى مَعَهَا مُلُوكُ الْأَرْضِ، وَسَكَّرَ سُكَّانُ الْأَرْضِ مِنْ خَمْرِ زَنَاهَا». ۳ فَمَضَى بِي بِالرُّوحِ إِلَى بَرِّيَّةٍ، فَرَأَيْتُ امْرَأَةً جَالِسَةً عَلَى وَحْشٍ قَرْمِزِيٍّ مَمْلُوءٍ أَسْمَاءَ تَجْدِيفٍ، لَهُ سَبْعَةُ رُؤُوسٍ وَعَشْرَةُ قُرُونٍ. ۴ وَالْمَرْأَةُ كَانَتْ مُتَسَرِّبَةً بِأَرْجُوَانٍ وَقَرْمِزٍ، وَمُتَحَلِّيًا بِذَهَبٍ وَحِجَارَةٍ كَرِيمَةٍ وَلَوْلُؤٍ، وَمَعَهَا كَأْسٌ مِنْ ذَهَبٍ فِي يَدِهَا مَمْلُوءَةٌ رَجَاسَاتٍ وَتَجَاسَاتٍ زَنَاهَا، ۵ وَعَلَى جَبْهَتِهَا اسْمٌ مَكْتُوبٌ: «سِرٌّ. بَابِلُ الْعَظِيمَةِ أُمُّ الزَّوَانِي وَرَجَاسَاتِ الْأَرْضِ». ۶ وَرَأَيْتُ الْمَرْأَةَ سَكَّرَى مِنْ دَمِ الْقَدِّيسِينَ وَمِنْ دَمِ شُهَدَاءِ يَسُوعَ. فَتَعَجَّبْتُ لَمَّا رَأَيْتُهَا تَعَجَّبًا عَظِيمًا! ۷ ثُمَّ قَالَ لِي الْمَلَكُ: «لِمَادَا تَعَجَّبْتُ؟ أَنَا أَقُولُ لَكَ سِرَّ الْمَرْأَةِ وَالْوَحْشِ الْحَامِلِ لَهَا، الَّذِي لَهُ السَّبْعَةُ الرُّؤُوسُ وَالْعَشْرَةُ الْقُرُونُ:

۱ آنگاه یکی از آن هفت فرشته که هفت کاسه داشتند، نزد من آمد و گفت: «بیا تا محکومیت آن فاحشه بزرگ را که بر آب های بسیار نشسته است، به تو نشان دهم؛ ۲ همان که پادشاهان زمین با او زنا

^۶ سید احمد الحسن (ع) وصی و رسول امام مهدی (ع) خطاب باهل زمین فرمودند: «أما حدوث حدث على الأرض ونزول عذاب بأهل الأرض فهذا أمر قد أُنذرت منه ويفعل الله ما يريد، فله الأمر من قبل ومن بعد، وسواء كان هذا العذاب سببه اقتراب كوكب أو أن يصدم الأرض نيزك أو كويكب أو أي أمر كوني آخر، فهذا أمر الله وهذا هو الطوفان الثاني الذي ربما يسبب هلاك معظم أهل الأرض، ويفعل الله ما يشاء»؛ (اما در مورد رخداد يك فاجعه بزرگ بر روی زمین و نزول عذاب بر مردم، این امری است که در مورد آن هشدار داده ام، و خداوند هر آنچه بخواهد انجام می دهد، پس قبل و بعد امور به دست خداست، خواه این عذاب به خاطر نزدیک شدن یک ستاره یا برخورد شهاب سنگ یا سیاره کوچکی به زمین یا هر چیز کیهانی دیگر باشد، این امر خداست و این همان طوفان دومی است که شاید باعث هلاکت مجموعه ای بزرگ از اهالی زمین شود، خداوند هر آنچه بخواهد انجام می دهد). الجواب المنير ج ۵ سوال ۴۷۱/

کردند و ساکنان زمین از شراب زناکاری او مست شدند.» ۳ سپس آن فرشته، با قدرت روح مرا به بیابان برد. آنگاه زنی را دیدم که بر وحشی سرخ رنگ نشسته است. آن وحش از نام‌های کفرآمیز پوشیده شده بود و هفت سر و ده شاخ داشت. ۴ زن جامه‌ای ارغوانی و سرخ بر تن داشت و با طلا، سنگ‌های گرانبها و مروارید آراسته شده بود، همچنین جامی طلایی در دست داشت که مملو از چیزهای نفرت‌انگیز و ناپاکی‌های زناکاری او بود. ۵ بر پیشانی آن زن این نام مرموز نوشته شده بود: «بابل بزرگ، مادر فاحشه‌ها و چیزهای نفرت‌انگیز زمین.» ۶ سپس دیدم که آن زن با خون مقدّسان و خون کسانی که به عیسی شهادت دادند، مست شده است. با دیدن او بسیار حیرت کردم. ۷ آنگاه فرشته به من گفت: «چرا حیرت کردی؟ من راز آن زن و آن وحش را که هفت سر و ده شاخ دارد و زن بر آن سوار است، به تو خواهم گفت:

۸ الْوَحْشُ الَّذِي رَأَيْتَ، كَانَ وَلَيْسَ الْآنَ، وَهُوَ عَتِيدٌ أَنْ يَصْعَدَ مِنَ الْهَوَايَةِ وَيَمْضِيَ إِلَى الْهَلَاكِ. وَسَيَتَعَجَّبُ السَّاكِنُونَ عَلَى الْأَرْضِ، الَّذِينَ لَيْسَتْ أَسْمَاؤُهُمْ مَكْتُوبَةً فِي سِفْرِ الْحَيَاةِ مُنْذُ تَأْسِيسِ الْعَالَمِ، حِينَمَا يَرَوْنَ الْوَحْشَ أَنَّهُ كَانَ وَلَيْسَ الْآنَ، مَعَ أَنَّهُ كَائِنٌ. ۹ هُنَا الدَّهْنُ الَّذِي لَهُ حِكْمَةٌ! السَّبْعَةُ الرَّؤُوسُ هِيَ سَبْعَةُ جِبَالٍ عَلَيْهَا الْمَرْأَةُ جَالِسَةٌ. ۱۰ وَسَبْعَةُ مُلُوكٍ: خَمْسَةٌ سَقَطُوا، وَوَاحِدٌ مُوْجُودٌ، وَالْآخَرُ لَمْ يَأْتِ بَعْدُ. وَمَتَى أَتَى يَنْبَغِي أَنْ يَبْقَى قَلِيلًا. ۱۱ وَالْوَحْشُ الَّذِي كَانَ وَلَيْسَ الْآنَ فَهُوَ ثَامِنٌ، وَهُوَ مِنَ السَّبْعَةِ، وَيَمْضِي إِلَى الْهَلَاكِ. ۱۲ وَالْعَشْرَةُ الْقُرُونُ الَّتِي رَأَيْتَ هِيَ عَشْرَةُ مُلُوكٍ لَمْ يَأْخُذُوا مُلْكًا بَعْدُ، لَكِنْهُمْ يَأْخُذُونَ سُلْطَانَهُمْ كَمُلُوكٍ سَاعَةً وَاحِدَةً مَعَ الْوَحْشِ. ۱۳ هَؤُلَاءِ لَهُمْ رَأْيٌ وَاحِدٌ، وَيُعْطُونَ الْوَحْشَ قُدْرَتَهُمْ وَسُلْطَانَهُمْ. ۱۴ هَؤُلَاءِ سَيُخَارِبُونَ الْخُرُوفَ، وَالْخُرُوفُ يَغْلِبُهُمْ، لِأَنَّهُ رَبُّ الْأَرْبَابِ وَمَلِكُ الْمُلُوكِ، وَالَّذِينَ مَعَهُ مَدْعُودُونَ وَمُخْتَارُونَ وَمُؤْمِنُونَ». ۱۵ ثُمَّ قَالَ لِي: «الْمِيَاهُ الَّتِي رَأَيْتَ حَيْثُ الزَّانِيَةُ جَالِسَةٌ، هِيَ شُعُوبٌ وَجُمُوعٌ وَأُمَمٌ وَالسَّيْنَةُ. ۱۶ وَأَمَّا الْعَشْرَةُ الْقُرُونُ الَّتِي رَأَيْتَ عَلَى الْوَحْشِ فَهَؤُلَاءِ سَيَبْغِضُونَ الزَّانِيَةَ، وَسَيَجْعَلُونَهَا خَرِبَةً وَعُزْيَانَةً، وَيَأْكُلُونَ لَحْمَهَا وَيُخْرِقُونَهَا بِالنَّارِ. ۱۷ لِأَنَّ اللَّهَ وَضَعَ فِي قُلُوبِهِمْ أَنْ يَصْنَعُوا رَأْيَهُ، وَأَنْ يَصْنَعُوا رَأْيًا وَاحِدًا، وَيُعْطُوا الْوَحْشَ مُلْكَهُمْ حَتَّى تَكْمَلَ أَقْوَالُ اللَّهِ. ۱۸ وَالْمَرْأَةُ الَّتِي رَأَيْتَ هِيَ الْمَدِينَةُ الْعَظِيمَةُ الَّتِي لَهَا مُلْكٌ عَلَى مُلُوكِ الْأَرْضِ».

۸ آن وحش که دیدی، زمانی بود، اما اکنون نیست و به‌زودی از هاویه بالا می‌آید و به سمت نابودی می‌رود. سپس ساکنان زمین — آنان که نامشان از آغاز دنیا در دفتر حیات نوشته نشده بود — حیرت خواهند کرد که چطور وحش زمانی بود، اما اکنون نیست و باز حضور خواهد یافت. ۹ «ذهنی که حکمت داشته باشد، این را درک می‌کند: آن هفت سر، مظهر هفت کوه هستند که زن بر آن‌ها نشسته است. ۱۰ همچنین آن‌ها مظهر هفت پادشاه نیز هستند که پنج تن از آنان سقوط کرده‌اند، یکی هست و دیگری هنوز نیامده است، اما وقتی بیاید، باید برای اندک زمانی بماند. ۱۱ آن وحش که زمانی بود، اما اکنون نیست، پادشاه هشتم است که از آن هفت پادشاه برمی‌خیزد و به سمت نابودی می‌رود. ۱۲ «همچنین آن ده شاخ که

دید، مظهر ده پادشاهند که هنوز به سلطنت نرسیده‌اند، اما برای یک ساعت در کنار آن وحش، اقتدار پادشاهی به ایشان داده می‌شود. ۱۳ اینان یک فکر مشترک دارند، پس قدرت و اقتدارشان را به آن وحش می‌دهند. ۱۴ اینان با آن بره به جنگ بر خواهند خاست، اما بره بر آنان پیروز خواهد شد، زیرا او رب الارباب و شاه شاهان است. همچنین خوانده شدگان، و برگزیدگان، و پیروان وفادار او با او خواهند بود. ۱۵ فرشته به من گفت: «آن آب‌ها که دیدی که فاحشه بر آن نشسته است، مظهر اقوام، ملت‌ها، گروه‌ها، و زبان‌های مختلف است. ۱۶ آن وحش و آن ده شاخ که دیدی، از فاحشه بیزار خواهند شد. او را نابود خواهند کرد و عریان رها خواهند نمود. گوشت او را خواهند خورد و او را در آتش خواهند سوزاند؛ ۱۷ زیرا که خدا در دل آنها نهاده است که خواست او را برآورند و با رضای خاطر عنان قدرت و حکومت خود را به دست آن وحش بسپارند، تا آنگاه که کلام خدا به تمامی تحقق یابد. ۱۸ و آن زن که دیدی همان شهر بزرگ است که بر پادشاهان زمین حکومت می‌کند.»^۷

^۷ دلایلی و قرائنی وجود دارد مبنی بر اینکه وحش مذکور در روای یوحنا بربری همان حیوان چهارم در روای دانیال نبی (ع) است. از جمله اینکه:

- ۱- این وحش یا حیوان چهارم قدرت خود را از اژدها یا همان شیطان می‌گیرد.
 - ۲- ده شاخ دارد که نماد ده حاکم است.
 - ۳- بر جهان مسلط شده و بجنگ برگزیدگان خدا می‌رود.
 - ۴- و در نهایت در آتش عذاب الهی خواهد سوخت و نابود خواهد شد.
- با توجه به این گذاره‌ها متوجه خواهیم شده که منظور از بابل عظیم در روای یوحنا لاهوتی که منزگاه وحش یا همان حیوان چهارم است علاوه بر عراق (که سید احمدالحسن فرمودند) به سرزمین دجال در آخرالزمان نیز قابل انطباق است که بر پادشاهان زمین حکومت می‌کند. در اصحاح ۷ کتاب دانیال آمده است: (۱۵) «و اما من، دانیال، روحم در اندرونم پریشان شد و رؤیاهای سرم مرا مضطرب ساخت. ۱۶ به یکی از کسانی که آنجا ایستاده بودند، نزدیک شدم و حقیقت همه آن امور را از او جویا گشتم. پس او تعبیر آنها را برایم چنین شرح داد: ۱۷ «آن چهار وحش بزرگ، چهار پادشاهند که از زمین بر خواهند خاست. ۱۸ اما مقدسین آن متعال پادشاهی را خواهند گرفت، و آن را تا ابدالابد در تصرف خواهند داشت.» ۱۹ «آنگاه خواستم حقیقت امر را درباره وحش چهارم بدانم، همان که با همه دیگران متفاوت بود و بسیار هولناک، و دندانهای آهنین و چنگالهای برنجین داشت و می‌بلعید و خرد می‌کرد و باقی‌مانده را لگدمال می‌نمود. ۲۰ نیز خواستم درباره آن ده شاخ بدانم که بر سرش بود و نیز درباره آن شاخ دیگر که برآمد و سه شاخ در برابرش افتادند، یعنی همان شاخ که چشمان داشت و دهانی که سخنان تکبرآمیز می‌گفت، و بزرگتر از سایرین می‌نمود. ۲۱ و چون می‌نگریستم، آن شاخ به جنگ مقدسین رفت و بر ایشان استیلا یافت، ۲۲ تا اینکه قدیم‌الایام آمد و داوری به نفع مقدسین آن متعال اجرا شد و زمانی رسید که مقدسین پادشاهی را به تصرف آوردند. ۲۳ «پس او گفت: "وحش چهارم، پادشاهی چهارم است که بر زمین خواهد بود. این پادشاهی با همه پادشاهی‌ها تفاوت خواهد داشت و تمامی جهان را فرو خواهد بلعید، و آن را لگدمال کرده، خرد خواهد نمود. ۲۴ و اما در خصوص آن ده شاخ، از این پادشاهی ده پادشاه بر خواهند خاست، و پس از آنها پادشاهی دیگر که با پادشاهان پیشین تفاوت خواهد داشت؛ او سه پادشاه را سرنگون خواهد کرد ۲۵ و بر ضد آن متعال سخن خواهد گفت و مقدسین آن متعال را آزار خواهد رسانید، و قصد تبدیل زمانها و شریعت را خواهد نمود؛ و ایشان تا یک زمان و زمانها و نیم

زمان به دست وی تسلیم کرده خواهند شد. ۲۶ اما دیوان بر پا خواهد گشت، و حکومتش را از وی گرفته، آن را برای همیشه محو و نابود خواهند کرد. ۲۷ آنگاه پادشاهی و حکومت و حشمت ممالکی که زیر تمامی آسمان است به قوم مقدسین آن متعال داده خواهد شد؛ پادشاهی آنها پادشاهی جاودانه خواهد بود و همه حکومتها آنها را خدمت و اطاعت خواهند کرد. ۲۸ «سرانجام امر چنین است. و اما من، دانیال، از اندیشه‌هایم به‌غایت پریشان گشتم و رنگ از رخسار باختم، اما این امر را در دل نهان داشتم.» سفر دانیال: الأصْحاحُ السَّابِعُ * ۱۵:۷-۲۸

سید احمد الحسن (ع) مصداق این وحش یا حیوان چهارم در آخرالزمان را دولت شیطانی آمریکا یا همان دجال اکبر مطابق با روایات اهل بیت (ع) معرفی نموده‌اند، و در این مورد توضیحاتی فرموده‌اند و نهایت و سرنوشت آن را تذکر داده‌اند که مطابق با نوشته‌های پیشینیان است. بعنوان نمونه ایشان (ع) فرمودند: «... أما الحيوان الرابع الذي من الحديد فهو الإمبراطورية الأمريكية التي داست الآن كل الأرض وهيمنت على كل الأرض بالسلاح والمال. أما قديم الأيام فهو الإمام المهدي (ع) وأما ابن الإنسان فهو عيسى (ع) ونهاية أمريكا كما قال دانيال تدفع لوقيد النار إن شاء الله. والإمام المهدي (ع) وعيسى وإيليا والخضر (ع) يأتون في القيامة الصغرى وهي حساب وعذاب ونقمة على الظالمين فهل يصح العذاب والنقمة قبل الإنذار فمن المنذر؟ لابد أن يكون هناك رسول منهم (ع) يبشر وينذر الناس بين أيديهم أي قبل ظهورهم»؛ (شیری که دو بال دارد اشاره به امپراطوری انگلستان دارد که در اروپا قد علم کرد که سمبل آن شیری است که دو بال دارد اما خرس سمبل شوروی است که گوشت زیادی می‌خورد یعنی مردمان زیادی را کشته است ... ولی حیوان چهارم از آهن است و او امپراطوری آمریکاست که با اسلحه و ثروت به همه جای زمین تسلط پیدا کرده است. اما قديم الايام همان امام مهدي (ع) و پسر انسان همان عيسى (ع) است و همان‌گونه که دانیال گفته آمریکا در نهایت در آتش خواهد سوخت إنشاءالله. و امام مهدي (ع) وعيسى و ايليا و خضر (ع) در قيامت صغرى می‌آیند و آن حساب، عذابی است بر ظالمان پس آیا عذاب قبل از هشدار (بیم دادن) درست است پس بیم دهنده کیست؟ پس باید یک فرستاده‌ای قبل از ظهور ایشان باشد تا به مردم بیم و بشارت بدهد). جواب المنیر، جلد ۱، سوال: ۱۵

همچنین فرمودند: «فليراجع التوراة سفر دانيال، وسيجد أن في منطقة الشرق الأوسط عشرة ملوك عملاء لأمريكا أو كما يرمز لها بمملكة حديدية تأكل وتدوس كل الممالك على الأرض ولكن سيدوسها إنشاء الله مهدي هذه الأمة ع كما جاء في سفر دانيال نفسه»؛ (به تورات سفر دانیال مراجعه نما، در آنجا در منطقه خاورمیانه ده پادشاه مزدور آمریکا را می‌بایی. یا همانگونه که به رمز در مورد آن گفته شده مملکت آهینی که دیگر ممالک روی زمین را پایمال کرده و به کام خود می‌کشد؛ ولكن انشاء الله بزوری مهدي این امت (ع) آن را پایمال خواهد کرد، همانگونه که در خود سفر دانیال آمده است). الطريق إلى الله، باب: التيه في الأمة الإسلامية

و در بیانیه‌ای خطاب به (رئیس جمهور آمریکا بوش و یا کسی که جانشین او می‌شود) فرمودند: «أنا من رأيته في منامك وستراني كثيراً، عليك إخراج قواتك العسكرية من بلاد المسلمين في الحال دون قيد أو شرط وإلا فبقوة الواحد الأحد الفرد الصمد أنا الذي سألقي أمريكا – الوحش الحديدي الذي أكل وداس كل الممالك على الأرض – إلى وقيد النار كما أخبر دانيال (ع) في التوراة وستعلم نبأ عما قليل وستعلم إن أميركا مدفوعة إلى يميني في ملكوت السماوات وسأسحقها إذا أذن الله»؛ (آن کسی که در رؤیایت دیدی من هستم، و بزودی رؤیاهای بیشتری از من خواهی دید، بر تو واجب است که به سرعت نیروهای نظامیت را از سرزمین‌های اسلامی بدون هیچ‌گونه قید و شرطی خارج سازی و الا بقدرت خداوند الواحد الأحد والفرد الصمد، من آن کسی خواهم بود که تازیانه‌های آتش را بر آمریکا – همان حیوان وحش آهینی که می‌خورد و با چکمه‌هایش تمام ممالک روی زمین را له می‌کند – فرود خواهد آورد، همان‌گونه که دانیال (ع) در تورات خبر داده است. و بزودی خواهی دانست خبر آنچه را که نزدیک است، و بزودی خواهی دانست که آمریکا از طرف راست من در ملکوت آسمانها دفع خواهد شد، و بزودی

گوییده خواهد شد آنگاه که خداوند اذن دهد). بیانیه نداء، قسمت ششم ۱ سوال ۱۴۲۴هـ ق

رُؤْيَا يُوْحَنَّا اللَّاهُوتِي : الْأَصْحَاحُ الثَّامِنُ عَشَرَ * ۱:۱۸-۲۴

۱ ثُمَّ بَعْدَ هَذَا رَأَيْتُ مَلَاكًا آخَرَ نَازِلًا مِنَ السَّمَاءِ، لَهُ سُلْطَانٌ عَظِيمٌ. وَاسْتَنَارَتِ الْأَرْضُ مِنْ بَهَائِهِ. ۲ وَصَرَخَ بِشِدَّةٍ بِصَوْتٍ عَظِيمٍ قَائِلًا: «سَقَطَتْ! سَقَطَتْ بَابِلُ الْعَظِيمَةُ! وَصَارَتْ مَسْكَنًا لِشَيَاطِينٍ، وَمَحْرُسًا لِكُلِّ رُوحٍ نَجِسٍ، وَمَحْرُسًا لِكُلِّ طَائِرٍ نَجِسٍ وَمَمْقُوتٍ، ۳ لِأَنَّهُ مِنْ خَمْرِ غَضَبٍ زَنَاهَا قَدْ شَرَبَ جَمِيعُ الْأُمَمِ، وَمُلُوكُ الْأَرْضِ زَنَوْا مَعَهَا، وَتَجَارُ الْأَرْضُ اسْتَعْنَوْا مِنْ وَفْرَةِ نَعِيمِهَا». ۴ ثُمَّ سَمِعْتُ صَوْتًا آخَرَ مِنَ السَّمَاءِ قَائِلًا: «اُخْرُجُوا مِنْهَا يَا شَعْبِي لِئَلَّا تَشْتَرِكُوا فِي خَطَايَاهَا، وَلِئَلَّا تَأْخُذُوا مِنْ ضَرْبَاتِهَا. ۵ لِأَنَّ خَطَايَاهَا لَحِقَتْ السَّمَاءَ، وَتَذَكَّرَ اللَّهُ أَثَامَهَا. ۶ جَازَوْهَا كَمَا هِيَ أَيْضًا جَازَتْكُمْ، وَضَاعِفُوا لَهَا ضِعْفًا نَظِيرَ أَعْمَالِهَا. فِي الْكَاسِ الَّتِي مَزَجَتْ فِيهَا امْرُجُوا لَهَا ضِعْفًا. ۷ بِقَدْرِ مَا مَجَدَّتْ نَفْسَهَا وَتَنَعَّمَتْ، بِقَدْرِ ذَلِكَ أَعْطُوهَا عَذَابًا وَخُزْنًا. لِأَنَّهُا تَقُولُ فِي قَلْبِهَا: أَنَا جَالِسَةٌ مَلِكَةً، وَلَسْتُ أَرْمَلَةً، وَلَنْ أَرَى حُزْنَ. ۸ مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ فِي يَوْمٍ وَاحِدٍ سَتَأْتِي ضَرْبَاتُهَا: مَوْتُ وَخُزْنٌ وَجُوعٌ، وَتَحْتَرِقُ بِالنَّارِ، لِأَنَّ الرَّبَّ الْإِلَهَ الَّذِي يَدِينُهَا قَوِيٌّ. ۹ «وَسَيَبْكِي وَيَبْكِي عَلَيْهَا مُلُوكُ الْأَرْضِ، الَّذِينَ زَنَوْا وَتَنَعَّمُوا مَعَهَا، حِينَئِذٍ يَنْظُرُونَ دُخَانَ حَرِيقِهَا، ۱۰ وَأَقْفِينَ مِنْ بَعِيدٍ لِأَجْلِ خَوْفِ عَذَابِهَا، قَائِلِينَ: وَيْلٌ! وَيْلٌ! الْمَدِينَةُ الْعَظِيمَةُ بَابِلُ! الْمَدِينَةُ الْقَوِيَّةُ! لِأَنَّهُ فِي سَاعَةٍ وَاحِدَةٍ دَبَّتْ دَبَّتُوكَ».

۱ پس از آن، فرشته‌ای دیگر دیدم که از آسمان پایین می‌آمد. او اقتدار بسیار داشت و از جلال او زمین روشن شد ۲ و با صدایی پرتوان چنین فریاد برآورد: «سقوط کرده است! بابل بزرگ، سقوط کرده است! حال مسکن دیوها گشته و به کمینگاه هر روح ناپاک و هر پرنده نجس و نفرت‌انگیز مبدل شده است! ۳ زیرا تمامی قوم‌ها با شراب شهوت، آری با شراب زناکاری او در دام افتاده‌اند. پادشاهان زمین با او زنا کردند و بازرگانان زمین، از تجملات بی‌حدش که بی‌شرمانه اندوخته بود، دولتمند شدند.» ۴ آنگاه صدایی دیگر از آسمان شنیدم که گفت: «ای قوم من، اگر نمی‌خواهید در گناهانش سهیم باشید و اگر نمی‌خواهید سهمی از بلایایش بر شما آید، از این شهر بیرون آید! ۵ زیرا گناهانش روی هم انباشته شده و تا به آسمان رسیده و خدا اعمال ناعادلانه‌اش را به یاد آورده است. ۶ به همان شیوه‌ای که او با دیگران رفتار کرد، با او رفتار کنید، آری، سزای اعمالش را دوچندان دهید؛ در جامی که او معجونی تهیه کرده است، دو برابر برایش بیامیزید. ۷ به همان اندازه که او خود را جلال می‌داد و بی‌شرمانه در تجمل زندگی می‌کرد، او را عذاب دهید و سوگوارش سازید؛ زیرا در دل خود پیوسته می‌گوید: «همچون ملکه‌ای بر

از اینرو انطباق وحش مذکور در روایای روحنا و حیوان چهارم در روایای دانیال (علیهما السلام) کاملاً مشهود است، و برای ما مشخص کننده اینست که عذاب‌ها و ملاحم وارده بر بابل بزرگ که نمادی از حکومت جهانی دجال در آخرالزمان است علاوه بر عراق که سید احمداحسن (ع) فرمودند، بر آمریکا نیز تطبیق پذیر است. (نگارنده)

تخت نشسته‌ام، بیوه نیستم و هرگز سوگوار نخواهم شد. ۸ از این رو، در یک روز بلایای او بر سرش خواهد آمد؛ یعنی مرگ، ماتم و قحطی. او کاملاً با آتش سوخته خواهد شد؛ زیرا یهوه خدا که او را داوری کرد، پرقدرت است. ۹ وقتی پادشاهان زمین که با او مرتکب زنا شدند و بی‌شرمانه در تجمل با وی زندگی کردند، دود سوختن او را ببینند، برایش از فرط اندوه خواهند گریست و بر سینه خود خواهند زد. ۱۰ عذاب او، آنان را ترسان خواهد ساخت، پس دور ایستاده خواهند گفت: «افسوس! افسوس بر تو ای شهر بزرگ، بابل، ای شهر قوی؛ زیرا در یک ساعت، داوری تو به اجرا در آمد.»

۱۱ وَيَبْكِي تَجَارُ الْأَرْضِ وَيَنُوحُونَ عَلَيْهَا، لِأَنَّ بَضَائِعَهُمْ لَا يَشْتَرِيهَا أَحَدٌ فِي مَا بَعْدُ، ۱۲ بَضَائِعِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْحَجَرِ الْكَرِيمِ وَاللُّؤْلُؤِ وَالْبَزَّ وَالْأَرْجُوَانِ وَالْحَرِيرِ وَالْقَرْمِزِ، وَكُلِّ عَوْدٍ ثِينِيٍّ، وَكُلِّ إِنَاءٍ مِنَ الْعَاجِ، وَكُلِّ إِنَاءٍ مِنْ أَثْمَنِ الْخَشَبِ وَالنُّحَاسِ وَالْحَدِيدِ وَالْمَرْمَرِ، ۱۳ وَقِرْفَةٍ وَبَخُورًا وَطَبِيخًا وَلُبَانًا وَخَمْرًا وَزَيْتًا وَسَمِيدًا وَحِنْطَةً وَبِهَائِمَ وَغَنَمًا وَخَيْلًا، وَمَرْكَبَاتٍ، وَأَجْسَادًا، وَنَفُوسَ النَّاسِ. ۱۴ وَذَهَبَ عَنْكَ جَنَى شَهْوَةِ نَفْسِكَ، وَذَهَبَ عَنْكَ كُلُّ مَا هُوَ مُشْحِمٌ وَبِهِيٍّ، وَلَنْ تَجْدِيهِ فِي مَا بَعْدُ. ۱۵ تَجَارُ هَذِهِ الْأَشْيَاءِ الَّذِينَ اسْتَعْنَوْا مِنْهَا، سَيَقْفُونَ مِنْ بَعِيدٍ، مِنْ أَجْلِ خَوْفِ عَذَابِهَا، يَبْكُونَ وَيَنُوحُونَ، ۱۶ وَيَقُولُونَ: وَيْلٌ! وَيْلٌ! الْمَدِينَةُ الْعَظِيمَةُ الْمُتَسَرِّبَةُ بِبَزٍّ وَأَرْجُوَانٍ وَقِرْمِزٍ، وَالْمُتَحَلِّيَةُ بِذَهَبٍ وَحَجَرِ كَرِيمٍ وَلُؤْلُؤٍ! ۱۷ لَأَنَّهُ فِي سَاعَةٍ وَاحِدَةٍ خَرِبَ غِنَى مِثْلُ هَذَا. وَكُلُّ رَبَّانٍ، وَكُلُّ الْجَمَاعَةِ فِي السُّنَنِ، وَالْمَلَاحُونَ وَجَمِيعُ عُمَّالِ الْبَحْرِ، وَقَفُوا مِنْ بَعِيدٍ، ۱۸ وَصَرَخُوا إِذْ نَظَرُوا دُخَانَ حَرِيقِهَا، قَائِلِينَ: آيَةُ مَدِينَةٍ مِثْلُ الْمَدِينَةِ الْعَظِيمَةِ؟ ۱۹ وَالْقَوْلُ تَرَابًا عَلَى رُؤُوسِهِمْ، وَصَرَخُوا بَاكِينَ وَنَائِحِينَ قَائِلِينَ: وَيْلٌ! وَيْلٌ! الْمَدِينَةُ الْعَظِيمَةُ، الَّتِي فِيهَا اسْتَعْنَى جَمِيعُ الَّذِينَ لَهُمْ سَفْنٌ فِي الْبَحْرِ مِنْ نَفَائِسِهَا! لَأَنَّهَا فِي سَاعَةٍ وَاحِدَةٍ خَرِبَتْ! ۲۰ إِفْرَحِي لَهَا أَيَّتُهَا السَّمَاءُ وَالرُّسُلُ الْقَدِيسُونَ وَالْأَنْبِيَاءُ، لِأَنَّ الرَّبَّ قَدْ دَانَهَا دَيْنُونَتَكُمْ».

۱۱ همچنین بازرگانان زمین برای او گریسته، ماتم می‌گیرند؛ زیرا دیگر کسی نیست که کالاهای آنان را بخرد؛ ۱۲ یعنی محموله‌های طلا، نقره، سنگ‌های گرانبها، مروارید، کتان نفیس، پارچه‌های ارغوانی و سرخ، ابریشم و هر آنچه از چوب معطر ساخته شده است و انواع اشیای ساخته شده از عاج، چوب پرارزش، مس، آهن و مرمر. ۱۳ همچنین دارچین، ادویه هندی، بخور، روغن معطر، کُنْدُر، شراب، روغن زیتون، آرد مرغوب، گندم، گاو، گوسفند، اسب، ارابه، برده و جان انسان. ۱۴ آری، همین چیزهای مرغوب که جانت مشتاقش بود، تو را ترک کرده است. همچنین همه خوراکی‌های لذیذ و چیزهای باشکوه برای تو از میان رفته است و دیگر هرگز نخواهد بود. ۱۵ عذاب او، بازرگانانی را که از فروش این کالاها ثروتمند شدند، ترسان خواهد ساخت. از این رو دور ایستاده، خواهند گریست و ماتم خواهند گرفت. ۱۶ آنان خواهند گفت: «افسوس! افسوس بر آن شهر بزرگ که ملبس به جامه‌های کتان نفیس و ارغوانی و سرخ

بود و به فراوانی با زیورآلات طلا، سنگ‌های قیمتی و مروارید آراسته شده بود. ۱۷ چون چنین ثروت عظیمی در یک ساعت از بین رفت. ناخدایان کشتی‌ها، مسافران دریا، ملوانان و تمام کسانی که از راه دریا امرار معاش می‌کنند، دور ایستاده، ۱۸ وقتی دود سوختنش را ببینند، فریاد سر می‌دهند که: «آیا شهری دیگر همچون این شهر بزرگ وجود دارد؟» ۱۹ آنان بر سر خود خاک ریختند و با گریه و ماتم فریادزنان گفتند: «افسوس! افسوس بر آن شهر بزرگ که از دولتش تمام صاحبان کشتی‌ها ثروتمند شدند، چون آن شهر در یک ساعت از بین رفته است.» ۲۰ ای آسمان، از آنچه بر سر او آمد شاد باش! همچنین شما ای مقدّسان، رسولان و پیامبران شاد باشید! زیرا خدا به خاطر شما حکم داوری خود را بر او اعلام کرده است».

۲۱ وَرَفَعَ مَلَاكُ وَاحِدٌ قَوِيٌّ حَجَرًا كَرَحَى عَظِيمَةٍ، وَرَمَاهُ فِي الْبَحْرِ قَائِلًا: «هَكَذَا يَذْفَعُ سَترَمِي بَابِلُ الْمَدِينَةِ الْعَظِيمَةِ، وَلَنْ تُوجَدَ فِي مَا بَعْدُ. ۲۲ وَصَوْتُ الضَّارِبِينَ بِالْقِيَارَةِ وَالْمُغْنِينَ وَالْمُزْمِرِينَ وَالنَّافِخِينَ بِالْبُوقِ، لَنْ يُسْمَعَ فِيكَ فِي مَا بَعْدُ. وَكُلُّ صَانِعِ صِنَاعَةٍ لَنْ يُوجَدَ فِيكَ فِي مَا بَعْدُ. وَصَوْتُ رَحَى لَنْ يُسْمَعَ فِيكَ فِي مَا بَعْدُ. ۲۳ وَتَوْرُ سِرَاجٍ لَنْ يُضِيءَ فِيكَ فِي مَا بَعْدُ. وَصَوْتُ عَرِيسٍ وَعَرُوسٍ لَنْ يُسْمَعَ فِيكَ فِي مَا بَعْدُ. لَأَنْ تُجَارِكَ كَانُوا عَظَمَاءَ الْأَرْضِ. إِذْ بِسِحْرِكَ ضَلَّتْ جَمِيعُ الْأُمَمِ. ۲۴ وَفِيهَا وَجَدَ دَمُ أَنْبِيَاءَ وَقَدِيسِينَ، وَجَمِيعِ مَنْ قُتِلَ عَلَى الْأَرْضِ».

۲۱ سپس فرشته‌ای پر قدرت سنگی همچون سنگ آسیاب را بلند کرد. آن را به دریا انداخت و گفت: «به همین سان بابل، آن شهر بزرگ پایین افکنده خواهد شد و دیگر نخواهد بود. ۲۲ دیگر آواز خوانندگان که چنگ می‌نوازند و می‌خوانند و صدای نوازندگان، نی‌نوازان و شیپورزان در تو به گوش نخواهد رسید و دیگر هیچ صنعتگری، از هر حرفه‌ای که باشد در تو یافت نخواهد شد و دیگر صدای سنگ آسیاب در تو شنیده نخواهد شد. ۲۳ دیگر نور هیچ چراغی در تو نخواهد تابید، دیگر صدای هیچ عروس و دامادی در تو شنیده نخواهد شد؛ زیرا بازرگانان تو مردان عالی‌رتبه زمین بودند و تو تمام قوم‌ها را با سحرَت گمراه کردی. ۲۴ آری، خون پیامبران، مقدّسان و تمام کسانی که بر زمین بی‌رحمانه کشته شدند، به گردن این شهر بود».

رُؤْيَا يُوْحَنَّا اللَّاهُوتِي : الْأَصْحَاحُ التَّاسِعُ عَشَرَ * ۱۹:۱-۲۱

۱ وَبَعْدَ هَذَا سَمِعْتُ صَوْتًا عَظِيمًا مِنْ جَمْعٍ كَثِيرٍ فِي السَّمَاءِ قَائِلًا: «هَلِّلُوْا! الْخَلَاصُ وَالْمَجْدُ وَالْكَرَامَةُ وَالْقُدْرَةُ لِلرَّبِّ إِلَهِنَا، ۲ لَأَنَّ أَحْكَامَهُ حَقٌّ وَعَادِلَةٌ، إِذْ قَدْ دَانَ الزَّانِيَةُ الْعَظِيمَةُ الَّتِي أَفْسَدَتِ الْأَرْضَ بِزَنَاهَا، وَأَنْتَقَمَ لِدَمِ عِبِيدِهِ مِنْ يَدِهَا». ۳ وَقَالُوا ثَانِيَةً: «هَلِّلُوْا! وَدُخَانُهَا يَصْعَدُ إِلَى أَبَدِ الْأَبَدِينَ». ۴ وَخَرَّ الْأَرْبَعَةُ وَالْعِشْرُونَ شَيْخًا وَالْأَرْبَعَةُ الْحَيَوَانَاتِ وَسَجَدُوا لِلَّهِ الْجَالِسِ عَلَى الْعَرْشِ قَائِلِينَ: «أَمِينَ! هَلِّلُوْا!». ۵ وَخَرَجَ مِنَ الْعَرْشِ صَوْتُ

قَائِلًا: «سَبِّحُوا لِإِلَهِنَا يَا جَمِيعَ عِبِيدِهِ، الصَّغَارِ وَالْكِبَارِ!». ٦ وَسَمِعْتُ كَصَوْتِ جَمْعٍ كَثِيرٍ، وَكَصَوْتِ مِيَاهٍ كَثِيرَةٍ، وَكَصَوْتِ رُعُودٍ شَدِيدَةٍ قَائِلَةً: «هَلِّلُوهَا! فَإِنَّهُ قَدْ مَلَكَ الرَّبُّ إِلَهُ الْقَادِرُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ». ٧ لِنَفْرَحَ وَتَنْهَلُ وَنُعْطِيهِ الْمَجْدَ! لِأَنَّ عُرْسَ الْخُرُوفِ قَدْ جَاءَ، وَأَمْرَاتُهُ هَيَّاتَ نَفْسَهَا. ٨ وَأُعْطِيتُ أَنْ تَلْبَسَ بَزًّا نَقِيًّا بَهِيًّا، لِأَنَّ الْبَزَّ هُوَ تَبَرُّرَاتُ الْقَدِّيسِينَ». ٩ وَقَالَ لِي: «اكْتُبْ: طُوبَى لِلْمَدْعُودِينَ إِلَى عَشَاءِ عُرْسِ الْخُرُوفِ!». وَقَالَ: «هَذِهِ هِيَ أَقْوَالُ اللَّهِ الصَّادِقَةِ». ١٠ فَخَرَرْتُ أَمَامَ رِجْلَيْهِ لِأَسْجُدَ لَهُ، فَقَالَ لِي: «انْظُرْ! لَا تَفْعَلْ! أَنَا عَبْدٌ مَعَكَ وَمَعَ إِخْوَتِكَ الَّذِينَ عِنْدَهُمْ شَهَادَةُ يَسُوعَ. اسْجُدْ لِلَّهِ! فَإِنَّ شَهَادَةَ يَسُوعَ هِيَ رُوحُ النُّبُوَّةِ».

۱ پس از آن، صدایی شنیدم که همچون صدای بلند گروهی عظیم در آسمان بود که می گفتند: «هَلِلُوهَا»^۸ نجات، جلال و قدرت از آن خدای ماست؛ ۲ زیرا راست و عدل است داوری هایش. او حکم داوری آن فاحشه بزرگ را که زمین را با زناکاری خود به فساد کشید، اجرا کرده است و انتقام خون خادمان خود را از او گرفته است. ۳ همان موقع برای بار دوم گفتند: «هَلِلُوهَا». برای همیشه و تا ابد از آن شهر دود برخواهد خاست. ۴ آنگاه آن بیست و چهار پیر و چهار موجود زنده زانو زدند و خدا را که بر تخت نشسته بود، پرستش کردند و گفتند: «آمین! هَلِلُوهَا». ۵ همچنین صدایی از سوی تخت برخاست که گفت: «خدایمان را حمد گوید، ای تمام خادمان او، ای شما که از کوچک و بزرگ از او می ترسید». ۶ آنگاه صدای گروهی را شنیدم که همچون صدای گروهی عظیم، آری همچون صدای آب های خروشان و غرش رعد بود که می گفتند: «هَلِلُوهَا؛ زیرا یَهُوه خدایمان، آن قادر مطلق، در مقام پادشاه سلطنت را آغاز کرده است. ۷ بیاید شادی کنیم و وجد نماییم و او را جلال دهیم؛ زیرا وقت عروسی بره رسیده و عروسی خود را آماده ساخته است. ۸ آن عروس اجازه یافت که به کتان نفیس و پاک و درخشان ملبس شود؛ این کتان نفیس مظهر اعمال درستکارانه مقدسان است». ۹ فرشته به من گفت: «بنویس، خوشا به حال کسانی که برای شام عروسی بره دعوت شده اند». همچنین گفت: «این گفته های خداست و راست است». ۱۰ آنگاه به پایش افتادم تا او را پرستش کنم، اما به من گفت: «مواظب باش! چنین مکن! خدا را پرست. من نیز مانند تو و برادرانت که کار شهادت دادن در مورد عیسی را به عهده دارید، غلامی بیش نیستم؛ چرا که شهادت دادن عیسی بخاطر روح نبوه است».

۱۱ ثُمَّ رَأَيْتُ السَّمَاءَ مَفْتُوحَةً، وَإِذَا فَرَسٌ أَبْيَضٌ وَالْجَالِسُ عَلَيْهِ يُدْعَى أَمِينًا وَصَادِقًا، وَبِالْعَدْلِ يَحْكُمُ وَيُحَارِبُ. ۱۲ وَعَيْنَاهُ كُلَّهَيْبِ نَارٍ، وَعَلَى رَأْسِهِ تِيْجَانٌ كَثِيرَةٌ، وَلَهُ اسْمٌ مَكْتُوبٌ لَيْسَ أَحَدٌ يَعْرِفُهُ إِلَّا هُوَ. ۱۳ وَهُوَ مُتَسَرِّبٌ بِثَوْبٍ مَعْمُوسٍ بَدَمٍ، وَيُدْعَى اسْمُهُ «كَلِمَةُ اللَّهِ». ۱۴ وَالْأَجْنَادُ الَّذِينَ فِي السَّمَاءِ كَانُوا يَتَّبِعُونَهُ عَلَى خَيْلٍ بَيْضٍ، لَا يَسِينُ بَزًّا أَبْيَضَ وَنَقِيًّا. ۱۵ وَمِنْ فَمِهِ يَخْرُجُ سَيْفٌ مَاضٍ لِكَيْ يَضْرِبَ بِهِ الْأُمَمَ. وَهُوَ سَيَرْعَاهُمْ بِعَصَا مِنْ

^۸ «هَلِلُوهَا» ترکیب دو لغت عبری است به معنی: «ستایش بر خداوند». «یا» مخفف نام خدا یَهُوه است. به عربی می شود: سَبِّحُوا اللَّهَ

حَدِيدٍ، وَهُوَ يَدُوسُ مَعْصَرَةَ خَمَرٍ سَخَطَ وَغَضَبَ اللَّهِ الْقَادِرِ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ. ١٦ وَلَهُ عَلَى تَوْبِهِ وَعَلَى فَخْذِهِ اسْمٌ مَكْتُوبٌ: «مَلِكُ الْمُلُوكِ وَرَبُّ الْأَرْبَابِ». ١٧ وَرَأَيْتُ مَلَكَاً وَاحِداً وَاقِفاً فِي الشَّمْسِ، فَصَرَخَ بِصَوْتٍ عَظِيمٍ قَائِلاً لِجَمِيعِ الطُّيُورِ الطَّاوِرَةِ فِي وَسْطِ السَّمَاءِ: «هَلُمَّ اجْتَمِعِي إِلَى عِشَاءِ الْإِلَهِ الْعَظِيمِ، ١٨ لِكَيْ تَأْكُلِي لَحُومَ مُلُوكٍ، وَلَحُومَ قُوَادٍ، وَلَحُومَ أَقْوِيَاءَ، وَلَحُومَ خَيْلٍ وَالْجَالِسِينَ عَلَيْهَا، وَلَحُومَ الْكُلِّ: حُرّاً وَعَبْدًا، صَغِيرًا وَكَبِيرًا». ١٩ وَرَأَيْتُ الْوُحْشَ وَمُلُوكَ الْأَرْضِ وَأَجْنَادَهُمْ مُجْتَمِعِينَ لِيَصْنَعُوا حَرْبًا مَعَ الْجَالِسِ عَلَى الْفَرَسِ وَمَعَ جُنْدِهِ. ٢٠ فَقَبِضَ عَلَى الْوُحْشِ وَالنَّبِيِّ الْكَذَّابِ مَعَهُ، الصَّانِعِ قُدَّامَهُ الْآيَاتِ الَّتِي بِهَا أَضَلَّ الَّذِينَ قَبِلُوا سِمَةَ الْوُحْشِ وَالَّذِينَ سَجَدُوا لِصُورَتِهِ. وَطَرَحَ الْاِثْنَانِ حَيَّيْنِ إِلَى بُحَيْرَةِ النَّارِ الْمُتَّقِدَةِ بِالْكَبْرِيتِ. ٢١ وَالْبَاقُونَ قُتِلُوا بِسَيْفِ الْجَالِسِ عَلَى الْفَرَسِ الْخَارِجِ مِنْ فَمِهِ، وَجَمِيعِ الطُّيُورِ شَبِعَتْ مِنْ لَحُومِهِمْ.

۱۱ آنگاه دیدم که آسمان گشوده شد و اسبی سفید را مشاهده کردم که کسی بر آن نشسته است. او «امین و راست» خوانده می شود و به عدل داوری کرده، جنگ را پیش می برد. ۱۲ چشمانش شعله های آتش است و بر سرش تاج های بسیار دارد. نامی بر او نوشته شده است که هیچ کس جز خود او آن را نمی داند. ۱۳ او جامه ای به تن دارد که با خون لکه دار شده است و نامش «کلمه خدا» است. ۱۴ سپاهیان آسمان بر اسبان سفید به دنبال او می رفتند و آنان نیز به جامه هایی از کتان نفیس و سفید و پاک ملبس بودند. ۱۵ از دهان او شمشیری تیز و بلند بیرون آمده است تا قوم ها را با آن بزند. او با عصای آهنین ایشان را شبانی خواهد کرد. همچنین انگورهای چرخشت شدت غضب خدای قادر مطلق را لگد کوب خواهد نمود. ۱۶ بر جامه اش، روی ران او، این نام نوشته شده است، «پادشاه پادشاهان و سرور سروران». ۱۷ همچنین فرشته ای دیدم که در نور خورشید ایستاده بود و با فریادی بلند به تمام پرندگان که در دل آسمان پرواز می کردند، می گفت: «اینجا بیاید، برای شام بزرگ خدا گرد هم آید ۱۸ تا بتوانید از گوشت پادشاهان، فرماندهان و مردان قوی و از گوشت اسبان و سوارانشان و از گوشت همه، چه آزاد و چه غلام و چه کوچک و چه بزرگ بخورید». ۱۹ آنگاه وحش و پادشاهان زمین و سپاهیان شان را دیدم که گرد هم آمده بودند تا علیه آن اسب سوار و علیه سپاهش جنگ کنند. ۲۰ اما آن وحش گرفتار شد و با او آن نبی کذاب که به نام او آیات به ظهور می آورد و با آیات خود کسانی را فریفته بود که علامت آن وحش را پذیرفته بودند و تمثال او را می پرستیدند. آنان هر دو، زنده به دریاچه آتش و گوگرد مشتعل افکنده شدند. ۲۱ و باقی آنان به شمشیری که از دهان آن اسب سوار بیرون می آمد، کشته شدند و آن پرندگان همگی خود را از گوشت آنان سیر کردند.^۹

^۹ سید أحمد الحسن (ع): «والمَدْعُودُونَ إِلَى عِشَاءِ عَرَسِ الْخُرُوفِ هُم: (أَنْصَارُ الْمَهْدِيِّ الْأَوَّلِ الْيَمَانِيِّ)» و قال (ع): «وَهَذَا الَّذِي يَرْكَبُ الْفَرَسَ فِي هَذِهِ الرُّؤْيَا هُوَ الْمَهْدِيُّ الْأَوَّلُ الْيَمَانِيُّ». رسالة الهداية

رُؤْيَا يُوْحَنَّا اللَّاهُوتِي : الْأَصْحَاحُ الْعِشْرُونَ * ۱:۲۰-۱۵

۱ وَرَأَيْتُ مَلَاكًا نَازِلًا مِنَ السَّمَاءِ مَعَهُ مِفْتَاحُ الْهَافُوتِ، وَسِلْسِلَةٌ عَظِيمَةٌ عَلَى يَدَيْهِ. ۲ فَقَبَضَ عَلَى النَّتْنِ، الْحَيَّةِ الْقَدِيمَةِ، الَّذِي هُوَ إِبْلِيسُ وَالشَّيْطَانُ، وَقَيَّدَهُ أَلْفَ سَنَةٍ، ۳ وَطَرَحَهُ فِي الْهَافُوتِ وَأَغْلَقَ عَلَيْهِ، وَخَتَمَ عَلَيْهِ لِكَيْ لَا يُضِلَّ الْأُمَمَ فِي مَا بَعْدُ، حَتَّى تَتِمَّ الْأَلْفُ السَّنَةِ. وَبَعْدَ ذَلِكَ لَا بُدَّ أَنْ يُحَلَّ زَمَانًا يَسِيرًا. ۴ وَرَأَيْتُ عُرُوشًا فَجَلَسُوا عَلَيْهَا، وَأَعْطُوا حُكْمًا. وَرَأَيْتُ نَفُوسَ الَّذِينَ قُتِلُوا مِنْ أَجْلِ شَهَادَةِ يَسُوعَ وَمِنْ أَجْلِ كَلِمَةِ اللَّهِ، وَالَّذِينَ لَمْ يَسْجُدُوا لِلْوَحْشِ وَلَا لِصُورَتِهِ، وَلَمْ يَقْبَلُوا السَّמَةَ عَلَى جَبَاهِهِمْ وَعَلَى أَيْدِيهِمْ، فَعَاشُوا وَمَلَكَوا مَعَ الْمَسِيحِ أَلْفَ سَنَةٍ. ۵ وَأَمَّا بَقِيَّةُ الْأَمْوَاتِ فَلَمْ تَعِشْ حَتَّى تَتِمَّ الْأَلْفُ السَّنَةِ. هَذِهِ هِيَ الْقِيَامَةُ الْأُولَى. ۶ مُبَارَكٌ وَمُقَدَّسٌ مَنْ لَهُ نَصِيبٌ فِي الْقِيَامَةِ الْأُولَى. هَؤُلَاءِ لَيْسَ لِلْمَوْتِ الثَّانِي سُلْطَانٌ عَلَيْهِمْ، بَلْ سَيَكُونُونَ كَهَنَةً لِلَّهِ وَالْمَسِيحِ، وَسَيَمْلِكُونَ مَعَهُ أَلْفَ سَنَةٍ. ۷ ثُمَّ مَتَى تَمَّتِ الْأَلْفُ السَّنَةُ يُحَلُّ الشَّيْطَانُ مِنْ سِجْنِهِ، ۸ وَيُخْرَجُ لِيُضِلَّ الْأُمَمَ الَّذِينَ فِي أَرْبَعِ زَوَايَا الْأَرْضِ: جُوجُ وَمَاجُوجُ، لِيَجْمَعَهُمْ لِلْحَرْبِ، الَّذِينَ عَدَدُهُمْ مِثْلُ رَمْلِ الْبَحْرِ. ۹ فَصَعِدُوا عَلَى عَرْشِ الْأَرْضِ، وَأَخَاطُوا بِمُعَسْكَرِ الْقَدِّيْسِينَ وَبِالْمَدِينَةِ الْمُحِبُّوتِ، فَنَزَلَتْ نَارٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مِنَ السَّمَاءِ وَأَكَلَتْهُمْ. ۱۰ وَإِبْلِيسُ الَّذِي كَانَ يُضِلُّهُمْ طُرِحَ فِي بُخِيرَةِ النَّارِ وَالْكِيرِيتِ، حَيْثُ الْوَحْشُ وَالنَّبِيُّ الْكَذَّابُ. وَسَيَعَذَّبُونَ نَهَارًا وَلَيْلًا إِلَى أَبَدِ الْأَبَدِينَ.

۱ آنگاه دیدم که فرشته‌ای از آسمان پایین می‌آید و در دستش کلید هاویه و زنجیری بزرگ است. ۲ او ازدها، یعنی همان مار کهن را که ابلیس و شیطان است گرفته، در بند کشید تا به مدت ۱۰۰۰ سال در بند بماند، ۳ او را در هاویه انداخت و در را به رویش قفل کرد و مهر و موم نمود تا قوم‌ها را تا پایان آن ۱۰۰۰ سال، دیگر گمراه نکند. پس از آن باید برای مدتی کوتاه آزاد شود. ۴ تخت‌هایی دیدم که کسانی بر آن‌ها نشسته بودند و اقتدار داوری به ایشان داده شد. آری، کسانی را دیدم که به خاطر شهادت دادن در مورد عیسی و سخن گفتن در مورد خدا اعدام شده بودند. آنان وحش و مجسمه آن را پرستش نکرده بودند و آن علامت را بر پیشانی و دستشان نداشتند. ایشان زنده شدند و در مقام پادشاه به مدت ۱۰۰۰ سال با مسیح سلطنت کردند. ۵ (بقیه مردگان، تا پایان آن ۱۰۰۰ سال زنده نشدند.) این رستاخیز اول است. ۶ خوشحال و مقدسند کسانی که در رستاخیز اول سهمی دارند؛ مرگ دوم بر آنان هیچ اقتداری ندارد، بلکه کاهنان خدا و کاهنان مسیح خواهند بود و در مقام پادشاه به مدت ۱۰۰۰ سال با او سلطنت خواهند کرد. ۷ به محض پایان یافتن آن ۱۰۰۰ سال، شیطان از زندانش رها خواهد شد ۸ و بیرون خواهد آمد تا قوم‌های چهار گوشه زمین را گمراه کرده، آنان را برای جنگ گرد هم آورد، آری جوج و ماجوج. شمار آنان مانند شن‌های دریاست. ۹ آنان بر تمام زمین پیش رفته، خیمه‌گاه مقدسان و آن شهر محبوب را محاصره

کردند. اما آتش از آسمان آمد و آنان را بلعید ۱۰ و ابلیس که آنان را گمراه می کرد به دریاچه آتش و گوگرد انداخته شد، جایی که هم وحش و هم پیامبر دروغین بودند. اینان شب و روز، همیشه و تا ابد عذاب خواهند دید.

۱۱ ثُمَّ رَأَيْتُ عَرْشًا عَظِيمًا أَبْيَضَ، وَالْجَالِسَ عَلَيْهِ، الَّذِي مِنْ وَجْهِهِ هَرَبَتِ الْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ، وَلَمْ يُوْجَدْ لَهُمَا مَوْضِعٌ! ۱۲ وَرَأَيْتُ الْأَمْوَاتَ صِغَارًا وَكِبَارًا وَاقْفِينَ أَمَامَ اللَّهِ، وَانْفَتَحَتْ أَسْفَارُ، وَانْفَتَحَ سِفْرُ آخِرُ هُوَ سِفْرُ الْحَيَاةِ، وَدِينَ الْأَمْوَاتُ مِمَّا هُوَ مَكْتُوبُ فِي الْأَسْفَارِ بِحَسَبِ أَعْمَالِهِمْ. ۱۳ وَسَلَّمَ الْبَحْرُ الْأَمْوَاتَ الَّذِينَ فِيهِ، وَسَلَّمَ الْمَوْتُ وَالْهَلاوِيَّةُ الَّذِينَ فِيهِمَا. وَدِينُوا كُلُّ وَاحِدٍ بِحَسَبِ أَعْمَالِهِ. ۱۴ وَطُرِحَ الْمَوْتُ وَالْهَلاوِيَّةُ فِي بُحَيْرَةِ النَّارِ. هَذَا هُوَ الْمَوْتُ الثَّانِي. ۱۵ وَكُلُّ مَنْ لَمْ يُوْجَدْ مَكْتُوبًا فِي سِفْرِ الْحَيَاةِ طُرِحَ فِي بُحَيْرَةِ النَّارِ.

۱۱ آنگاه تختی بزرگ و سفید دیدم که شخصی بر آن نشسته بود. زمین و آسمان از برابر او گریختند و جایی برایشان یافت نشد. ۱۲ مردگان را دیدم که کوچک و بزرگ در پیشگاه تخت ایستاده بودند و دفترهایی باز شد. دفتری دیگر نیز باز شد که دفتر حیات است. مردگان بر حسب آنچه در دفترها نوشته شده بود، مطابق اعمالشان داوری شدند. ۱۳ دریا مردگانی را که در خود داشت، پس داد؛ مرگ و جهان مردگان نیز مردگان خود را پس دادند، و هر کس بر حسب اعمالی که انجام داده بود، داوری شد. ۱۴ و مرگ و جهان مردگان به دریاچه آتش افکنده شد. دریاچه آتش، مرگ دوم است. ۱۵ و هر که نامش در دفتر حیات نوشته نشده بود، به دریاچه آتش افکنده شد.

رُؤْيَا يُوْحَنَّا اللَّاهُوتِي: الْأَصْحَاحُ الْحَادِي وَالْعِشْرُونَ * ۱:۲۱-۲۷

۱ ثُمَّ رَأَيْتُ سَمَاءً جَدِيدَةً وَأَرْضًا جَدِيدَةً، لِأَنَّ السَّمَاءَ الْأُولَى وَالْأَرْضَ الْأُولَى مَضَتَا، وَالْبَحْرُ لَا يُوْجَدْ فِي مَا بَعْدُ. ۲ وَأَنَا يُوْحَنَّا رَأَيْتُ الْمَدِينَةَ الْمُقَدَّسَةَ أُورُشَلِيمَ الْجَدِيدَةَ نَازِلَةً مِنَ السَّمَاءِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُهَيَّاةً كَعَرُوسٍ مُزَيَّنَةٍ لِرَجُلِهَا. ۳ وَسَمِعْتُ صَوْتًا عَظِيمًا مِنَ السَّمَاءِ قَائِلًا: «هُوَذَا مَسْكَنُ اللَّهِ مَعَ النَّاسِ، وَهُوَ سَيَسْكُنُ مَعَهُمْ، وَهُمْ يَكُونُونَ لَهُ شَعْبًا، وَاللَّهُ نَفْسُهُ يَكُونُ مَعَهُمْ إِلَهًا لَهُمْ. ۴ وَسَيَمْسَحُ اللَّهُ كُلَّ دَمْعَةٍ مِنْ عَيْنِهِمْ، وَالْمَوْتُ لَا يَكُونُ فِي مَا بَعْدُ، وَلَا يَكُونُ حُزْنٌ وَلَا صُرَاخٌ وَلَا وَجَعٌ فِي مَا بَعْدُ، لِأَنَّ الْأُمُورَ الْأُولَى قَدْ مَضَتْ». ۵ وَقَالَ الْجَالِسُ عَلَى الْعَرْشِ: «هَا أَنَا أَصْنَعُ كُلَّ شَيْءٍ جَدِيدًا!». وَقَالَ لِي: «اُكْتُبْ: فَإِنَّ هَذِهِ الْأَقْوَالَ صَادِقَةٌ وَأَمِينَةٌ». ۶ ثُمَّ قَالَ لِي: «قَدْ تَمَّ! أَنَا هُوَ الْأَلْفُ وَالْيَاءُ، الْبِدَايَةُ وَالنَّهَايَةُ. أَنَا أُعْطِيَ الْعَطْشَانَ مِنْ يَنْبُوعِ مَاءِ الْحَيَاةِ مَجَّانًا. ۷ مَنْ يَغْلِبُ يَرِثُ كُلَّ شَيْءٍ، وَأَكُونُ لَهُ إِلَهًا وَهُوَ يَكُونُ لِي ابْنًا. ۸ وَأَمَّا الْخَائِفُونَ وَغَيْرُ الْمُؤْمِنِينَ وَالرَّجِسُونَ وَالْقَاتِلُونَ وَالزُّنَاةُ وَالسَّحَرَةُ وَعَبْدَةُ الْأَوْثَانِ وَجَمِيعُ الْكَذْبَةِ، فَنَصِيبُهُمْ فِي الْبُحَيْرَةِ الْمُتَّقَدَةِ بِنَارٍ وَكِبْرِيَتِ، الَّذِي هُوَ الْمَوْتُ الثَّانِي».

١ آنگاه آسمانی جدید و زمینی جدید دیدم؛ زیرا آسمان پیشین و زمین پیشین از میان رفته بود. دریا نیز دیگر وجود ندارد. ٢ من یوحنا هستم که شهر مقدس اورشلیم جدید را دیدم شهری که از آسمان از جانب خدا پایین می آمد، و به آراستگی عروسی بود که برای دامادش آماده شده باشد. ٣ آنگاه صدایی بلند از تخت شنیدم که گفت: «نگاه کن! خیمه خدا با انسان هاست. او با آنان ساکن خواهد شد و ایشان قوم او خواهند بود و خود خدا با آنان خواهد بود. ٤ خدا هر اشکی را از چشمانشان پاک خواهد کرد. دیگر مرگ نخواهد بود و ماتم و شیون و درد نیز وجود نخواهد داشت؛ زیرا چیزهای اول سپری شد.» ٥ آن تخت نشین گفت: «نگاه کن! من همه چیز را نو می سازم.» همچنین گفت: «بنویس؛ زیرا این گفته ها امین و راست است.» ٦ آنگاه به من گفت: «این ها به انجام رسیده است! من «الف» و «ی» و آغاز و پایان هستم. به هر که تشنه باشد به رایگان از چشمه آب حیات خواهم داد. ٧ آن که غالب آید، این ها را به میراث خواهد برد و من خدای او و او پسر من خواهد بود. ٨ اما بزدلان، بی ایمانان، افراد ناپاک و نفرت انگیز، قاتلان، کسانی که مرتکب اعمال نامشروع جنسی می شوند، کسانی که به نیروهای غیبی متوسل می شوند، بت پرستان و تمام دروغگویان، نصیبشان در دریاچه مشتعل به آتش و گوگرد خواهد بود. این همان مرگ دوم است.»^{١٠}

٩ ثُمَّ جَاءَ إِلَيَّ وَاحِدٌ مِنَ السَّبْعَةِ الْمَلَائِكَةِ الَّذِينَ مَعَهُمُ السَّبْعَةُ الْجَمَاتِ الْمَمْلُوءَةُ مِنَ السَّبْعِ الصَّرَبَاتِ الْآخِيرَةِ، وَتَكَلَّمَ مَعِيَ قَائِلًا: «هَلُمَّ فَأَرِيكَ الْعُرُوسَ امْرَأَةَ الْخَرْوَفِ». ١٠ وَذَهَبَ بِي بِالرُّوحِ إِلَى جَبَلٍ عَظِيمٍ غَالٍ، وَأَرَانِي الْمَدِينَةَ الْعَظِيمَةَ أُورُشَلِيمَ الْمُقَدَّسَةَ نَازِلَةً مِنَ السَّمَاءِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ، ١١ لَهَا مَجْدُ اللَّهِ، وَلَمَعَانُهَا شِبْهُ أَكْرَمِ حَجَرٍ كَحَجَرٍ يَشْبُ بُلُورِيٍّ. ١٢ وَكَانَ لَهَا سُورٌ عَظِيمٌ وَغَالٍ، وَكَانَ لَهَا اثْنَا عَشَرَ بَابًا، وَعَلَى الْأَبْوَابِ اثْنَا عَشَرَ مَلَاكًا، وَأَسْمَاءُ مَكْتُوبَةٌ هِيَ أَسْمَاءُ أَسْبَاطِ بَنِي إِسْرَائِيلَ الْاِثْنَيْ عَشَرَ. ١٣ مِنَ الشَّرْقِ ثَلَاثَةُ أَبْوَابٍ، وَمِنْ الشَّمَالِ ثَلَاثَةُ أَبْوَابٍ، وَمِنْ الْجَنُوبِ ثَلَاثَةُ أَبْوَابٍ، وَمِنْ الْغَرْبِ ثَلَاثَةُ أَبْوَابٍ. ١٤ وَسُورُ الْمَدِينَةِ كَانَ لَهُ اثْنَا عَشَرَ أَسَاسًا، وَعَلَيْهَا أَسْمَاءُ رُسُلِ الْخَرْوَفِ الْاِثْنَيْ عَشَرَ. ١٥ وَالَّذِي كَانَ يَتَكَلَّمُ مَعِيَ كَانَ مَعَهُ قَصَبَةٌ مِنْ ذَهَبٍ لِكَيْ يَقْيَسَ الْمَدِينَةَ وَأَبْوَابَهَا وَسُورَهَا. ١٦ وَالْمَدِينَةُ كَانَتْ مَوْضُوعَةً مَرْبَعَةً، طُولُهَا بِقَدْرِ الْعَرْضِ. فَقَاسَ الْمَدِينَةَ بِالْقَصَبَةِ مَسَافَةً اِثْنَيْ عَشَرَ أَلْفَ غَلْوَةٍ. الطُّولُ وَالْعَرْضُ وَالْإِرْتِفَاعُ مُتَسَاوِيَةٌ. ١٧ وَقَاسَ سُورَهَا: مِئَةً وَأَرْبَعًا وَأَرْبَعِينَ ذِرَاعًا، ذِرَاعَ إِنْسَانٍ أَيْ الْمَلَاكِ. ١٨ وَكَانَ بِنَاءُ سُورِهَا مِنْ يَشْبٍ، وَالْمَدِينَةُ ذَهَبٌ نَقِيٌّ شِبْهُ زُجَاجٍ نَقِيٍّ.

^{١٠} سید أحمد الحسن (ع): « والألف والياء ، والبداية والنهاية هو : الإمام المهدي ، والذي يغلب هو نفسه الأسد الذي يغلب في أول الرؤيا ، وهو المهدي الأول واليماني ». و كذلك قال (ع): « المعرفة العالية والتي تمثل الغرض من الخلق تتحقق في الأولى وهي السماء الأولى (سماء الرجعة)، وقبلها هي (سماء الذر)، وبدايتها أي (بداية الأولى) في ظهور الإمام المهدي (ع)، حيث تبدأ مرحلة الأولى ومقدمات تمهيد لعالم الرجعة ». رسالة الهداية و المتشابهات (الجزء الرابع) سؤال / ١٦٩

۹ آنگاه یکی از آن هفت فرشته‌ای که هفت کاسه پر از هفت بلای آخر را داشتند، آمد و به من گفت: «بیا و من عروس را که همسر برّه است، به تو نشان خواهم داد.» ۱۰ پس با قدرت روح مرا به کوهی بزرگ و بلند برد و شهر بزرگ و مقدّس اورشلیم را به من نشان داد که از آسمان از جانب خدا پایین می‌آمد ۱۱ و جلال خدا را داشت. درخشش آن همچون گرانباترین سنگ بود؛ مانند سنگ یشبی بود که همچون بلور شفاف بدرخشد. ۱۲ دیواری بزرگ و بلند و دوازده دروازه داشت. ۱۲ فرشته کنار دروازه‌ها بودند و نام دوازده طایفه بنی‌اسرائیل، بر دروازه‌ها نوشته شده بود. ۱۳ سه دروازه در سمت شرق، سه دروازه در سمت شمال، سه دروازه در سمت جنوب و سه دروازه در سمت غرب شهر بود. ۱۴ دیوار شهر نیز بر دوازده پی سنگی قرار داشت و بر آن‌ها نام رسولان برّه ثانی عشر نوشته شده بود. ۱۵ آن که با من صحبت می‌کرد، یک نی طلایی برای اندازه‌گیری داشت تا شهر و دروازه‌ها و دیوار آن را اندازه بگیرد. ۱۶ شهر به شکل مربعی با طول و عرض برابر بود. او با آن نی شهر را اندازه‌گیری کرد. طول، عرض و ارتفاع آن یکسان و دوازده هزار پرتاب تیر بود. ۱۷ دیوار شهر را نیز اندازه گرفت و آن صد و چهل و چهار ذراع بود. این مطابق معیار انسانی، یعنی معیاری بود که فرشته به کار برد. ۱۸ دیوار از یشب ساخته شده بود. شهر نیز از طلای خالص بود و همچون شیشه شفاف.

۱۹ وَأَسَاسَاتُ سُورِ الْمَدِينَةِ مَزِينَةٌ بِكُلِّ حَجَرٍ كَرِيمٍ. الْأَسَاسُ الْأَوَّلُ يَشْبُ. الثَّانِي يَأْقُوتٌ أَزْرَقُ. الثَّلَاثُ عَقِيقُ أَيْيُضُ. الرَّابِعُ زُمْرُدٌ دُبَابِيٌّ ۲۰ الْخَامِسُ جَزَعٌ عَقِيقِيٌّ. السَّادِسُ عَقِيقُ أَحْمَرُ. السَّابِعُ زَبَرْجَدٌ. الثَّامِنُ زُمْرُدٌ سَلْقِيٌّ. التَّاسِعُ يَأْقُوتٌ أَصْفَرُ. الْعَاشِرُ عَقِيقُ أَخْضَرُ. الْحَادِي عَشَرَ أَسْمَانُجُونِيٌّ. الثَّانِي عَشَرَ جَمَشْتُ. ۲۱ وَالْاِثْنَا عَشَرَ بَابًا اثْنَتَا عَشْرَةَ لُؤْلُؤَةً، كُلُّ وَاحِدٍ مِنَ الْأَبْوَابِ كَانَ مِنْ لُؤْلُؤَةٍ وَاحِدَةٍ. وَسُوقُ الْمَدِينَةِ ذَهَبٌ نَقِيٌّ كَزُجَاجٍ شَفَافٍ. ۲۲ وَلَمْ أَرْ فِيهَا هَيْكَلًا، لِأَنَّ الرَّبَّ اللَّهَ الْقَادِرَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ، هُوَ وَالْخُرُوفُ هَيْكَلُهَا. ۲۳ وَالْمَدِينَةُ لَا تَحْتَاجُ إِلَى الشَّمْسِ وَلَا إِلَى الْقَمَرِ لِإِضْيَئَاتِ فِيهَا، لِأَنَّ مَجْدَ اللَّهِ قَدْ أَنْارَهَا، وَالْخُرُوفُ سِرَاجُهَا. ۲۴ وَتَمْشِي شُعُوبُ الْمُخَلَّصِينَ بِنُورِهَا، وَمَلُوكُ الْأَرْضِ يَجِيئُونَ بِمَجْدِهِمْ وَكِرَامَتِهِمْ إِلَيْهَا. ۲۵ وَأَبْوَابُهَا لَنْ تُغْلَقَ نَهَارًا، لِأَنَّ لَيْلًا لَا يَكُونُ هُنَاكَ. ۲۶ وَيَجِيئُونَ بِمَجْدِ الْأُمَمِ وَكِرَامَتِهِمْ إِلَيْهَا. ۲۷ وَلَنْ يَدْخُلَهَا شَيْءٌ دَنَسٌ وَلَا مَا يَصْنَعُ رَجَسًا وَكَذِبًا، إِلَّا الْمَكْتُوبِينَ فِي سِفْرِ حَيَاةِ الْخُرُوفِ.

۱۹ پی دیوار زیبای شهر از انواع سنگ‌های گرانباترین ساخته شده بود؛ پی اول از یشب بود، دوم از یاقوت کبود، سوم از عقیق سپید، چهارم از زمرد، ۲۰ پنجم از عقیق ساردنیکس، ششم از عقیق خرمایی، هفتم از زبرجد، هشتم از بریل، نهم از توپاز، دهم از عقیق سبز، یازدهم از زرگون آبی و دوازدهم از گمست بود. ۲۱ همچنین آن دوازده دروازه از دوازده مروارید بود؛ هر یک از دروازه‌ها از یک مروارید ساخته شده بود. خیابان اصلی شهر از طلای خالص و همچون شیشه شفاف بود. ۲۲ معبدی در آن شهر ندیدم؛ زیرا

یَهُوه خدای قادر مطلق و برّه، معبد آن هستند. ۲۳ این شهر نه نیازی به خورشید دارد که بر آن بتابد و نه نیازی به ماه؛ زیرا جلال خدا روشنی بخش آن و برّه چراغ آن است. ۲۴ اقوام نجات یافته در نور آن، گام بر خواهند داشت و پادشاهان زمین شکوه خود را به آنجا خواهند آورد. ۲۵ دروازه های آن در روز هرگز بسته نخواهد شد، چون در آنجا شب وجود نخواهد داشت. ۲۶ جلال و عزّت قوم ها به آنجا آورده خواهد شد. ۲۷ اما هیچ چیز ناپاک و کسی که اعمال نفرت انگیز و فریبکارانه انجام می دهد، به هیچ وجه داخل آن نخواهد شد. فقط کسانی که نامشان در دفتر حیات برّه نوشته شده است، به آن شهر داخل خواهند شد.

رُؤْيَا يُوْحَنَّا اللَّاهُوتِي : الْأَصْحَاحُ الثَّانِي وَالْعِشْرُونَ * ۲۲:۱-۲۱

۱ وَأَرَانِي نَهْرًا صَافِيًا مِنْ مَاءٍ حَيَاةٍ لَامِعًا كَبَلُورٍ، خَارِجًا مِنْ عَرْشِ اللَّهِ وَالْخُرُوفِ. ۲ فِي وَسْطِ سَوْقِهَا وَعَلَى النَّهْرِ مِنْ هُنَا وَمِنْ هُنَاكَ، شَجَرَةٌ حَيَاةٍ تَصْنَعُ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ ثَمَرَةً، وَتُعْطِي كُلَّ شَهْرٍ ثَمَرَهَا، وَوَرَقُ الشَّجَرَةِ لَشِفَاءِ الْأَمَمِ. ۳ وَلَا تَكُونُ لَغْنَةً مَا فِي مَا بَعْدُ. وَعَرْشُ اللَّهِ وَالْخُرُوفِ يَكُونُ فِيهَا، وَعَبِيدُهُ يَخْدُمُونَهُ. ۴ وَهُمْ سَيَنْظُرُونَ وَجْهَهُ، وَاسْمُهُ عَلَى جِبَاهِهِمْ. ۵ وَلَا يَكُونُ لَيْلٌ هُنَاكَ، وَلَا يَخْتَاجُونَ إِلَى سِرَاجٍ أَوْ نُورِ شَمْسٍ، لِأَنَّ الرَّبَّ إِلَهَ يُنِيرُ عَلَيْهِمْ، وَهُمْ سَيَمْلِكُونَ إِلَى أَبَدِ الْأَبَدِينَ. ۶ ثُمَّ قَالَ لِي: «هَذِهِ الْأَقْوَالُ أَمِينَةٌ وَصَادِقَةٌ. وَالرَّبُّ إِلَهَ الْأَنْبِيَاءِ الْقَدِيسِينَ أَرْسَلَ مَلَائِكَةً لِيُرِيَ عَبِيدَهُ مَا يَنْبَغِي أَنْ يَكُونَ سَرِيعًا». ۷ «هَا أَنَا آتِي سَرِيعًا. طُوبَى لِمَنْ يَحْفَظُ أَقْوَالَ نُبُوَّةِ هَذَا الْكِتَابِ». ۸ وَأَنَا يُوْحَنَّا الَّذِي كَانَ يَنْظُرُ وَيَسْمَعُ هَذَا. وَحِينَ سَمِعْتُ وَنَظَرْتُ، خَرَرْتُ لَأَسْجُدَ أَمَامَ رَجُلِي الْمَلَكِ الَّذِي كَانَ يُرِينِي هَذَا. ۹ فَقَالَ لِي: «انْظُرْ لَا تَفْعَلْ! لَأَنِّي عَبْدٌ مَعَكَ وَمَعَ إِخْوَتِكَ الْأَنْبِيَاءِ، وَالَّذِينَ يَحْفَظُونَ أَقْوَالَ هَذَا الْكِتَابِ. اسْجُدْ لِلَّهِ!». ۱۰ وَقَالَ لِي: «لَا تَخْتِمَ عَلَى أَقْوَالِ نُبُوَّةِ هَذَا الْكِتَابِ، لِأَنَّ الْوَقْتَ قَرِيبٌ. ۱۱ مَنْ يَظْلِمُ فَلْيَظْلَمْ بَعْدُ. وَمَنْ هُوَ نَجِسٌ فَلْيَتَنَجَسْ بَعْدُ. وَمَنْ هُوَ بَارٌّ فَلْيَتَبَرَّرْ بَعْدُ. وَمَنْ هُوَ مُقَدَّسٌ فَلْيَتَقَدَّسْ بَعْدُ».

۱ آن فرشته رودخانه ای از آب حیات به من نشان داد که همچون بلور شفاف بود و از تخت خدا و برّه جاری می شد ۲ و از میان خیابان اصلی شهر می گذشت. در دو طرف رودخانه درختان حیات قرار داشت که دوازده بار میوه می داد، یعنی هر ماه یک بار. برگ های آن درختان برای شفای قوم ها بود. ۳ دیگر در آنجا هیچ لعنتی نخواهد بود. بلکه تخت خدا و برّه در شهر خواهد بود و بندگانش او را خدمت خواهند نمود. ۴ آنان صورت او را خواهند دید و نام او بر پیشانی شان خواهد بود. ۵ همچنین، دیگر شب نخواهد بود و آنان نه به نور چراغ نیاز خواهند داشت و نه به نور خورشید؛ زیرا یَهُوه خدا بر آنان نور خواهد تاباند و ایشان در مقام پادشاه همیشه و تا ابد سلطنت خواهند کرد. ۶ آنگاه او به من گفت: «این گفته ها امین و راست است؛ آن رب که خداوندگار انبیا مقدّس است، فرشته خود را فرستاد تا آنچه را باید به زودی به

وقوع ببیوندد، به غلامان خود نشان دهد. ۷ بنگر! من به زودی می آیم. خوشا به حال هر کس که اخبار غیبی این کتاب را به گوش گیرد.» ۸ من، یوحنا، همان کسی هستم که این چیزها را شنیدم و دیدم. با شنیدن و دیدن این ها، به پای فرشته ای که این چیزها را به من نشان داده بود، افتادم تا او را پرستش کنم. ۹ اما او به من گفت: «مواظب باش! چنین مکن! من نیز همچون تو و برادرانت که پیامبرند و کسانی که سخنان این کتاب را به گوش می گیرند، غلامی بیش نیستم. خدا را پرست.» ۱۰ او همچنین به من گفت: «اقوال نبوت این کتاب را مَهر و موم مکن؛ زیرا زمان مقرر نزدیک است. ۱۱ بگذار آن که بدکار است در بدکاری خود پیش رود و آنکس که نجس است نجس تر گردد؛ و آن که درستکار است به درستکاری خود ادامه دهد و آن که مقدس است، مقدس تر گردد.

۱۲ «وَهَا أَنَا آتِي سَرِيعًا وَأُجْرَتِي مَعِيَ لِأَجْزِي كُلَّ وَاحِدٍ كَمَا يَكُونُ عَمَلُهُ. ۱۳ أَنَا الْأَلْفُ وَالْيَاءُ، الْبَدَايَةُ وَالنَّهَائَةُ، الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ». ۱۴ طُوبَى لِلَّذِينَ يَصْنَعُونَ وَصَايَاهُ لِكَيْ يَكُونَ سُلْطَانُهُمْ عَلَى شَجَرَةِ الْحَيَاةِ، وَيَدْخُلُوا مِنَ الْبَابِ إِلَى الْمَدِينَةِ. ۱۵ لِأَنَّ خَارِجًا الْكِلَابَ وَالسَّحَرَةَ وَالزُّنَاةَ وَالْقَتْلَةَ وَعَبْدَةَ الْأَوْثَانِ، وَكُلَّ مَنْ يُحِبُّ وَيَصْنَعُ كَذِبًا. ۱۶ «أَنَا يَسُوعُ، أَرْسَلْتُ مَلَائِكِي لِأَشْهَدَ لَكُمْ بِهَذِهِ الْأُمُورِ عَنِ الْكَنَائِسِ. أَنَا أَصْلُ وَذُرِّيَّةُ دَاوُدَ. كُوكَبُ الصُّبْحِ الْمُنِيرُ». ۱۷ وَالرُّوحُ وَالْعَرُوسُ يَقُولَانِ: «تَعَالَا!». وَمَنْ يَسْمَعُ فَلْيَقُلْ: «تَعَالَا!». وَمَنْ يَعْطَشُ فَلْيَأْتِ. وَمَنْ يَرِدُ فَلْيَأْخُذْ مَاءَ حَيَاةٍ مَجَّانًا. ۱۸ لِأَنِّي أَشْهَدُ لِكُلِّ مَنْ يَسْمَعُ أَقْوَالَ نُبُوءَةِ هَذَا الْكِتَابِ: إِنْ كَانَ أَحَدٌ يَزِيدُ عَلَى هَذَا، يَزِيدُ اللَّهُ عَلَيْهِ الضَّرَبَاتِ الْمَكْتُوبَةَ فِي هَذَا الْكِتَابِ. ۱۹ وَإِنْ كَانَ أَحَدٌ يَخْذِفُ مِنْ أَقْوَالِ كِتَابِ هَذِهِ النُّبُوءَةِ، يَخْذِفُ اللَّهُ نَصِيبَهُ مِنْ سِفْرِ الْحَيَاةِ، وَمِنْ الْمَدِينَةِ الْمُقَدَّسَةِ، وَمِنْ الْمَكْتُوبِ فِي هَذَا الْكِتَابِ. ۲۰ يَقُولُ الشَّاهِدُ بِهَذَا: «نَعَمْ! أَنَا آتِي سَرِيعًا». آمِينَ. تَعَالَا أَيُّهَا الرَّبُّ يَسُوعُ. ۲۱ نِعْمَةٌ رَبَّنَا يَسُوعُ الْمَسِيحُ مَعَ جَمِيعِكُمْ. آمِينَ.

۱۲ «بنگر! من به زودی می آیم تا به آن کس که با من است مطابق اعمالش پاداش و جزا دهم. ۱۳ من «الف» و «ی» هستم، نخستین و آخرین، آغاز و پایان. ۱۴ خوشا به حال آنان که به وصیت ها عمل می کنند، تا قدرت قرار گرفتن بر درخت حیات را بیابند، و بتوانند از دروازه های شهر به آن داخل شوند. ۱۵ چرا که بیرون شهر (مقدس) سگ ها و ساحران و زناکاران و قاتلان و بت پرستان هستند، همچنین همه آنانی که دروغ گفتن را دوست می دارند و آن را پیشه خود می سازند.» ۱۶ «من، عیسی، به خاطر جماعت ها فرشته خود را نزد شما فرستادم تا به شما در مورد این چیزها شهادت دهد. من ریشه و نسل داوود و آن ستاره درخشان صبح هستم.» ۱۷ روح و عروس می گویند: «بیا!» هر آن که می شنود بگوید: «بیا!» هر که تشنه است بیاید؛ و هر که طالب است، از آب حیات به رایگان بگیرد. ۱۸ من به هر کس که کلام نبوت این کتاب را می شنود هشدار می دهم که اگر کسی چیزی بدان بیفزاید، خدا بلاهای نوشته شده در این کتاب

را بر او خواهد افزود. ۱۹ و اگر کسی از کلام نبوت این کتاب چیزی کم کند، خدا او را از درخت حیات و از شهر مقدس، که در این کتاب درباره آنها نوشته شده است، بی نصیب خواهد ساخت. ۲۰ آن که به این امور شهادت می دهد، چنین می گوید: «آری، به زودی می آیم.» آمین! بیا، ای عیسی سرور. ۲۱ فیض سرور ما عیسی بر همه شما باد. آمین.



أحمد الحسن الخروف المذبح من أربعة و عشرين شيخاً لأوصياء محمد (ص)



گردآوری و تنظیم:

صادق شکاری

ذو الحجه ۱۴۳۹ ه.ق

<http://sadeghshekari.com>

جهت آشنایی با دعوت سید احمد الحسن عليه السلام به تارنمای زیر مراجعه نمایید:

<https://www.almahdyoon.co>

مطالب مرتبط :

دانلود کتاب مقدس: تورات و انجیل (عهد قدیم و جدید)

ادله دعوت امام احمد الحسن برای مسیحیان

کتاب سیزدهمین حواری

کتاب وصی در تورات، انجیل و قرآن

کتاب نامه هدایت